



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ - ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۴۰۳ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

یادداشت سیاسی
سیدعبدالله متولیان

آینه شکست اتحاد عربی
نشست اضطراری شورای همکاری خلیج فارس در ۴شهریور، با حضور سران و نمایندگان اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی قرار بود پاسخی محکم به این گستاخی باشد، اما آنچه از آن برآمد، آینه‌ای شکسته بود که ضعف و سرافکندگی جهان عرب را در برابر قانون جنگل نتانیاهو فریاد زد و فلسطین را تنهاتر از همیشه رها کرد. این نشست که با هدف نمایش اتحاد و جست و جوی پاسخی جمعی بر گزار شد، شاهد سخنرانی‌هایی با لحنی تندتر از همیشه بود | **صفحه ۲**

یادداشت بین‌الملل
هادی محمدی

تنهاغیرت عربی
به جای کنفرانس نمایشی سران

اسرائیل و نتانیاهو که در تمامی پرونده‌های منطقه‌ای جنگ ناتمام و ناموفق را در دو سال گذشته به اجرا گذاشتند، به‌شدت نیازمند یک پیروزی قطعی در غزه هستند و فریبکاری و ناجوانمردی امریکادر چهره میانبچی هم نتوانسته طرح تحمیلی مذاکرات و توافق توقف جنگ را به نتیجه برساند. نتانیاهو انتظار دارد قطر و بقیه کشورهای عربی و اسلامی در عین حال که در دهه‌های گذشته همه خوش‌خدمتی‌ها را به امریکا و رژیم صهیونی انجام داده‌اند، در مذاکرات آتش‌بس، همه وجدان و غیرت خود را زیر پا گذاشته تا طرح امریکایی ویتکاف را به نتیجه برسانند و نتانیاهو در یک پرونده پیروز کامل باشد | **صفحه ۱۵**

یادداشت سیاسی
حسین عبداللہی‌فر

۲ دفاع مقدس متفاوت
با دستاوردهای مشترک

اسمال مردم قهرمان ایران در حالی سالگرد هشت سال دفاع مقدس خود را جشن می‌گیرد که یک دفاع مقدس دیگر را در کارنامه خویش به ثبت رسانده‌اند. دفاع مقدس هشت ساله با تجاوز رژیم بعث عراق با محوریت شخص صدام از مرزهای غربی کشورمان به صورت زمینی آغاز گردید و به لحاظ راهبرد و تاکتیک، فرماندهی و لجستیک، اطلاعات و عملیات، نیرو و تجهیزات، شیوه و ابزار، گستره و جغرافیا تفاوت‌های زیادی با دفاع مقدس ۲۲ روزه دارد. اما اشتراکات فراوانی نیز با یکدیگر داشتند. هر دو جنگ، به لحاظ ماهیتی جنگی نیابتی بودند که طراح اصلی آن امریکایا و سوسی همه دشمنان اسلام و مسلمین پشتیبانی می‌شد | **صفحه ۲**

یادداشت اجتماعی
مهدی مولایی

طلوع و غروب یک استاد!

پدیده شهرت در روزگار ما، دیگر زائیده فرهیختگی، دانش، هنرمندی و دستاوردهای پایدار نیست؛ امروز شهرت بیش از هر زمان دیگری محصول لحظه‌ها و رسانه‌هاست؛ لحظه‌هایی کوتاه و رسانه‌هایی وسیع. ماجرای اخیر فردی که با عنوان «استاد» از شمال کشور به سمت استان فارس و مقبره منسوب به کوروش به راه افتاد و خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفت، نمونه روشنی از همین وضعیت است. او با تقلیدی خام از سنت عمیق پیاده‌روی نظیر پیاده‌روی‌های دینی، کوشید برای خود سرمایه‌ای نمادین فراهم آورد؛ سرمایه‌ای که در تعبیر پی‌یر بوردیو، نه حاصل کار و اندیشه، بلکه محصول بهره‌برداری نمایشی از حساسیت‌های اجتماعی است | **صفحه ۳**

یادداشت اقتصادی
وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

بازی یارانه‌ای با مردم!
طی یک سال گذشته، بارها و بارها دولت با ادبیات‌های مختلف، از اصلاح ساختار یارانه‌ها، از بازنگری در دهک‌ها تا حذف یارانه «پر درآمدها»، از انتقال منابع به کالابرگ تا هدفمندسازی حمایت‌ها و حتی وعده «عدالت اجتماعی» سخن گفته است. فرامتن چنین تلاش‌هایی این است که دولت به جای کنترل هزینه‌های غیر ضروری، مبارزه با رانت، مهار فساد و عادلانه کردن نظام مالیاتی بنا ندارد دست در جیب مردم کند! **صفحه ۴**

اروپا که زمانی با شرکت‌های توتال، ایرباس، رنوو و یمنس برنامه‌های جدی برای ورود به بازار ایران داشت، حالا از اعمال مجدد تحریم‌های ایران سود می‌برد

کاسبان اروپایی تحریم ایران

اروپا با آنکه خود ماکرون مدعی است ایران پیشنهاد معقولی برای اجرانشدن اسنپ‌بک داده و برخی خبرنگاران غربی این پیشنهاد را «واقع‌گرا» خوانده‌اند، اما در واقعیت این شرکت‌ها اقدام کرده‌اند. این یعنی مسئله هسته‌ای برای غرب اهمیتی ندارد و مسئله آنان تحریم بیشتر و بیشتر با نیت فشار بر ایران و ایجاد نارضایتی در جامعه است. تحلیلی که سال‌هاست از سوی حاکمیت ایران عرضه شده اما غربگرایان آن را رد می‌کردند و هنوز هم بر مذاکره برای رفع تحریم‌ها اصرار دارند | **صفحه ۱۵**

رئیس‌جمهور: با کمک همسایگان و سازمان‌های منطقه‌ای
بر تحریم‌های بازگشتی غلبه می‌کنیم

معمای صندلی‌های خالی تخصص
صفحه ۲
خالی ماندن برخی از رشته‌ها در آزمون دستیاری همچنان ادامه دارد و حتی در برخی از رشته‌ها مانند طب اورژانس به وضعیت اورژانسی رسیده‌است؛ طبق گزارش‌ها در آزمون دستیاری امسال | **صفحه ۲**

مادران فلسطینی قهرمان و شهیدتر بیت می‌کنند
محبوبه قربانی
قرار بود در یک گردهمایی صمیمی و مادرانه از طریق روایت‌های پر قدرت زنی فلسطینی از غزه مقاومت، تار و پود دل‌های‌مان را به هم گره بزنند. گرد هم آمده بودیم تا گوش بسپاریم و از کلامش نیرو بگیریم و پیوندهای ناگستنی‌مان را مهر تأیید بزنیم. «فاطمه الزهرار حرب» به میان جمع میهمانان مدعو قدم گذاشت. محکم و مصمم با چهره‌ای آرام که گویی هیچ اتفاق تلخی نتوانسته اثر خود را بر او بگذارد. این زن فلسطینی، در حالی که داستان تلخ دست‌دادن ۲۲ عضو خانواده‌اش را پشت‌سر گذاشته امروز برای روایت تجربه و مقاومت مادران فلسطینی در برابر سال‌ها جنگ و سختی حضور یافته‌است | **صفحه ۱۲**

هدف گروگانگیری بود
برای آزادی یک جاسوس هسته‌ای!



معصومه محری
اسدالله اسدی در گفت‌وگو با «جوان»: دوسال قبل از دستگیری بنده، یک ایرانی مرتبط با سرویس‌های جاسوسی اروپایی و رژیم صهیونیستی، در کشورمان دستگیر شد. این شخص احمد رضا جلالی نام داشت و در جریان تحقیقات اعتراف کرده بود اطلاعات دانشمندان هسته‌ای ما را به موساد تحویل داده است! دستگیری من یک گروگانگیری بود و آلمان به نیابت از سایر دولت‌های متخاصم، حاضر بود بنده را آزاد کند، به شرطی که جلالی هم آزاد شود! | **صفحه ۹**

آگاهی ملت‌ها سر نوشت فلسطین را رقم خواهد زد



مقوله نیمه شعبان در غدیر آسمانی شد

علیرضا محمدی | دبیر گروه ایثار و مقاومت
شهید مهدی کمالی تازه دامادی بود که تنها ۳۴ روز پس از برگزاری مراسم ازدواجش در روز ۲۴ خردادماه و در تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان شهید شد. او تکلور پاسداری بود که به صورت داوطلبانه برای مقابله با دشمن صهیونیستی عازم عملیات شد و روز دوم جنگ بر اثر موشک شلیک شده‌از پهباد اسرائیلی به شهادت رسید. خبر شهادت او برای خانواده که به تازگی جشن ازدواجش را برگزار کرده بودند، بسیار سخت بود. گفت‌وگوی «جوان» با مهسا کمالی، خواهر کوچک‌تر شهید را پیش رو دارید | **صفحه ۷**

و عده اتمی پاکستان
به عربستان
هر چند کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در نشست اخیر قطر نتوانستند موضع واحدی در برابر جنگ افروری‌های رژیم صهیونیستی اتخاذ کنند اما به نظر می‌رسد برخی دولت‌های منطقه به توافقات دوجانبه گرایش پیدا کرده‌اند تا توان دفاعی و بازدارندگی خود را تقویت کرده و از آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات خارجی بکاهند. در این میان، پاکستان و عربستان سعودی چهارشنبه شب یک پیمان دفاعی مشترک امضا کردند که بر پایه آن، حمله به هر یک از این کشورها برابر با حمله به دیگری محسوب خواهد شد. وزیر دفاع پاکستان درباره جزئیات این توافق تأکید کرد در صورت نیاز برنامه هسته‌ای پاکستان طبق پیمان دفاعی در اختیار عربستان سعودی قرار خواهد گرفت | **صفحه ۱۵**

آبروداری برنامه‌دارها هفت تایی میلیاردرها



فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

درست چند روز پس از آنکه مدیران باشگاه استقلال با تیخ‌تر و تکبر و از خودرضایتی مغرط مقابل دوربین‌ها آمدند و گفتند «ما دیگر همه‌کار برای استقلال کردیم و حالا نوبت سرمربی او بازیکنان است» و منظور آنان از همه‌کار، میلیون‌ها دلار خرج پول کشور برای خرید دروازه‌بان ۴۰ ساله یا بازیکنانی بود که شور و هیجان فوتبال‌شان را پشت سر گذاشته بودند، تیم استقلال در بازی‌های سطح دوم آسیا به یک تیم درجه سوم آسیا بدترین باخت تاریخ فوتبال آسیایی ایران را داد و هفت گل خورد! برخی‌ها این باخت را برنامه‌ریزی‌شده از سوی بازیکنان ناراضی داخلی عنوان کردند، با این توجیه که وقتی بازیکن داخلی، خود را عامل بخشی از موفقیت‌های تیم می‌بیند و سپس نظاره‌گر هزینه‌های میلیون‌دلاری برای خرید بازیکن بی‌کیفیت خارجی می‌شود، پس بیکار نمی‌ماند و هفت‌تا می‌خورد تا پاسخی به مدیران داده باشد یا موجب برکناری آنان و حتی برکناری سرمربی شود؛ اقدامی که البته هزینه‌های میلیون‌دلاری دیگری روی دوش هلدینگ می‌گذارد. این تحلیل‌ها و رفتارها در فوتبال سابقه دارد و مقرون به صحت است. از طرفی در این روزها هاشمیان سرمربی پرسپولیس نیز هربار که پشت تریبون می‌رود کنایه‌ای به خرید بازیکن استقلال می‌زند و یادآور می‌شود که پرسپولیس برای خرید خارجی دنبال نام و نشان نبوده است. این افتضاح فوتبال (که البته شامل دو تیم دیگر ایرانی، تراکتور و سپاهان هم می‌شود و آنان نیز نتایج خوب و در سطح هزینه‌های خود نگرفتند)، هم‌زمان شد با نتایج خوب نیست! | **بقیه در صفحه ۱۳**

۲ دفاع مقدس متفاوت با دستاوردهای مشترک



حسین عبداللّهی‌فر کارشناس سیاسی

شیوه و ابزار، گستره و جغرافیا تفاوت‌های زیادی با دفاع مقدس ۱۲ روزه دارد، اما اشتراکات فراوانی نیز با یکدیگر داشتند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هر دو جنگ، به لحاظ ماهیتی جنگی نیابتی بودند که طراح اصلی آن امریکا و از سوی همه دشمنان اسلام و مسلمین پشتیبانی می‌شد. هدف هر دو جنگ، براندازی نظام اسلامی و تجزیه ایران بود که تا کام ماند. هر دو جنگ برق آسا و بر اساس اصل غافلگیری طراحی و اجرا شد. هر دو جنگ با فرض ایران ضعیف شکل گرفته و تصور دشمنان این بود که ملت ایران فاقد مولفه‌های لازم برای دفاع و قدرت بازدارندگی، ثبات سیاسی و سازمان رزم می‌باشد. در هر دو جنگ از ظرفیت جریان معارض نظام اسلامی، اپوزیسیون و گروهک‌های ضدانقلاب به اشکال مختلف استفاده شد. در هر دو جنگ نقش ولی فقیه به عنوان عامل اصلی نجات کشور از بحران، مدیریت صحنه، هدایت افکار عمومی و مقابله با جنگ روانی دشمن بسیار پررنگ و قابل درک بود. امامین انقلاب در هر دو جنگ ابتدا شوک ناشی از تجاوز نظامی را مهار کرده و با دریافت افاق پیروزی ملت ایران را روشن ساختند. در هر دو جنگ، جهان شاهد بازیابی قدرت، بازدارندگی و واکنش قاطع نظام اسلامی بود. در هر دو جنگ خسارات مادی و انسانی زیادی به طرفین تحمیل شد اما مهم نتیجه بود که در هر دو جنگ برنده میدان ملت ایران بود.

یکی از مهمترین وجوه اشتراک هر دو دفاع مقدس ملت فهیرمان ایران، دستاوردهای بزرگ آن می‌باشد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. یکی از دستاوردهای بزرگ ملت ایران در هر دو جنگ، تحمیل آتش‌بس به دشمن بود. در دفاع اول، چند سال طول کشید تا رژیم بعث ناگزیر شد به شروط ملت ایران برای برقراری آتش بس تن دهد و در دفاع دوم، تنها ۱۲ روز بیشتر طول نکشید تا رژیم صهیونی مجبور به درخواست آتش بس گردید.

۲. در هر دو جنگ افکار عمومی جهان حتی اندیشکده‌های غربی ایران اسلامی را صریحاً با پیروز جنگ معرفی کردند. طبق نظرسنجی‌های معتبر دنیا ۶۱ درصد دولت ایران را پیروز جنگ دانسته و این رقم در منطقه به ۸۰ درصد می‌رسد. در ایران نزدیک ۸۴ درصد مردم نظام اسلامی را پیروز میدان می‌دانند.

۳. افزایش قدرت بازدارندگی نظام اسلامی و استحکام نیروهای مسلح در هر دو جنگ از دیگری دستاوردهای مهم ملت ایران می‌باشد. نتیجه عملی این افزایش قدرت در جنگ ۱۲ روزه زمانی روشن شد که پس از گذشت ۱۲ ساعت جهان شاهد شلیک موشک‌های هابیرسونیک سپاه اسلام بود. موشک‌هایی که قدرت‌های اتمی و ناتو را به تسلیم کشاند و رویای براندازی و تجزیه ایران را باطل کرد.

۴. یکی دیگر از دستاوردهای قابل توجه ایرانیان در هر دو جنگ مقابله با جنگ روانی و شناختی دشمن و موفقیت در روایت اول پیروزی ایران بود که در مقابله دستگاه تبلیغاتی عظیم غرب و تلاش‌های بسیار دشمن در تحریف شکست رژیم، طراحی عملیات روانی پیچیده برای القای شکست به مردم ایران با وجود حمله به رسانه ملی کشورمان پیروزی بزرگی محسوب می‌گردد.

۵. ابطال تصویر ایران ضعیف و نمایش ایران قوی در هر دو جنگ یک دستاورد بزرگ برای ملت ایران بود. چراکه مفروض دشمن برای حمله به ایران در هر دو جنگ، ایران ضعیف بود.

۶. محکومیت جهانی متجاوز یک پیروزی بزرگ در هر دو جنگ بود با این تفاوت که در جنگ اول، هشت سال طول کشید تا این شرط در قطعنامه شورای امنیت لحاظ شود. در این ۱۲ روز ۱۲۰ کشور جهان و اتحادیه زیادی رژیم صهیونی را محکوم کردند.

۷. تحمیل شکست‌های میدانی سنگین در هر دو جنگ به طرف مقابل به منظور توقف ماشین جنگی متجاوز و دفاع از کبان، حیثیت، تمامیت ارضی و اقتدار ملت ایران.

۸. در هر دو جنگ ثابت شد خط سازش و مذاکره محکوم به شکست بوده و تنها راه ملت ایران مقاومت و دفاع است.

۹. یکی از نتایج مهم هر دو جنگ نمایش اتحاد ملی و انسجام اجتماعی ملت ایران بود که با خلق صحنه‌های افتخارآفرین زیادی از ایثار و گذشت، قهرمانی خود را به نمایش گذاشت.

۱۰. افزایش باور مردم به ویژه جوانان به لزوم قوی شدن ایران، به موشک، به ایستادگی، به خبات دشمن و اینکه اگر توان دفاع از خود نداشته باشی بی‌دفع کشته خواهی شد.

خبر آخر



اتحاد اسلامی و تحریم اسرائیل راه توقف ماشین جنگی صهیونیست‌ها

تنهاره‌مقابله‌باخوی‌توسعه‌طلبی‌رژیم‌صهیونیستی،اتحادکشورهای اسلامی و تحریم اقتصادی اسرائیل به‌ویژه‌در حوزه حمل و نقل است.

محمد رضا محسنی ثانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با ایرنا گفت: پس از اینکه رژیم صهیونیستی به قفل حمله کرد، این کشورها که شاید تاکنون درک درستی از تجاوزات رژیم صهیونیستی به منطقه به‌ویژه به غزه، یمن، لبنان، سوریه و ایران نداشتند، این تجاوز سبب شد این کشورهای عربی هم احساس درد کنند. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر این نکته در چنین شرایطی باید کشورهای اسلامی در قبال جنایات‌های صهیونیست‌ها متحد واقعی باشند، گفت: وقتی رژیم صهیونیستی در عمل اقدام به تجاوزگری می‌کند، صرف برگراری گردهمایی و صدور بیانیه نمی‌تواند سبب جلوگیری از تجاوزات این رژیم شود و باید از مقامات علمی از جمله تحریم این رژیم بهره برد. نماینده مردم سبزوار در مجلس شورای اسلامی افزود: تحریم همه جانبه علیه رژیم صهیونیستی توسط کشورهای منطقه و سایر کشورهای جهان در این زمان بهترین روش برای توقف ماشین کشتار جمعی صهیونیست‌هاست و امیدواریم بعد از حمله اخیر به قطر، اتحاد و انسجام بیشتری بین کشورهای منقله برای دفاع از تمامیت کشورهای خود و سایر کشورهای مسلمان در برابر هر تجاوزی صورت بگیرد.

۲

۲۴ خبر یک

رئیس‌جمهور: با کمک همسایگان و سازمان‌های منطقه‌ای بر تحریم‌های بازگشتی غلبه می‌کنیم

پژشکیان روز پنج‌شنبه، در نشست‌بی با جمعی از اعضای «مجمع کارآفرینان ایران» در پاسخ به درخواست مطرح شده برای همراهی کارآفرینان و فعالان اقتصادی بزرگ در سفرهای خارجی‌اش اظهار داشت: این نکته همواره مورد تأکید بنده بوده و باور داریم که هدف اصلی سفرهای ما تسهیل بستر فعالیت و تولید و تجارت، شمامست. امروز علاوه بر فضای مساعد در روابط خارجی با کشورهای همسایه و دوست، اتحاد به‌هایی چون شانگهای، بریکس و اوراسیا نیز فرصت‌های بسیار خوبی برای همکاری شما با طرف‌های خارجی فراهم کرده‌است. پژشکیان با تأکید بر پشتیبانی دولت از فعالیت‌های فعالان اقتصادی در خارج از کشور اضافه کرد: تلاش ما این است که اسنپ‌ک فغال

نشود، اما در هر صورت با توجه به فضای دوستانه روابط با همسایگان و دوستان و نیز سازمان‌های منطقه‌ای که در آنها عضو هستیم، وضعیت برای همکاری‌ها و داد و ستد شما بسیار مساعد است. شما هم به نوبه خود تلاش کنید با نظارت دقیق بر کیفیت کالاها و خدمات صادراتی، ذهنیت‌ها نسبت به محصولات ایرانی مخدوش نشود.

رئیس‌جمهور سامان دادن به توزیع بودجه میان سازمان‌ها و نهادهای ناکارآمد، جمع‌آوری گازهای مشعل و اقدامات مشابه را از دیگر گام‌های دولت برای مقابله با کسری بودجه و توأمان افزایش در آمد عنوان کرد و اظهار داشت: در جلساتی که برای پیگیری اجرای طرح‌های مربوط به جمع‌آوری گازهای مشعل داریم، مصوب کردیم



پژشکیان در دیدار وزیر انرژی روسیه:

دوران یکجانبه‌گرایی به سر آمده است

دو جانبه، از جمله توافقات‌های صورت گرفته در کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور تصریح کرد: خوشبختانه در سایه عزم و اراده مقامات عالی دو کشور همکاری‌های سازنده در چارچوب کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و روسیه شکل گرفته‌است و مسئولان مربوطه برای اجرای توافقات‌ها به صورت مستمر با یکدیگر در تماس هستند.
تیسیویلف ضمن قدردانی از اهتمام پژشکیان نسبت به اجرای توافقات‌های دو کشور به ویژه در بخش حمل و نقل، انرژی و نیروگاهی اظهار کرد: ما آماده هستیم به سرعت توافقات‌های دوجانبه را به مرحله اجرا برسانیم و در این راستا هیچ مانع، فشار یا تحریمی نمی‌تواند در مسیر همکاری‌های تجاری و اقتصادی دو کشور خلل یا وقفه ایجاد کند.
■ **ایران هیچ‌وقت آغازگر جنگ نبوده‌است**
مذاکره به‌عنوان پوششی برای فریب استفاده و خبیات‌به‌مسیر دیپلماسی، جنگ تحمیلی را علیه ایران آغاز کرد، تأکید کرد: نیروهای مسلح ایران اما با اقتدار و صلابت، جواب محکم و دندان‌شکنی در حمله رژیم صهیونیستی دادند.
در این دیدار، وزیر انرژی روسیه نیز با اظهار تأسف برای از دست‌دادن فرماندهان و دانشمندان ایرانی در حمله رژیم صهیونیستی، خطاب به سر لشکر موسوی گفت: کاملاً با پیشنهاد شما برای تقویت و توسعه کمیسیون‌های مرتبط باهدف ارتقای سطح همکاری‌ها موافقم. سرگنی تیسیویلف تأکید کرد: ایران و روسیه باید همکاری‌های اقتصادی و دفاعی خود را به بالاترین سطح برسانند.

رئیس‌نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها:

انقلاب دانشگاه‌را از وابستگی به قدرتی علمی رساند



مجزو پذیرش دانشجوی خارجی در یافت کنند. این همان عظمت انقلاب اسلامی است. رستمی با تأکید بر نقش بی‌بدیل رهبر معظم انقلاب در هدایت و حمایت از نهضت علمی کشور گفت: مقام معظم رهبری با درایت و آینده‌نگری، همواره بر تقویت زیرساخت‌های علمی و فناوریانه کشور تأکید داشته‌اند. در سایه این رهنمودها بود که کشور ما توانست در برخی رشته‌ها جزو ده کشور برتر تولید علم قرار گیرد و حتی صاحب مکتب علمی و نظریه شود. وی ادامه داد: نگاه غرب به علم، انحصار گرایانه و سلطه‌طلبانه‌است، برخلاف غرب، انقلاب اسلامی علم را در خدمت استقلال، عزت و پیشرفت ملت‌ها می‌خواهد. امروز بیش از همیشه نیازمند توجه به ظرفیت علمی داخلی، حمایت از نخبگان و توسعه علوم راهبردی هستیم.

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها تأکید کرد: انقلاب اسلامی ایران با قطع دست استعمارگران و برچیدن نظام شاهنشاهی وابسته، مسیری نو در تاریخ ملت ایران گشود که دانشگاه و علم در مرکز این حرکت تمدنی قرار گرفتند. وی با اشاره به روند تاریخی استعمار، اظهار افزود: غرب در طول قرون گذشته، با غارت، اسلحه، برده‌داری و نسل‌کشی، فجایعی را بر ملت‌های آفریقا،

یادداشت‌ها

آینه شکست اتحاد عربی



سیدعبدالله متولیان

کارشناس سیاسی

حمله جنگنده‌های رژیم صهیونی به قلب دوحه در ۱۸ شهریور ۱۴۰۴، زخمی عمیق بر پیکر جهان عرب بود. این تجاوز آشکار که حاکمیت قطر را زیر پا گذاشت و تلاش‌های میانجی‌گرانه‌اش برای آتش‌بس در غزه را به سخره گرفت، آزمونی برای همبستگی عربی بود. نشست اضطراری شورای همکاری خلیج فارس در ۲۴ شهریور، با حضور سران و نمایندگان

اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی قرار بود پاسخی محکم به این گستاخی باشد، اما آنچه از آن برآمد، آینه‌ای شکسته بود که ضعف و سرافکندگی جهان عرب را در برابر قانون جنگل نتایج‌آور فریاد زده و فلسطین را تنها قرار داده می‌شماره‌ها کرد.

این نشست که با هدف نمایش اتحاد و جست و جوی پاسخی جمعی بر گزار شد، شاهد سخنرانی‌هایی با لحنی تندتر از همیشه بود. اردوغان خواستار قطع کامل روابط اقتصادی با اسرائیل شد. عبدالفتاح السیسی رژیم صهیونیستی را «دشمن» خواند و توافق صلح کمپ دیوید را در خطر دانست و انور ابراهیم نخست‌وزیر مالزی بر پایان روابط دیپلماتیک تأکید کرد. بیابیه پایانی نیز بر ایجاد ائتلاف دفاعی مشترک، تحریم اسرائیل و بازنگری روابط دیپلماتیک و اقتصادی بافشاری داشت. اما این کلمات، چنان که تحلیل‌گر میدل ایست‌ای اشاره کرد، «هیاهو برای هیچ» بود. هیچ اقدام عملی (مانند قطع روابط یا تحریم اقتصادی) در کار نبود. شورای همکاری خلیج فارس، با ثروت نفتی و سرمایه‌گذاری‌های تریلیون دلاری در تسلیحات، تنها به «فعال‌سازی مکانیسم دفاع مشترک» اکتفا کرد، وعده‌ای بدون جزئیات اجرایی، شبیه بیانیه‌های کاغذی اجلاس‌های پیشین مانند قاهره ۲۳-۲۰.

این انفعال ریشه در شکاف‌های عمیق جهان عرب دارد. امارات و بحرین، امضاکنندگان پیمان ننگین ابراهیم در ۲۰۲۰، با روابط نزدیک اقتصادی و دیپلماتیک با رژیم صهیونی، حتی سران‌شان را به دوحه نفرستادند و نمادین‌گاه سلطه پایین اعزام کردند. حسام زکی، معاون اتحادیه عرب صراحتاً گفت که «توافق دفاع مشترک عربی» غیرواقع‌بینانه‌است، زیرا کثر وابستگی امنیتی به امریکا و برداشت‌های متعارض از تهدیدها، هرگونه ائتلاف دفاعی را به سرایی بدل کرده‌است. در همین حال، رژیم صهیونی با حمله به هفت کشور یا سرزمین (از غزه و کرانه باختری تا قطر، یمن، سوریه، لبنان، ایران و تونس) با وجود داشتن نقاط برجسته آسیب‌پذیری، پروژه اسرائیل بزرگ را بی‌محیا پیش می‌برد. پیامدهای این نشست بی‌خاصیت چندلایه و راهبردی است.

نخست، افزایش ناامنی: کشورهای عربی خود را بیش از همیشه در تیررس تجاوزات اسرائیل می‌بینند. نتایج‌هاو تهدیدهای مکرر نظامی، از اسرائیل بزرگ سخن می‌گویند و هیچ مانعی پیش‌روی خود نمی‌بینند. بدون اقدام عملی، منطقه به التهابی مستمر گرفتار خواهد شد.

دوم، بی‌اعتباری تسلیحات: اعراب نزدیک به یک تریلیون دلار برای جنگنده‌ها و سامانه‌های پدافندی هزینه کرده‌اند، اما حمله به دوحه نشان داد که این تسلیحات در برابر فریب امریکا و تجاوزات صهیونیست‌ها ناکارآمد است. قطر با تراکم بالای پدافند و مستشاران امریکایی قربانی شد، زیرا واشینگتن پوشش دفاعی‌اش را خشنی کرد. مارکو روبیو، وزیر خارجه امریکا، در تل‌آویو کنفرانس نتایج‌هاو ایستاد و حمله به دوحه را توجیه کرد، با پیامی روشن: واشنگتن نه بازدارنده‌است، نه مجازات‌کننده! سوم، تضعیف شورای همکاری خلیج فارس: بیانیه‌های توحالی در برابر تروریست‌های اشغالگر، اما هشدارهایی بی‌مورد علیه ایران (که تهدیدی برای اعراب نیست) اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد و اعتراضات مردمی را برمی‌انگیزد. این وضعیت، نقش شورای همکاری خلیج فارس را در برابر رقبایی چون ایران و ترکیه مرن‌گ می‌کند و به سرافکندگی دیگری برای جهان عرب منجر می‌شود.

در عین حال نشست دوحه، بصیرت و نگاهی راهبردی را تجویز می‌کند: مقاومت، تنها راه نجات است. تجربه محور مقاومت (از عقب‌نشینی امریکا در برابر یمن تا قاطع روابط اقتصادی ترکیه با رژیم صهیونی) نشان می‌دهد هزینه ایستادگی به شدت کمتر از سازش است. اگر اعراب به میدان عمل نایبند، «اتلاف غربی- صهیونی» که نه تنها فلسطین که کل منطقه را به کام مرگبار قاتل جنگل خواهد کشید. دوحه زنگ خطری است: زمان ساخت بازدارندگی واقعی، پیش از حمله بعدی، فرا رسیده است.

گزیده‌خبر



عضو هیئت رئیسه مجلس تأکید کرد

اقدام هم‌وزن مقابل عملیاتی شدن مکانیسم ماشه

عضو هیئت رئیسه مجلس با بیان اینکه مجلس با عملیاتی شدن مکانیسم ماشه، اقدامی قاطع هم‌وزن آن اتخاذ می‌کند، گفت: اسنپ یک نشان داد که مذاکره با غربی‌ها بی‌پهوده است.

علیرضا سلیمی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خانه ملت در خصوص رأی‌گیری پیش‌نوس قطعنامه مربوط به ساز و کار موسوم به اسنپ‌ک در شورای امنیت سازمان ملل گفت: آنچه واضح است، غربی‌ها در گفت و گو بی‌هیچ وجه صادق نیستند حتی در توافقات قاهره مشخص شد که تصمیمات از قبل گرفته شده است. اینکه رژیم صهیونیستی به عنوان سخنگوی اتحادیه اروپا به صراحت از اجرای شدن اسنپ یک سخن می‌گوید و رئیس‌جمهور فرانسه در روز گذشته صراحتاً این موضوع را اعلام کرد، نشان می‌دهد که گفت‌وگو با غربی‌ها، کاری عبث و پیهوده است.

وی ادامه داد: متأسفانه در خصوص مکانیسم ماشه بزرگ‌نمایی صورت می‌گیرد. کشورمان تحت تحریم‌های ثانویه امریکا قرار دارد و اقدامات اروپایی‌ها در بحث تسوئیف و تحریم‌های نفتی با همان تحریم‌های ثانویه رخ داده است. غربی‌ها به دنبال استفاده از جنبه‌های روانی این موضوع در کشورمان هستند تا بتوانند به بهترین شکل از آن بهره‌برداری کنند که لازم است به این امر با دقت بسیار، توجه صورت گیرد.
عضو نماینده مجلس در دوره دوازدهم افزود: موضوع اسنپ یک نشان داد که در مذاکره با غربی‌ها باید دقت‌های لازم صورت گیرد. موضوع مکانیسم ماشه در برجام گنجانده شده اما برخی‌ها این موضوع را انکار می‌کردند. این وضعیت نشان داد که اگر روزنه‌ای برای غربی‌ها باز شود، مجدد آن روزنه برای دوحه باز خواهد افتاد. رژیم صهیونیست‌ها به هیئت رئیسه مجلس تصریح کرد: به طور قطع مجلس شورای اسلامی در این خصوص اقدامات جدی، قاطع و مناسبی هم‌وزن این اقدام در نظر دارد که یکی از گزینه‌ها خروج از NPT است. گزینه‌های دیگری نیز مطرح می‌شود که اگر موضوع مکانیسم ماشه عملیاتی شود، به سرعت از ابزارهای قانونی استفاده خواهد کرد.

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷

گزارش یک زهراچندری

خال‌ی ماندن برخی از رشته‌ها در آزمون دستیاری همچنان ادامه دارد و حتی در برخی از رشته‌ها مانند طب اورژانس به وضعیت اورژانسی رسیده‌است؛ طبق گزارش‌ها در آزمون دستیاری امسال ۱۰ درصد رشته طب اورژانس پر شده و ۹۰ درصد آن خالی مانده‌است. برخی دیگر از رشته‌های تخصص هم چندان وضعیت مناسبی ندارد، به گونه‌ای که ۲۲ درصد رشته بیهوشی، ۲۲ درصد رشته اطفال و ۱۵ درصد رشته عفونی تکمیل شده و بقیه این ظرفیت‌ها خالی مانده‌است. تحلیل این آمارها اما حکایت از فاجعه‌ای دارد که در آینده‌ای نه چندان دور دامن نظام سلامت را می گیرد و حتی می تواند آن را زمینگیر کند! ■ ■ ■

کمبود پزشک و مدیریت توزیع عادلانه پزشک و امکانات بهداشتی درمانی موضوعی است که با زندگی در مناطق محروم و روستاهای دور افتاده بهتر می توان آن را درک کرد. با وجود این تا زمانی که چالش توزیع عادلانه حل و فصل نشود حتی در صورت تربیت پزشک به میزان کافی باز هم چالش مناطق دور افتاده حل نخواهد شد و همچنان ساکنان منطقه دور افتاده برای یک بخیه ساده ناگزیرند چند کیلومتر راه را تا نزدیک‌ترین مراکز درمانی طی کنند تا بتوانند به یک پزشک عمومی یا حتی بهیار دسترسی داشته‌باشند. با وجود این، نگاهی به نتایج آزمون دستیاری و کاهش قابل توجه اقبال به ادامه تحصیل در دوره تخصص رشته‌های کم‌درآمدتری مانند اطفال، بیهوشی و اورژانس برای مدیریت ساختار بهداشتی درمانی کشور در سال‌های آینده چالشی جدی محسوب می‌شود و می‌تواند ما را با کمبود جدی پزشک در این تخصص‌ها که اتفاقاً تخصص‌های مادر و زیربنایی حوزه پزشکی هستند، روبه‌رو کند. پس تلاش برای افزایش تربیت پزشک در حوزه‌های تخصص به خصوص تخصص‌هایی مانند اطفال، اورژانس و بیهوشی که چند سالی است ظرفیت‌های پذیرش آنها خالی می‌ماند ضروری انکارناپذیر است. در غیر این صورت، در آینده‌ای نزدیک حتی رشته‌های پول‌سازی مانند زیبایی، ارتوپدی و جراحی‌ها هم به دلیل فقدان متخصصان رشته‌های زیربنایی همچون بیهوشی در کارشان با چالش مواجه خواهند شد.

■ صندلی‌های خالی دستیاری

چند سالی می‌شود برخی رشته‌ها در آزمون دستیاری خالی می‌ماند؛ ماجرای که زنگ خطر را برای کمبود پزشک در برخی تخصص‌ها طی سسال‌های آینده به

گزارش ۲ مهسا کربلندی

آموزش و پرورش در آستانه تجربه تحولی قرار گرفته که تلاش می‌کند با فاصله گرفتن از شیوه‌های یکسان و متمرکز گذشته، مدرسه را به محیطی زنده، خلاق و متناسب با نیازهای واقعی دانش‌آموزان تبدیل کند. از مهرماه امسال و همزمان با شروع سال تحصیلی، در هشت مدرسه ابتدایی، برنامه‌ای آزمایشی آغاز می‌شود که بنسازد تعریف گذشته‌از برنامه درسی را تغییر دهد. در این مدل تازه، مدارس فقط مجری دستورات از بالا نخواهند بود، بلکه این‌بار خود معلمان و مدیران، بسته به شرایط محیطی، فرهنگی و تربیتی مدرسه، بخشی از برنامه آموزشی را طراحی می‌کنند. یعنی آموزش از یک قالب ثابت خارج می‌شود و بسیار رنگ‌وبوی مدرسه، دانش‌آموزان و جامعه محلی درمی‌آمیزد. یادگیری هم دیگر محدود به کتاب درسی نیست. ابزارهای نوین، محتوای دیجیتال، فعالیت‌های گروهی و تجربه‌محور جای خود را در کلاس باز می‌کنند تا آموزش برای نسل امروزی، واقعی‌تر، ملموس‌تر و معنادار تر باشد. بدون شک اگر این مسیر با دقت، با جداری و نگاه بلندمدت دنبال شود، شاید بتوان گفت که نظام آموزشی کشور، گامی واقعی به سوی بازطراحی بنیادین پر داشته‌است. ■ ■ ■

سه‌شنبه هفته گذشته، علی لطیفی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در گفت‌وگویی تلویزیونی از جزئیات برنامه‌ای گفت که هدفش نه صرفاً اصلاح محتوا، بلکه بازآفرینی نقش مدرسه در آموزش و تربیت است. به گفته او، آنچه با عنوان «طر حواره تحول در برنامه درسی» آغاز شده، یک پروژه سه‌محوره است که سعی دارد از دل ساختار سنتی آموزش، بستری نو برای یادگیری و تربیت معنادار دانش‌آموزان فراهم کند.

■ برنامه‌ای برای بازآفرینی مدرسه

لطیفی با اشاره به اولین محور این طرح گفت: «برای نخستین‌بار، طراحی و اجرای برنامه درسی مدرسه‌ای را در دستور کار داریم. مدلی که به مدارس اجازه می‌دهد متناسب با نیازها و ویژگی‌های محیطی خود، برنامه‌های آموزشی و تربیتی را با خلاقیت معلمان و در چارچوبی منسجم تدوین و اجرا کنند». او تأکید کرد که این تغییر، مدرسه را از یک نهاد صرفاً مجری به نهادی مولد و فعال در تولید دانش تربیتی تبدیل خواهد کرد.

دومین رکن این تحول، عبور از کتاب به‌عنوان تنها ابزار یادگیری است. لطیفی در این رابطه توضیح داد:

«کتاب درسی دیگر تنها منبع یادگیری نخواهد بود. بسته‌های یادگیری جایگزین آن می‌شوند، مجموعه‌ای از منابع متنوع مثل انیمیشن‌ها، بازی‌های آموزشی و ابزارهای تعاملی که متناسب با نیازهای امروز دانش‌آموزان طراحی شده‌اند». او این رویکرد را پاسخی به تغییرات نسلی و تحول در شیوه‌های

صدا درآورده‌است. طبق آمار سازمان نظام پزشکی در حال حاضر ۱۰۴ هزار و ۳۴۵ پزشک عمومی در کشور داریم که بیش از ۳۰ هزار نفر از این افراد به کاری غیر از پزشکی مشغول هستند؛ یعنی نه‌در شبکه بهداشت مشغول شده‌اند و نه در مطب کار می‌کنند. از نگاه محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان نظام پزشکی با این اوصاف اگر تعداد این پزشکان عمومی افزایش پیدا کند، نه مشکل پزشکی خانواده و نظام ارجاع حل‌شده و نه مشکل دسترسی به پزشک متخصص حل خواهد شد.

از نگاه وی در این شرایط، این سؤال پیش آمده که چرا تأکید فراوانی بر افزایش ظرفیت رشته پزشکی عمومی می‌شود، اما توجهی به خالی ماندن ظرفیت رشته‌های دستیاری مانند طب اورژانس، بیهوشی، اطفال و عفونی نمی‌شود.

رئیس کل سازمان نظام پزشکی درباره خالی ماندن برخی رشته‌های دستیاری با اشاره به آمارها و گزارش‌های مرتبط با آزمون دستیاری امسال

جامعه

سرویس اجتماعی ۸۵۳۳۰۶۰

معمای صندلی‌های خالی تخصص

در آزمون دستیاری امسال ۹۰ درصد از تخصص اورژانس و ۸۵ درصد از رشته عفونی خالی مانده‌است



می‌گوید: «آزمون دستیاری که در سال جاری برگزار شد، آمارهای نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد. به طور مثال فقط ۱۰ درصد رشته طب اورژانس، ۲۲ درصد رشته بیهوشی، ۲۲ درصد رشته اطفال و ۱۵ درصد رشته عفونی تکمیل شده و بقیه این ظرفیت‌ها خالی مانده‌است»

■ ابربحران خالی ماندن ظرفیت رشته‌های حیاتی

رئیس سازمان نظام پزشکی معتقد است وقتی گفته می‌شود ۹۰ درصد رشته طب اورژانس خالی مانده، یک ابر بحران است. باید این مشکلات برطرف شود؛ چرا خالی ماندن ظرفیت دستیاری جدی گرفته نمی‌شود؟ در آینده باید صدها برابر چیزی را که اکنون می‌توان هزینه کرد، بپردازیم تا کمبودها را جبران کنیم. وقتی به جای ۶۵۰ زربندت اطفال، فقط ۲۵۰ نفر شروع به تحصیل می‌کنند، کمبود این ۴۰۰ متخصص اطفال را چگونه جبران خواهیم کرد؟

با وجود این، رئیس‌زاده در پاسخ به این سؤال که آیا

افزایش ظرفیت پزشکی می‌تواند مشکل دسترسی به متخصصان را برطرف کند، تصریح می‌کند: «در چهار سال گذشته، هزار و ۲۰۰ نفر کمبود ورودی به رشته بیهوشی داشتیم؛ کمبود متخصص بیهوشی یا اطفال از کجا باید جبران شود؟ اگر قرار باشد افزایش ظرفیت پزشک عمومی منجر به ورود آن فرد به دوره تخصص شود، حدود ۱۴ سال زمان نیاز است؛ آیا مشکل حال حاضر بیماران در زمینه دسترسی و کمبود پزشک متخصص را حل می‌کند؟»

وی با تأکید بر اینکه چند سال دیگر، متخصص بیهوشی و اطفال نخواهیم داشت و اگر یک کودک دچار تشنج شود و یک متخصص اطفال حضور نداشته باشد که آن کودک را درمان کند و او دچار هزین نه کرد، بپردازیم تا کمبودها را جبران کنیم. وقتی به جای ۶۵۰ زربندت اطفال، فقط ۲۵۰ نفر شروع به تحصیل می‌کنند، کمبود این ۴۰۰ متخصص اطفال را چگونه جبران خواهیم کرد؟

رئیس سازمان نظام پزشکی چالش اصلی را در



شماره ۲۴۰۳

توزیع پزشکان متخصص می‌داند و می‌افزاید: «در یکی از رشته‌های تخصصی بسیار مهم، از هزار و ۱۱۰ متخصص، بیش از ۶۰۰ نفر در تهران حضور دارند. در سایر رشته‌ها نیز به همین ترتیب است. ۴۲ درصد متخصصان در پنج کلاشهر حضور دارند و بقیه در سایر نقاط کشور هستند. در یک رشته تخصصی دیگر، ۶۰ درصد متخصصان در تهران حضور دارند.»

رئیس‌زاده معتقد است دلیل این توزیع نامتقارن این است که نتوانستیم شرایط ماندگاری پزشکان متخصص را در شهرستان‌ها فراهم کنیم و وقتی طرح تخصص به‌انجام رسید، به تهران بر می‌گردد. عامل دیگر، فقدان حساسیت مسئولان کشور به موضوع کمبود متخصص است و فقط به افزایش ظرفیت پزشک عمومی پرداخته می‌شود. اگر مسئولان به این موضوع توجه نکنند، تأمین پزشک متخصص در آینده با چالش جدی مواجه خواهد شد.

■ معمای پیچیده

معمای خالی ماندن ظرفیت‌های آزمون دستیاری معمای پیچیده‌ای است. این پزشکی که امروز حاضر نیستند در برخی رشته‌ها ثبت‌نام کنند و ادامه تحصیل بدهند، همان کسانی هستند که هفت سال قبل برای ورود به رشته پزشکی و شرکت در آزمون گروه تجربی سر و دست می‌شکستند. سختی‌های دوره دستیاری، رفتار پادگانی بر برخی اساتید، حقوق ناچیز دستیاران و شیفت‌های طولانی و طاقت‌فرسابخشی از دلایل بی‌اقبال به ادامه تحصیل در این دوره است. به خصوص اینکه فضای فرهنگی جامعه به گونه‌ای پیش رفته که پزشکان دیگر کمتر به تعهدات اخلاقی خود در برابر بیماران و جامعه پایبندند و بیشتر به دنبال منافع شخصی و درآمد هستند. به همین خاطر هم در همین دورانی که ادامه تحصیل در رشته‌های همچون اطفال، بیهوشی و اورژانس از رونق افتاده، رشته‌هایی همچون پوست و زیبایی، چشم‌پزشکی و ارتوپدی همچنان پر طرفدار است. با تمام اینها تا دیر نشده برنامه ریزان و دست‌اندرکاران در وزارت بهداشت و مجلس و سایر مراکز دخیل باید این کار کنند. سالی چند صد نفر خالی ماندن ظرفیت تخصص اطفال، بیهوشی و اورژانس و عفونی می‌تواند در درازمدت به کمبود چند هزار پزشک متخصص در این رشته‌ها منتهی شود. رشته‌هایی که همین حالا هم توزیع نامناسب‌شان دسترسی جامعه به آنها را با چالش مواجه کرده و ادامه این روند و کمبود این‌ن تخصص‌ها قطعاً بیش از پیش روی توزیع‌شان اثر خواهد گذاشت.



طلوع و غروب یک استاد!

پدیده شهرت در روزگار ما، دیگر زاینده فرهیختگی، دانش، هنرمندی و دستاوردهای پایدار نیست؛ امروز شهرت بیش از هر زمان دیگری، محصول لحظه‌ها و رسانه‌هاست؛ لحظه‌هایی کوتاه و رسانه‌هایی وسیع. ماجرای اخیر فردی که با عنوان «استاد» از شمال کشور به سمت استان فارس و مقبره منسوب به کوروش به راه افتاد و خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی مورد استقبال قرار گرفت، نمونه روشنی از همین وضعیت است.

او با تقلیدی خام از سنت عمیق پیاده‌روی نظیر پیاده‌روی‌های دینی، کوشید برای خود سرمایه‌ای نمادین فراهم آورد؛ سرمایه‌ای که در تعبیر بی‌بروردیو، نه حاصل کار و اندیشه، بلکه محصول بهره‌برداری نمایشی از حساسیت‌های اجتماعی است. جامعه نیز که در معرض بمباران رسانه‌ای قرار دارد، بی‌آنکه مجال تأمل بیايد، برای چندروزی او را بر صدر توجهات و نگاه‌ها نشاند، اما همین که «استاد» زبان به سخن گشود و کم‌مایگی و سطحی‌بودن اندیشه‌هایش عیان شد، سرمایه نمادینش به‌ناگاه فرو ریخت و به‌زودی توسط همان‌ها که او را به شهرت رسانده بودند، تمسخر، رها و فراموش شد؛ تا جایی که به ناچار از میانه راه به خانه برگشت.

او نه دانش و اطلاع صحیحی از تاریخ باستان داشت و نه اشرافی به مقصد و مسیر خود. صرفاً با طعن و کنایه به پیاده‌روی اربعین، تکرار دائم جملات کلیشهای و وعده ساخت مجسمه‌های صنعتی از اساطیر ایرانی چند روزی بر حاشیه جاده قدم برمیداشت. اینجاست که باید به تحلیل ریگموت بمان درباره «هنر پند سیال» بازگردیم؛ در جهان سیال، هیچ هویت و اعتباری استحکام نمی‌یابد؛ هر پدیده‌ای با همان شنایی که پدید می‌آید، فرو می‌باشد.

شهرت امروز دیگر به معنای تثبیت جایگاه نیست، بلکه لحظه‌ای گذراست. اندی وار هول، هنرمند پاپ، به‌دستی پیش‌بینی کرده‌بود: «در آینده، هر کسی برای ۱۵ دقیقه مشهور جهانی خواهد بود.» شهرت آن «استاد» نیز از همان سنخ بود؛ ۱۵ دقیقه‌ای که چند روز بیشتر دوام نیاورد.

این فراز و فرود کوتاه و طلوع و غروب زودگذر، گواه همان کلام علوی است که فرمود: «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا بِغَيْرِ حَقٍّ لَمْ يَرْكُزْ»، هر کس چیزی را از غیر راه حق بجوید، بدان دست نخواهد یافت. طبعاً کم‌پایگان و کم‌دانشانی که داعیه اقامه و احیای تاریخ باستان ایران عزیز را داشته باشند بی‌آنکه اشراف و اطلاحی از زوایای آن داشته‌باشند، مدت طولانی در حافله جمعی مردم باقی نخواهند ماندن. وقتی هدف، صرفاً بر مبنای کسب شهرت و افتادن بر سر افواه مردم و اکسپلورهای فضای مجازی باشد، عقل و دانش اسیر همین امیال کوچک و زودگذر و سطحی خواهد شد. امیرالمؤمنین در فرازی فرمودند «كَمْ مِنْ غُلٍّ أَسِيرَ تَحْتَ فَوِّیْ أُمِّيرٍ»، چه بسیار غل‌هایی که اسیر امیال، این چنین است. این عقل‌مدان فردی، در بند تمای ش‌هرت گرفتار می‌شود و به زودی از وصول به مقصد باز می‌ماند.

این ماجرا، اگرچه در ظاهر حکایت یک فرد است، اما در حقیقت آینه‌ای برای جامعه است. نشان می‌دهد که چگونه ذائقه عمومی می‌تواند به سطحی نگری و موج‌سواری تقلیل یابد و چگونه سرمایه فرهنگی واقعی، جای خود را به «سرمایه فوری» و «شهرت لحظه‌ای» می‌دهد.

حضرت در کلامی عمیق و مشهور جامعه را به سه قسم دانشمندان، دانشجویران و پیشه‌های سر درگمی که با هر یاد سطحی به پیروی متعادل و متوجه می‌شوند. در چنین فضایی، تنها راه رهایی، بازگشت جامعه به ارزش‌های اصیل است؛ ارزش‌هایی که دوام و عمق و ماندگاری دارند، نه مانند کف روی آب، که نمایش و جلوه‌گری کوتاهی دارد و به زودی از بین می‌رود و فراموش می‌شود!

آرشیو

ورود ۲۶۱ اتوبوس جدید

واستقرار تاکسی‌های گردشی از اول مهر

معاون حمل و نقل شهرداری تهران با تشریح تعهدات حمل و نقلی شهرداری تهران برای آغاز سال سال تحصیلی جدید از ورود ۲۶۱ دستگاه اتوبوس جدید همزمان با ا اول مهر ماه خبر داد. معاش هرمزی، معاون حمل و نقل شهرداری تهران با اعلام آمادگی معاونت حمل و نقل برای پوشش سال تحصیلی جدید با بیان اینکه از چندماه قبل ستاد استقبال از مهر برای آمادگی ناوگان حمل و نقل عمومی در سطح مناطق پرگزار شده‌است، گفت: برنامه‌ریزی دقیقی برای پوشش هر چه بهتر سفرهای مردم در شهری که با شروع مهرماه آغاز می‌شود، انجام داده‌ایم؛ چراکه براساس آمارهای موجود حدود ۲۰۰ درصد به ترافیک شهر تهران با شروع سال تحصیلی جدید اضافه می‌شود.

وی با تشریح برنامه‌های این معاونت برای پوشش هر چه بهتر حمل و نقل عمومی در مهرماه به تقویت متروی تهران اشاره کرد و گفت: در موضوع نگهداری، بازسازی و اورهال ناوگان متحرک سعی کرده‌ایم با همین ظرفیت، با صرفه ۱۵ دقیقه در خطوط اصلی یک تا ۴ و در خطوط ۶ و ۷ مترو با سر فاصله حرکت حدود ۱۲ دقیقه به مسافران خدمت‌رسانی کنیم. هر می‌زی با بیان اینکه قطار پشتیبانی هم پیش‌بینی شده و اگر نیاز باشد، در زمان بیک‌های قطار را وارد خطوط سروس‌دهی می‌کنیم؛ اظهار کرد: بر اساس مصوبه شورای شهر تهران همانند سال‌های گذشته به دانشجویران و دانش‌آموزان در هفته اول به صورت رایگان خدمت‌رسانی می‌شود. این مسافران در تمام ایستگاه‌ها می‌توانند با خوداظهاری رایگان از گیت‌ها عبور کنند. وی با بیان اینکه شروع حرکت قطار متناسب با اطلاعیه‌های دولت است و طبق آخرین اطلاعیه ساعت حرکت قطارها ۱۴:۳۰ است و به محض اینکه دولت‌این زمان را تغییر دهد حرکت قطار را به ساعت ۵:۳۰ دقیقه تغییر می‌دهیم. در مورد آخرین وضعیت اتوبوسرانی برای آغاز سال تحصیلی جدید گفت: بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته همه مناطق اتوبوسرانی پایتخت موظفند مراکز آموزشی، مدارس و دانشگاه‌های موجود در محدوده فعالیت خود را شناسایی کرده و با تقویت خطوط عبوری از این مراکز، شرایط تر آسان‌تر دانش‌آموزان و دانشجویران را فراهم کند.

هرمزی با تأکید بر اینکه سامانه‌امداد و سامانه جابازان و معلولان هم‌اکنون در آمادگی کامل برای بازگشایی مراکز علمی قرار دارند؛ اظهار کرد: هر زمان با آغاز سال تحصیلی ۲۶۱ دستگاه اتوبوس جدید وارد ناوگان می‌شود. وی از انجام تعمیرات اساسی در ناوگان اتوبوسرانی پایتخت خبر داد و ادامه داد: در ماه‌های اخیر بازسازی داخلی و بیرونی اتوبوس‌ها، تعمیر موتور خودروهای متوقف بلندمدت، تعویض صندلی‌های معیوب، شست‌وسوی کامل اتوبوس‌های فعال در خطوط تندرو و نوسازی کارت‌خوان‌ها در دستور کار قرار گرفته‌است. همچنین بازسازی و نوسازی ایستگاه‌ها در مسیر خطوط تغذیه‌ای با همکاری مناطق شهرداری تهران، اورهال ناوگان بخش خصوصی و تقویت ناوگان پشتیبانی نیز در حال انجام است.

معاون شهردار تهران در مورد وضعیت تاکسیرانی نیز گفت: با شروع سال تحصیلی اقدامات نظارتی برای نظارت بر تاکسی‌ها به خصوص تاکسی‌های گردش‌تی انجام شده‌است و نظارت‌های خودرویی نیز در تمام پایانه‌ها و خطوط تاکسیرانی از ابتدای مهر ماه تشدید خواهد شد. همچنین خطوط پرتقاضا در تهران تقویت می‌شود و این تمهیدات را به خصوص در ساعات پیک ترافیک برای اعزام بخشی از تاکسی‌های گردش‌تی به خطوط پر تقاضا در دستور کار قرار خواهیم داد تا شاهد کاهش معطلی مسافران باشیم.

گزارش « جوان» از آغاز طرحی آزمایشی که شیوه آموزش را تغییر می‌دهد

برنامه درسی جدید با عبور از کتاب درسی روی میز مدارس



یادگیری دانست.

اما شاید مهم‌ترین تفاوت این طرح با پروژه‌های پیشین آموزشی در سومین محور آن نهفته باشد: «بجای یک نظام پشتیبانی و پایش مستمر». لطیفی در این باره گفت: «نامه‌های جدید صرفاً از بالا به مدارس تحمیل نمی‌شود، بلکه با کمک فناوری، فرایند اجرا به شکل پیوسته پایش می‌شود، بازخورد جمع‌آوری و اصلاحات لازم در مسیر اعمال می‌شود». به گفته او، این نظام نظارتی بویا، تضمین می‌کند که تغییرات در برنامه درسی نه در حد شعار، بلکه در عمل و به‌صورت تدریجی و واقعی اجرایی شوند.

■ عبور از نسخه واحد

با ورود به مرحله اجرا، تمرکز از ساختارهای بالا به سطح مدرسه منتقل می‌شود، جایی که باید نه بر اساس نسخه‌های آماده، بلکه بر پایه شناخت واقعی از دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی شود؛ موضوعی که مهدی باقریان، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دقیقاً بر آن تأکید دارد. او با اشاره به اجرای آزمایشی برنامه درسی مدرسه‌ای اظهار داشت تحول واقعی در آموزش تنها زمانی ممکن است که مدارس بتوانند برنامه‌هایی متناسب با نیازهای متنوع و واقعی دانش‌آموزان طراحی کنند.

از نظر او، رویکرد سنتی مبتنی بر نسخه واحد و سرفصل‌های مرکزی، دیگر پاسخگوی شرایط امروز آموزش نیست.

باقریان بر این نکته اشاره می‌کند که مدرسه باید به جای تمرکز صرف بر

انتقال محتوا، به ابعاد مختلف وجودی دانش‌آموزان توجه کند؛ از ساحت‌های اخراقی، اجتماعی و زیستی گرفته تا مهارت‌های زندگی و شایستگی‌های فردی. به گفته‌او، تحقق این هدف نیازمند یک برنامه درسی جامع و منعطف است که مدرسه بتواند بر اساس شرایط خود آن را تدوین و اجرا کند. این مقام مسئول، فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه را به چند دسته اصلی تقسیم می‌کند؛ پودمان‌های ورزشی و رویدادهای تربیتی، فعالیت‌های سلامت‌محور، برنامه‌های مهارتی، اقدامات متناسب با اقتضات محیطی. این دسته‌بندی به گفته باقریان، نه صرفاً برای نظم‌دهی، بلکه برای آن است که مدارس بتوانند برنامه‌ای هدفمند، ساختارمند و قابل ارزیابی برای دانش‌آموزان تدارک ببینند. او معتقد است: «مدرسه زمانی می‌تواند به رسالت واقعی خود برسد که صرفاً مصرف‌کننده محتوای آموزشی نباشد، بلکه بتواند بر اساس شناخت محیط، اولویت‌ها و توانمندی‌هایش، برنامه‌هایی عملیاتی برای تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان ارائه دهد».

از نگاه باقریان، رویکرد نوین برنامه‌ریزی درسی باید نه‌تنها به محتوای آموزشی، بلکه به چگونگی آموزش و نحوه فعالیت‌ها در زندگی روزمره مدرسه نیز توجه داشته باشد. او بر این باور است که اگر مدارس در چارچوبی مشخص، اما منعطف، اختیار طراحی و اجرای این فعالیت‌ها را داشته باشند، می‌توان به مدرسه‌ای امیدوار بود که هم با محیطش هماهنگ است و هم با آینده دانش‌آموزان.





گفت‌وگوی «جوان» با خواهر شهید مهدی کمالی
از شهدای تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران

متولد نیمه شعبان در غدیر آسمانی شد

شهید کمالی، تازه دامادی بود که تنها ۳۴روز بعد از مراسم ازدواجش در جنگ با صهیونیست‌ها به شهادت رسید

علیرضا محمدی شهید مهدی کمالی تازه دامادی بود که تنها ۳۴روز پس از برگزاری مراسم ازدواجش در روز ۲۴خردادماه و در تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان شهید شد. او تکاور پاسداری بود که به صورت داوطلبانه برای مقابله با دشمن صهیونیستی عازم عملیات شد و روز دوم جنگ بر اثر موشک شلیک شده از پهپاد اسرائیلی به شهادت رسید. خبر شهادت او برای خانواده که به تازگی جشن ازدواجش را برگزار کرده بودند؛ بسیار سخت بود. اما مهدی قدم در مسیری گذاشته بود که سال‌ها قبل پدر مرحومش در جبهه‌های دفاع مقدس برداشته بود. گفت‌وگوی «جوان» با مهسا کمالی، خواهر کوچک‌تر شهید را پیش رو دارید. نازنین کمالی، خواهر بزرگ‌تر شهید نیز دلنوشته‌ای از برادر را برای‌مان ارسال کرده است.

کلیبی در فضای مجازی دیدم که در آن همسر شهید مهدی کمالی از شهادت ایشان تنها چندروز پس از ازدواج‌شان می‌گفت. آقا مهدی داماد چند روزه بود؟

برادرم در ایام ولادت امام (رضاع) که در ده‌یبهشت ماه امسال بود ازدواج کرد و درست ۳۴روز بعد در ۲۴خرداد به شهادت رسید. نکته جالب در زندگی شهید کمالی این است که نیمه‌شعبان سال ۷۴ متولد شده بود. به همین خاطر نامش را مهدی گذاشتند. بعدها که به سن ازدواج رسید، من یکی از دوستانم را به ایشان معرفی کردم و بعد از صحبت‌های اولیه، قرار خواستگاری گذاشته شد. شبی که به خواستگاری رفتیم، شب سالروز ازدواج امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) بود. امسال هم که در ایام ولادت امام (رضاع) مراسم ازدواج برادرم برگزار شد و حدود یک ماه بعد در شب عید غدیر به شهادت رسید.

ایشان برادر بزرگ‌تر شما بودند؟ چند خواهر و برادر هستند؟

بله، برادر بزرگ‌تر و پسر ارشد خانواده بود. ما در خانواده دو خواهر و دو برادر هستیم. آقا مهدی فرزند دوم پس از خواهر بزرگ‌ترمان است. بعد از ایشان یک برادر دیگرمان متولد شد و فرزند آخر خانواده من هستم. پدرمان حدود ۹سال پیش بر اثر بیماری به رحمت خدا رفتند. آقا مهدی آن زمان ۲۰سالش بود. ایشان هشت، ۹سالی از من بزرگ‌تر هستند. بعد از پدرم، جای او را برای من گرفت. آن‌موقع من سن کمی داشتم. برادرم مثل یک استاد یا مربی سعی می‌کرد راهنمایی‌ام کند. نه فقط با کلام که با رفتار و کارهایش به صورت عملی سعی داشت اخلاقی حسنه خودش را به من انتقال بدهد. شهید واقعا پشتکار بالایی داشت در هر کاری این سعی و پشتکارش به خوبی دیده می‌شد. هر چند پدرمان بعد از شهادت حقوقی

جدول

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

از راست به چپ

۱-خانه‌اتومبیل-نوعی کوسه ماهی■ ۲-جامه-مکر-ابزار■ ۳-از آلات موسیقی ضربی-از شهرهای استان فارس- این یکی را برای تکمیل قانون اساسی می‌نویسند■ ۴-زهراگین-بدن-مورچه-جار وارونه■ ۵-مردود-حیله‌گر-آب‌پند-جدید■ ۶-حرف انتخاب-مجانسی-نوعی آچار■ ۷-پاسخ منفی-بیماری-شکسته شدن■ ۸-ازاباس-فرمان-تکنیک-خانه زنبور عسل■ ۹-تکاور-زبانه آتش-خاندان■ ۱۰-زینت ناخن-روپاه پیر-حرف فقدان■ ۱۱-فرسوده-تو و من-آزاد-تورم رگ‌ها■ ۱۲-کمک‌دآور ویدئویی-طلای سیاه-صدای درد-مادر آذری■ ۱۳-اشاره‌به دور-از انواع رنگ-قرار■ ۱۴-دریاچهای در آفریقا-واکس براق-سنجش■ ۱۵-یَوْمَ نَقُولُ لِبَنَّتَيْ هَٰذَا اَمْتَلَاتِ وَ نَقُولُ ... پلیس قدیمی

از بالا به پایین

۱-ماده اولیه صابون-قافله■ ۲-پدر-جمع مفهوم-یک شصتم دقیقه■ ۳-رسانه شنیداری-عقاب سیاه-از علوم حوزوی■ ۴-اندهود-طلا-خانه درندگان-نوعی بیماری روی■ ۵-جنگ در راه دین-مغازه-شهر توت■ ۶-به وقوع پیوسته-فلانی-کاکل اسب■ ۷-ورید-از بیماری‌های مفصلی■ ۸-شماره منحرف‌کننده در هواپیمای جنگی-کشتی جنگی-نماد چسبندگی-جواب مثبت■ ۹-آزاد کردن-کسی که با پرداخت مبلغی اجازه زراعت در ملک دیگران را دارد■ ۱۰-شهر خرما-طفیلی-خرس ترکی■ ۱۱-درخت انگور-زبان-مهرچشم‌به‌ریه■ ۱۲-نام-جذاب-نیم ساعت-عدد■ ۱۳-بیخاری برقی-سوره زان-همدانست ویس■ ۱۴-ضرب شمشر-شهد-حرف خطاب■ ۱۵-همسایه-کسی که چهار سال تحصیلی را در دانشگاه و در رشته‌ای خاص گذرانده باشد

مجنون امام حسین (ع) بود

نازنین کمالی، خواهر بزرگ‌تر شهید:

مهدی هیچ‌وقت جلوی من برای پدرم گریه نکرد... هیچ وقت اجازه نداد اشک‌هایش را ببینم. یک روز از بیرون برگشتم خانه، فقط مهدی خانه بود. کلید انداختم و وارد شدم اما او صدای مداحی را آنقدر بلند کرده بود که نفهمید من رسیدم. لای صدای روضه، صدای سینه‌زدنش می‌پیچید... و حق‌های بریده‌بریده‌ای که قلبم را آتش می‌زد. پشت در خشکم زده بود، می‌دانستم دلش می‌خواست تنها باشد، تنها بسوزد، تنها اشک بریزد برای امام حسین... مهدی آن لحظه هیچ کس را نخواست، نه تماشاچی، نه هم‌در... فقط خودش بود و آرایش. با دست‌های خودش به سینه می‌کوبید، با دل خودش زار می‌زد. چند دقیقه همانجا پشت در ماندم، تا آرام‌تر شود. دلم نمی‌خواست بفهمد من صدای گریه‌هایش را شنیدم. وقتی در را باز کردم و رفتم داخل، به محض اینکه من را دید، دستپاچه شد... با دست اشک‌هایی که تمام صورتش را خیس کرده بود، سریع پاک کرد. مهدی فقط دوستدار امام حسین(ع) نبود... مهدی فقط عاشق نبود...مهدی مجنون امام حسین(ع) بود.

دفاع مقدس را داشت؟

بله ایشان ۲۲ماه به صورت سبچی و داوطلبانه به جبهه رفته بود. اثرات حضور بابا در جبهه و ایثار گری‌هایی که داشت، بعدها باعث شد برادرم هم به عضویت سپاه در آید. ابتدا آقا مهدی در قسمت اداری مشغول شده بود. اما چون خودش روحیه عملیاتی داشت و از پشت میزنشینی خوشش نمی‌آمد رستناش را تغییر داد و به تیپ تکاوری پیوست. همه‌چیز دورمای را هم پشت سر گذاشته بود. چتربازی، تیراندازی، کوهنوردی و... کلاً یک آدم ورزشکار و بسیار پرروحیه و عملیاتی بود.

صرفه‌نظر از آموزش‌هایی که در دوره‌های تکاوری دیده بود، خود شهید به چه ورزش‌هایی علاقه داشت؟

در خیلی از رشته‌های ورزشی دستی بر آتش داشت. مثل کوهنوردی، چتربازی، فوتبال، والیبال و... اما سر رشته ورزشی مثل بدنسازی، چتربازی و فوتبال را سفت و سخت‌تر از باقی رشته‌ها دنبال می‌کرد. موقع شهادتش یک جوان ۲۹ساله بود. هنوز چند ماهی مانده بود که ۳۰ساله شود. بسیار قبارق و پرروحیه و پرنرژ بود.

وقتی که صهیونیست‌ها به کشورمان حمله کردند، آقا مهدی چه واکنشی به این تجاوز داشت؟

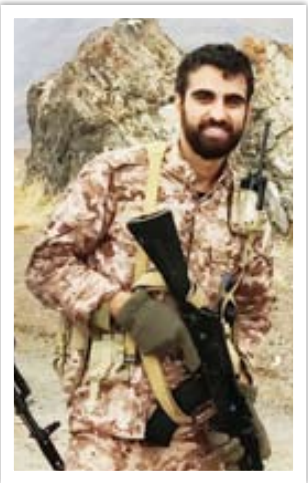
شب قبل از حمله صهیونیست‌ها، برادرم و همسرش هنوز در خانه ما زندگی می‌کردند، قصد داشتند روز بعد که ۲۳خرداد می‌شد به علی‌گودرز بروند و در مراسم ازدواج یکی از دوستان برادرم شرکت کنند. آن شب تا نیمه‌های شب مشغول جمع‌چیز کردن وسایل سفر بودند. زمان زیادی از استراحت‌شان نمی‌گذشت که دور و بر ساعت ۵صبح دیدم برادرم با کسی تلفتی صحبت می‌کند. از چهارماش مشخص بود، بسیار ناراحت است و گویا خبر ناگواری را شنیده است. تماس را که قطع کرد گفتم: تعدادی از سرداران و فرماندهان را به شهادت رسانده‌اند... خیلی ناراحت بود. صبح که شد به دوستش زنگ زد که گفت نمی‌توانم برای مراسم ازدواجت بیایم. شرم‌اسم را بر گزار کن ولی به خاطر شهادت سرداران و دانشمندان و هموطنان‌مان، سعی کن کمی مراعات کنی. گفتید شهید و همسرش هنوز در خانه پدری زندگی می‌کردند، بعد از ازدواج آنجا ساکن شده بودند؟

چون برادرم نظامی‌ای بود، خانه سازمانی به ایشان تعلق می‌گرفت. در نوبت تحویل خانه بود که از دواج کرد و چون هنوز مسکن نداشتند، موقتاً در خانه پدری زندگی می‌کردند. قرار بود وقتی خانه‌شان را تحویل گرفتند، به خانه خودشان بروند که متأسفانه عمر این زندگی مشترک فقط ۳۴روز به طول انجامید.

ایشان در نیروی زمینی بودند، چطور شد به مأموریت عملیاتی رفتند؟

روز ۲۳خرداد برادرم تا حدود ساعت ۴الی ۵ عصر در خانه بود. بعد گویا یکی از دوستان و همرزمانش با او تماس می‌گیرد و خبری را به ایشان می‌دهد و برادرم هم راهی می‌شود. شب آن روز مراسم ازدواج یکی از همکاران پدرخانم آقا مهدی کنسل شد، می‌خواستند آن شب به مراسم ازدواج همکار پدر خانمش بروند. عصر که برادرم می‌خواست بیرون برود، به ما نگفت کجا می‌رود. ما اصلاً نمی‌دانستیم که او دارد به یادگان می‌رود. فکر می‌کردیم دارد مهمایی رفتن به مراسم می‌شود. البته به خانمش گفته بود که کجا می‌رود. به ما نگفته بود چون می‌ترسید مانع رفتنش شویم. خصوصاً مادرم که خیلی نگران آقا مهدی بود. برادرم اخلاقی که داشت خیلی اهل خداحافظی کردن و انبساطی چیزها نبود. اما آن روز با صدای بلند از مادرمان خداحافظی کرد. بعد روزه ما کرد و بغض‌آلود گفت: مراقب خودتان باشید. رفت و دیگر برنگشت.

مأموریت‌شان چه بود؟ همرزمان شهید بعدها چه



شهید کمالی در ده‌های مختلف تکاوری را پشت سر گذاشته بود

داده‌های تکاوری را پشت سر گذاشته بود

برادرم نیمه‌شعبان سال ۷۴متولد شده بود. به همین خاطر نامش را مهدی گذاشتند. بعدها که به سن ازدواج رسید، من یکی از دوستانم را به ایشان معرفی کردم و بعد از صحبت‌های اولیه قرار خواستگاری گذاشته شد. شبی که به خواستگاری رفتیم، شب سالروز ازدواج امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) بود و امسال هم ایام ولادت امام (رضاع) ازدواج کرد

متولد شنبین خیر شهادت برادر تان تنها ۳۴روز بعد از ازدواج‌شان برای شما بسیار سخت بود؟

بله همین‌طور است. نه فقط برای ما و برای همسرش که یک نورعوس است، بلکه برای اقوام و آشناهان نیز شدن این خبر بسیار سخت بود. برادرم چیزی از زندگی مشترک متوجه نشد. یعنی فرصت نکرد: زندگی‌مانهایی را تجربه کند. اما او به عنوان یک رزمنده مکتبی، مشتاق بود برای کشور و اعتقاداتش بجنگند. برای همین هم وقتی دوستانش با او تماس گرفته بودند، بی‌هیچ تعللی راهی مأموریت شده بود. شوق شهادت همیشه در وجود برادرم زنده بود. همیشه به مادرم می‌گفت دعا کنید عاقبت به خیر شوم دعا کنید شهید شوم. مادرم می‌گفت این چه حرفی است چرا باید شهید شوی؟ برادرم در جواب می‌گفت: شهادت عین عاقبت به خیری است. در بعضی از فیلم‌هایی که از برادرم مانده آرزوی شهادتش را تکرار می‌کند. الان هر چند شهادتش برای ما سخت است اما خوشحالم به آرزوش رسیده است.

شهادت کمالی به عنوان یک نیروی تکاوری در چه میادین دیگری حضور پیدا کرده بود؟

برادرم چند سال در منطقه مرزی اشنویه حضور داشت. آنقدر به کارش علاقه و تعهد داشت که دو، سه شیفت داوطلبانه می‌ماند و چند ماه یکبار به مرخصی می‌آمد. حتی یکبار که ساعت ۱۱ یا ۱۲ شب با یک بالگرد به خرم‌آباد آمد، دیناری را با ما تاز به کرد و باامداد همان روز با همان بالگرد به منطقه برگشت. خیلی هم دوست داشت به سوریه برود. برای رفتن خیلی تلاش کرد. ولی مادرمان اجازه رفتن به او را نداد. زمانی که برادرم می‌خواست مدافع حرم شود، پدرمان تازه مرحوم شده بود. مادرم گفت نمی‌تواند در این شرایط داغ دیگری را تحمل کند. لذا به‌رغم اشتیاق آقا مهدی، اجازه نداد برود.

خاطراتی از آن روز برای تان تعریف کردند؟

برادرم و دوستانش نیروی تکاوری بودند و گویا حدود ۲۰ نفر از آنها به صورت داوطلبانه مأمور می‌شوند تا با بچه‌های یادگان اسام(علی) همراه شوند و با نفوذی‌ها یا ایادی رژیم صهیونیستی مقابله کنند. این ۲۰نفر به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شوند تا منطقه را پوشش بدهند و همه‌جا را پاکسازی کنند. یکی از همرزمان برادرم می‌گفت: روزی که صهیونیست‌ها به ایران حمله کردند، ما با تعدادی از بچه‌ها تماس گرفتیم تا اگر تمایل داشتند به یادگان بایند و عازم مأموریت شوند. چون آقا مهدی تازه ازدواج کرده بود با او دیرتر از بقیه تماس گرفتیم. هر چند دیر به او زنگ زدیم ولی زودتر از همه خودش را به ما رساند و به مأموریت رفت. آنطور که ما شنیدیم گویا برادرم و گروهی که در آن حضور داشت، با تعدادی از نفوذی‌های دشمن درگیر می‌شوند و از

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۴۰۳

جدول سودوکو
ارقام ۹تاظوری قرار دهید که در هر دیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

جدول کلمات متقاطع
پاسخ جدول شماره ۷۴۰۲

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۲	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۳	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۴	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۵	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۶	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۷	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۸	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹
۹	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۱۰	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱۱	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۱۲	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
۱۳	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴
۱۴	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۱۵	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶

این عملیات موفق بیرون می‌آیند. ولی در هنگام بازگشت، یک پهپاد اسرائیلی به آنها شلیک می‌کند. برادرم تر کشی می‌خورد و بعد خودش را روی یکی از دوستانش می‌اندازد تا جان ایشان را نجات بدهد. در انفجارهای بعدی، ترکش‌های دیگر به برادرم می‌خورد و به شهادت می‌رسد. اما دوستش نجات پیدا می‌کند و بعد با شلیک هوایی دیگر بچه‌ها را مطلع می‌کند. آنها هم به کمک گروه برادرم و دوستانش می‌پند. البته از این گروه چند نفره فقط همین بنده خدا زنده مانده بود. الان ایشان جانباز است و درگیر عوارض موج انفجار شده است. این مطالب را به پدرشان بیان کرده و پدر ایشان هم برای ما تعریف کرد. دوست برادرم گفته بود قبل از اینکه به مأموریت برویم؛ آقا مهدی غذای خودش را به من داد و گفت زیاد گر بستم‌ام نیست شما غذای من را بخورید. بعد هم در انتهای مأموریت و موقعی که مورد حمله پهپادی قرار گرفته بودند، جان همین دوستش را نجات داده بود.

شما چه زمانی مطلع شدید برادران برای مأموریت رفته‌است؟

ما تا چند ساعت خبر نداشتیم کجا رفته‌است. بعد که متوجه شدیم به سرکارش رفته، نگران شدیم. اما زن داداشم گفت با همسر یکی از دوستان شهید صحبت کرده و ایشان هم گفته آقا مهدی به یادگان تیپ تکاوری رفته و جایش امن است. زن داداشم به ما گفت به دلیل رعایت مسائل امنیتی، برادرم گفته نباید با ایشان تماس بگیریم. ما وقتی شنیدیم مهدی جایش امن است، خیال‌مان راحت شد. ولی تا صبح نخواستیم. از طرفی نمی‌توانستیم به او زنگ بزنیم یا پیام بدهیم و این موضوع هم باعث کلافگی‌مان شده بود. وقتی برادرم به شهادت رسیده بود، گو یا بعضی از اقوام و آشناهما متوجه این مسئله شده بودند. ولی ما خبر نداشتیم. صبح زود خاله‌مان تماس گرفت و سریع مهدی را گرفت. ما مشک کردیم. اما خاله خواب بد دیده و رنگ زده تا احوال‌پرسی کند. کمی با مادرمان صحبت کرد و وقتی تماس قطع شد، دلشوره مایشتش شد. چون به تماس خاله و حرف‌هایی که می‌زد شک کرده بودیم. کم کم این اضطراب بیشتر شد و تصمیم گرفتیم پرس‌و‌جو کنیم. هر کسی یک حرفی می‌زد. حتی گفتند شاید ایشان مجروح شده‌است. پیش خودمان فکر می‌کردیم مجروحیت بهتر است از اینکه دیگر او را نبینیم. زنگ زدیم به دایای پدرمان که سیاهی است. به ایشان گفتیم شنیده‌ایم یادگان را زده‌اند. شما از مهدی خبر دارید؟ ایشان گفت که تمرکز صهیونیست‌ها روی یادگان امام(علی) و بچه‌های هوافضاست. با تیپ کاری ندارند. با شنیدن این حرف کمی خیال‌مان راحت شد. کمی بعد رفتیم خانه پدری‌زگرمان. آنجا خاله‌ها و دایه‌ها همگی جمع بودند. تا ما را دیدند یکپو بغض‌شان ترکید و گریه کردند. آن لحظه متوجه شدیم چه اتفاقی افتاد و دیگر برادرم را نمی‌بینیم.

متولد شنبین خیر شهادت برادر تان تنها ۳۴روز

بعد از ازدواج‌شان برای شما بسیار سخت بود؟

بله همین‌طور است. نه فقط برای ما و برای همسرش که یک نورعوس است، بلکه برای اقوام و آشناهان نیز شدن این خبر بسیار سخت بود. برادرم چیزی از زندگی مشترک متوجه نشد. یعنی فرصت نکرد: زندگی‌مانهایی را تجربه کند. اما او به عنوان یک رزمنده مکتبی، مشتاق بود برای کشور و اعتقاداتش بجنگند. برای همین هم وقتی دوستانش با او تماس گرفته بودند، بی‌هیچ تعللی راهی مأموریت شده بود. شوق شهادت همیشه در وجود برادرم زنده بود. همیشه به مادرم می‌گفت دعا کنید عاقبت به خیر شوم دعا کنید شهید شوم. مادرم می‌گفت این چه حرفی است چرا باید شهید شوی؟ برادرم در جواب می‌گفت: شهادت عین عاقبت به خیری است. در بعضی از فیلم‌هایی که از برادرم مانده آرزوی شهادتش را تکرار می‌کند. الان هر چند شهادتش برای ما سخت است اما خوشحالم به آرزوش رسیده است.

شهید کمالی به عنوان یک نیروی تکاوری در چه میادین دیگری حضور پیدا کرده بود؟

برادرم چند سال در منطقه مرزی اشنویه حضور داشت. آنقدر به کارش علاقه و تعهد داشت که دو، سه شیفت داوطلبانه می‌ماند و چند ماه یکبار به مرخصی می‌آمد. حتی یکبار که ساعت ۱۱ یا ۱۲ شب با یک بالگرد به خرم‌آباد آمد، دیناری را با ما تاز به کرد و باامداد همان روز با همان بالگرد به منطقه برگشت. خیلی هم دوست داشت به سوریه برود. برای رفتن خیلی تلاش کرد. ولی مادرمان اجازه رفتن به او را نداد. زمانی که برادرم می‌خواست مدافع حرم شود، پدرمان تازه مرحوم شده بود. مادرم گفت نمی‌تواند در این شرایط داغ دیگری را تحمل کند. لذا به‌رغم اشتیاق آقا مهدی، اجازه نداد برود.

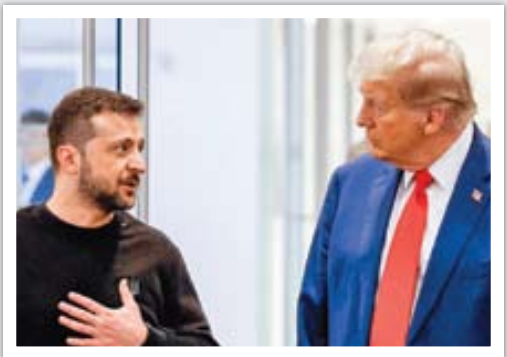
خاطراتی از آن روز برای تان تعریف کردند؟

۷			۹	۱					
				۵		۴	۲		
۳	۹								
						۶		۲	
			۱	۶	۷				
۹	۶								۱
			۱	۳	۴				
			۲						
							۲	۵	

امریکای ترامپ هم به اوکراین کمک نظامی می کند

■ نویسنده: سم اسکوف
دونالد ترامپ در شرایطی مدعی است که واشینگتن از تأمین مالی جنگ اوکراین دست کشیده که شواهد نشان می دهد، واقعیت پیچیده تر از اظهارات ترامپ است. رئیس جمهور ایالات متحده اخیراً در جریان نشست‌ی در کابینه، یک دستوراد مهم را جشن گرفت. به گفته او، امریکا دیگر هیچ بودجه‌ای برای دفاع اوکراین در برابر روسیه تأمین نمی کند. ترامپ گفت: «ما دیگر درگیر تأمین مالی اوکراین نیستیم و تلاش می کنیم تا به جنگ و کشتار در اوکراین پایان دهیم. از این رو، ما میلیون ها و در نهایت میلیارد‌ها دلار به کشورهای عضو ناتو موشک و تجهیزات نظامی می‌فروشیم و آنها کل جنگ را تأمین مالی می کنند. ما هیچ چیزی را تأمین نمی کنیم. فکر می کنم این نکته مهمی است.» اما واقعیت این است که حرف ترامپ نه صدر صد غلط و نه صدر صد درست است. طبق گزارش‌های دولتی و تحلیل اندیشکده‌ها، امریکا همچنان میلیارد‌ها دلار برای اوکراین هزینه می کند که این موضوع هم در حوزه نظامی و هم در حوزه غیر نظامی، هر چند با کاهش قابل توجهی در برخی بخش‌ها همراه است.

■ توزیع بودجه از مسیر کنگره
بخش عمده کمک‌های امریکا به کی‌یف از طریق پنج لایحه عظیم کنگره تأمین شده که در مجموع ۱۷۵ میلیارد دلار ارزش دارد. از این مقدار، ۱۲۸ میلیارد دلار مستقیماً صرف حمایت از ارتش و جامعه مدنی اوکراین شده است. طبق گزارش اندیشکده «شورای روابط خارجی» (بقیه بودجه صرف اهداف ثانویه مرتبط با جنگ روسیه علیه اوکراین شده‌است، مثل کمک به کشورهای همسایه یا تقویت حضور نظامی امریکا در اروپا. از ۱۲۸ میلیارد دلار، حدود ۷۰/۶ میلیارد دلار به ارتش اوکراین اختصاص یافته که عمدتاً در قالب ارسال سلاح و مهمات بوده است. ایالات متحده این کمک‌ها را از سه مسیر



تأمین می کند: اختیارات برداشت ریاست جمهوری (PDA)، خرید سلاح‌های جدید برای جایگزینی سلاح‌هایی که از انبار امریکا به اوکراین فرستاده شده‌اند. بر نامه ابتکار کمک امنیتی به اوکراین (USAI) یک تحلیل نیویورک تایمز، ۹۱ درصد کمک‌های انسانی به اوکراین پرداخت نشده‌اند. این کمک‌ها شامل پروژه‌هایی مثل تأمین آب (که در شرایط جنگ به شدت آسیب‌پذیر است) و خدمات درمانی برای کودکان است. طبق سندی از وزارت خارجه امریکا که در مارس به کنگره فرستاده شد و در اختیار فارت پالیسی قرار گرفت، به گفته دافنا زنده، مقام سابق وزارت خارجه امریکا حتی اگر کاهش‌های بیشتری هم اعمال شود، اوضاع فاجعه‌بار نخواهد بود، زیرا دولت و جامعه مدنی اوکراین توانسته‌اند نیازهای غیرنظامی را تا حد زیادی مدیریت کنند. با این حال، روسیه بارها نشان داده است در هدف گرفتن مناطق غیرنظامی مهارت دارد، از جمله با حمله به شبکه برق اوکراین در زمستان. زنده می گوید: «اگر زمستان خیلی سرد باشد، نگرانی‌های انسانی جدی پیش خواهد آمد. ترامپ می گوید امریکا دیگر هیچ کمکی به اوکراین نمی کند، اما واقعیت این است که میلیارد‌ها دلار کمک نظامی و انسانی همچنان در دستور کار قرار دارد. درست است که بودجه جدیدی تصویب نشده است، اما بخش بزرگی از تعهدات گذشته هنوز خرج می شود. اگر چه روسیه قادر به پیشروی‌های بزرگ نخواهد بود، اما اوکراین هم توان باز پس گیری گسترده نخواهد داشت.»

منبع: فارن پالیسی

■ احسان شیخون
در نهم سپتامبر ۲۰۲۵، صدای انفجار در حومه دوحه، سکوت در پایتخت قطر را به لرزه درآورد. پهپادها و جنگنده‌های اسرائیلی، ساختمانی را هدف گرفتند که بنا به ادعای تل آویو محل اقامت و نشست شماری از رهبران حماس بود. اما این به معنای توقف هزینه امریکا نیست. ساخت و تحویل سلاح‌ها زمانبر است. برخی تسلیحات، ماه‌ها و بعضی سال‌ها زمان صرف تولید آنها می شود، بنابراین بخش بزرگی از کمک‌های قبلی هنوز به دست اوکراین نرسیده است. وزارت خارجه امریکا می گوید بیش از ۵۰ میلیارد دلار کمک نظامی تصویب شده اما هنوز خرج نشده است. با اضافه شدن بودجه‌ای که اروپایی‌ها طبق طرح ترامپ تأمین خواهند کرد (هلند نخستین کشور مشارکت کننده بود)، اوکراین همچنان سسطحی از کمک نظامی مشابه سال‌های گذشته دریافت خواهد کرد. به گفته مارک کانسیان مشاور CSIS، این سطح کمک برای عملیات تهاجمی کافی نیست، چون حمله نیاز به برتری مطلق در تسلیحات دارد، اما «حجم قابل توجهی» از کمک وجود دارد که جلوی پیشروی‌های عمده روسیه را می گیرد هرچند اوکراین هم قادر نخواهد بود زمین‌های زیادی پس بگیرد. در عمل، خطوط جنگ در همان وضع فعلی باقی می ماندند.

■ تلاش اروپا برای جبران
در حوزه غیرنظامی هم اوضاع پیچیده تر از ادعای ترامپ است. از نظر کمک مستقیم بودجه‌ای، امریکا تقریباً همه ۲۳ میلیارد دلار «صندوق حمایت اقتصادی» (ESF) را به اوکراین پرداخت کرده است. این صندوق اصلی ترین ابزار واشینگتن برای کمک به بودجه دولت اوکراین بوده و کمک جدیدی در این زمینه اعلام نشده است. این کمبود، همراه با سایر عوامل، موجب خواهد شد اوکراین در سال آینده با کسری بودجه‌ای تا ۱۹ میلیارد دلار روبه‌رو شود (طبق گزارش فایننشال تایمز). این وضعیت احتمالاً موجب می شود کارمندان دولت نتوانند حقوق خود را دریافت کنند. اتحادیه اروپا در حال بررسی راه‌های جبران

چشم انداز

شلیک به پای «پیمان ابراهیم»

حمله رژیم صهیونیستی به خاک قطر روند عادی سازی را شکننده تر می کند



این بود که حتی نزدیک ترین متحد امریکا در خلیج فارس نمی تواند رهبران حماس را در امان بدارد. برخی تحلیلگران منتقدند اسرائیل با این اقدام خواست عمداً مذاکرات آتش بس را تضعیف کند. چرا؟ چون تل آویو باور دارد توافق‌های میان مدت تنها به بازسازی ز قدرت حماس می‌انجامد. در نتیجه، حمله به قطر می تواند تلاشی برای برهم زدن روندی باشد که امریکا و دیگران پیگیری می کنند.

■ اجماع عربی و شکاف غربی
بلافاصله پس از حمله، موجی از محکومیت‌ها از جهان عرب و اسلامی به راه افتاد. عربستان سعودی، مصر، اردن، امارات و ترکیه این اقدام را نقض آشکار حاکمیت ملی و تهدیدی علیه ثبات منطقه خواندند. در یک نشست اضطراری، سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب با صدور بیانیه‌ای مشترک از قطر حمایت کردند و اسرائیل را مسئول عواقب آن دانستند که کمپینی از بیانیه‌ها نیز در دوحه به اوج رسید. در سلسله مجاری اسلامی و اتحادیه «حقش فاحش منشور سازمان ملل» توصیف کرد. چین نیز از اسرائیل خواست به قوانین بین المللی احترام بگذارد، اما در سوی دیگر، ایالات متحده و واکنشی دوگانه نشان داد:



کشورهای عربی که در سال‌های اخیر با فشارهای امنیتی و اقتصادی و در سایه حمایت واشینگتن به سوی عادی سازی گام برداشته بودند، اکنون با موجی از اعتراضات داخلی و فشار افکار عمومی روبه‌رو هستند. حمله به قطر می تواند به مثابه نقطه عطفی عمل کند که روند شکننده عادی سازی را کند کرده یا حتی معکوس سازد و موازنه‌های جدیدی در معادلات خلیج فارس پدید آورد

آفریقا از حاشیه به متن نبرد استراتژیک جهانی

رژیم‌های ضد کمونیستی حمایت می کرد، در حالی که مسکو به جنبش‌های آزادی‌بخش کمک می‌رساند. با پایان جنگ سرد، آفریقا به حاشیه رفت، اما از دهه ۲۰۰۰، چین با مدل «برد-برد» وارد شد. ابتکار کمربند و جاده در سال ۲۰۱۳، با تمرکز بر زیرساخت‌ها، آفریقا را به شریک کلیدی پکن تبدیل کرد. تا ۲۰۲۵، چین بیش از ۴ هزار ۷۰۰ شرکت در آفریقا دارد و تجارت دوجانبه به ۲۹۵ میلیارد دلار در ۲۰۲۴ رسیده است. در ژوئن ۲۰۲۵، اجلاس چین-آفریقا در پکن با حضور بیش از ۳۰ هزار شرکت کننده بر «همکاری مشترک» تأکید کرد و قرار دادهایی برای معادن کنگو و بنادر کنیا امضا شد. در مقابل، امریکا با ابتکار «مشارکت برای پیشرفت جهانی» در سال ۲۰۲۲، تلاش کرد نفوذ چین را خنثی کند، اما اکنون ترامپ با تمرکز بر جداسازی از چین، آفریقا را هدف قرار داده است. در اگوست ۲۰۲۵، توافق اولیه‌ای برای تمدید «قانون رشد و فرصت آفریقا» که یک برنامه تجاری ترجیحی ایالات متحده با کشورهای این قاره است، با شرط‌های سختگیرانه‌تر در زمینه حقوق بشر امضا شد، اما منتقدان می‌گویند این تنها پوششی برای دسترسی به منابع است. قدرت‌های منطقه‌ای نیز نقش فزاینده‌ای ایفا می‌کنند. ترکیه با سرمایه‌گذاری ۶ میلیارد دلاری در سومالی و اتیوپی، با پایگاه‌های نظامی در شاخ آفریقا ایجاد کرده و به عنوان «بازبرگر مستقل» ظاهر شده است. امارات با تمرکز بر بنادر جیبوتی و اریتره، نفوذ خود را در دریای سرخ گسترش داده است، در حالی که هند با خط اعتباری ۱۰ میلیارد دلاری بر فناوری و کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌کند. روسیه هرچند ضعیف‌تر از طریق گروه واگنر در مالی و سودان حضور دارد.

■ آینده آفریقا در رقابت چین و امریکا
رقابت چین و امریکا در آفریقا را می‌توان در سه بعد بررسی کرد: اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک. از نظر اقتصاد، چین غالب است، صادرات چین به آفریقا در سال میلادی جاری ۶۰ میلیارد دلار سازاد، عمدتاً در بخش‌های ساختمانی و فناوری ایجاد کرده است. پروژه‌هایی مانند راه‌آهن مومباسا-نایروبی در سه بعد بررسی کرد: اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک. از نظر اقتصاد، چین غالب است، صادرات چین به آفریقا در سال میلادی جاری ۶۰ میلیارد دلار سازاد، عمدتاً در بخش‌های ساختمانی و فناوری ایجاد کرده است. پروژه‌هایی مانند راه‌آهن مومباسا-نایروبی



فرصت برای جذب سرمایه و فناوری و از سوی دیگر، خطر وابستگی و درگیری‌های نیابتی. با توجه به انقضای قانون رشد و فرصت آفریقا (AGO) در سال ۲۰۲۵ که دسترسی ترجیحی آفریقای‌ها به بازار امریکا را فراهم می‌کرد، قاره باید استراتژی جدیدی برای تجارت اتخاذ کند. این انقضا نه تنها روابط تجاری را بازتعریف می‌کند، بلکه آینده آفریقا را در یک جهان چندقطبی شکل می‌دهد.

■ از استعمار تا رقابت مدرن
رقابت برای آفریقا ریشه در دوران استعمار دارد، جایی که قدرت‌های اروپایی قاره را به مناطق نفوذ مختلفی تقسیم کردند. پس از استقلال کشورهای آفریقایی در دهه ۱۹۶۰، جنگ سرد این قاره را به عرصه‌ای برای رقابت امریکا و شوروی تبدیل کرد: واشینگتن از



جنگ اوکراین، تنش‌های دریای جنوبی چین و بازگشت ترامپ به کاخ سفید، آفریقا را به عنوان یک «نقطه تعادل» برای قدرت‌های بزرگ تبدیل کرده و ترامپ با سیاست «اول امریکا» بر کاهش وابستگی به چین بر آفریقا متمرکز شده است و چین هم در حال برکردن خلأ ناشی از کاهش تجارت با غرب است

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الدول ۱۴۴۷||

گفت‌وگو

تاریخ ۰۹/۰۶/۱۳۳۲

■ **معصومه محرمی**

اسدالله اسدی در تیر ۱۳۹۷ دستگیر شد و پنج‌سال در بلژیک زندانی بود و نهایتاً با پیگیری وزارت خارجه دولت شهید آیت‌الله رئیسی، به کشور بازگشت، روایت او از این حبس‌امسا به نیکی بر جوانب حقوق بشر در کشورهای اروپایی نور می تاباند. وی در گفت‌وشنود اختصاصی با «جوان»، شمه‌ای از دردها و حرمان‌های خویش در آن دوره را واگو به کرده است.

■ ■ ■

شما از چه مقطعی، به عنوان دیپلمات وزارت امور خارجه در کشور اتریش، مشغول به کار شدید؟

از دوم تیر سال ۱۳۹۳، در نمایندگی کشورمان در وین، با عنوان راینر سوم فعالیتیم را آغاز کردم.

دادگاه بلژیک، به چه اتهامی در خواست دستگیری شما را در خاک آلمان کرد؟

بیش از چهارسال از حضورم در کشور اتریش گذشته بود و به سبب تعهدی که به قوانین ناظر بر مأموریت دیپلماتیک داشتم، هر گز خطایی نکرده بودم که مصونیت دیپلماتیک من سلب شود. در سال ۱۳۹۷، در جریان مذاکراتی که بین کشورمان و گروه به اصطلاح پنج بعلاوه یک در جریان بود، فرانسه نقش پلیس بد را در مذاکرات هسته‌ای بر عهده داشت. فرانسه به طور هم‌زمان، نقش اصلی را در توطئه و پرونده‌سازی علیه کادر دیپلماتیک کشورمان ایفا می کرد. فرانسه را باید از نو شناخت، لذا پیش از ورود به بحث، خیلی کوتاه عرض می‌کنم در طول تاریخ معاصر ما، هر گز به درستی به نقش خبیث و مخرب سیستم فرانسه، علیه سرزمین‌های دیگر نیراختایم. بنده از شما که اهل تحقیق و پژوهش و متعهد به رسالت خبرنگاری هستید، تقاضا می‌کنم تاریخچه دخالت‌ها و بسط نفوذ ضد ایرانی فرانسه را از ۱۰۰ سال قبل بررسی کنید. ببینید چه جرم و جنایت‌هایی در حق استقلال این ملت و این آب و خاک کرده، تا تحلیل دستگیری بنده به نحو جامع و مانع امکانپذیر باشد. فرانسه کشتار میلیون‌ها آفریقایی را در کارنامه سیاه خود دارد. مجموعه‌هایی که اکنون در موزای در فرانسه نگهداری می‌کنند، مربوط به مسلمانانی است که در کشور الجزایر به دست نیروهای فرانسوی به قتل می‌رساندند و سرهای‌شان را برای دریافت دستمزد به پاریس می فرستادند! جالب اینجاست بسا این همه جنایت، فرانسه در نگاه دنیا، به اشتباه به عنوان مهد آزادی، دموکراسی و حقوق انسان شسانده شده است! در کشور ما کسانی که این تبلیغ را بر عهده دارند، آن بخش از فرانکوفیل‌هایی هستند که خود و ترسار خائن آنان در ۱۰۰ سال اخیر، در عرصه سیاست و اقتصاد ما رخنه کرده، تا سیستم فرانسه را در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، بر مقدرات کشور ما حاکم کنند. در پرونده‌سازی علیه بنده، علاوه بر فرانسه، کشورهای بلژیک،سوئد، اتریش و آلمان نیز شریک جرم بودند. کشور اتریش در سلب مصونیت دیپلماتیک، آلمان در دستگیری، بلژیک در صدور حکم دستگیری کشورسراه و محاکمهغیر قانونی و سوئد نیز به روش دیگر، با فرانسه همدستی کرد. حقیقت ماجرا این بود که دوسال قبل از دستگیری غیرقانونی بنده، یک تبعه ایرانی مرتب با سرویس‌های اطلاعاتی اروپایی و رژیم صهیونیستی، در ایران دستگیر شده بود. این شخص که از سوی سیستم ضدجاسوسی کشورمان شناسایی و دستگیر شده بود، در جریان تحقیقات قضایی در ایران، با مشاهده مدارک قطعی مبنی بر جاسوسی خود، اعتراف کرده بود، اطلاعات دانشمندان هسته‌ای ما را به مוסاد تحویل داده است! این فرد دکتر احمدرضا جلالی نام دارد و در جریان دادرسی و بنا به مستندات فریقابل انکار، به اعدام محکوم شده بود. در جریان تقسیم کار بین دشمنان استقلال ایران، رژیم‌های سوئد و بلژیک به طور ویژه این مأموریت را داشتند که از اجرای حکم جلوگیری و جلالی را آزاد کنند! اگر به مطبوعات آن دوران مراجعه کنید، مشاهده خواهید کرد در اغلب مطالب رسانه‌های بلژیکی، هر جاز بنده اسم برده می‌شود، اشرا می‌آید هم به احمدرضا جلالی می‌شود! این بدان معنا بود که موضوع از نگاه دولت‌های متجاوز اروپایی، یک گروگانگیری است و آلمان به نیت از سایر دولت‌های متخاصم، حاضر است بنده را آزاد کند، به شرطی که جلالی هم آزاد شود. این چه چیزی نبود مگر یک گروگانگیری که از سوی سیستم‌های اطلاعاتی اروپایی و رژیم نامشروع صهیونیستی طراحی شده بود.

در طول یک سال اول بازداشت غیرقانونی در بلژیک، یک بار در جریان ملاقات با همکارانم که از سفارت کشورمان در بروکسل می‌آمدند، متوجه شدم این خواست سرویس‌های اطلاعاتی اروپایی است که جاسوس هسته‌ای در قبال رهایی بنده آزاد شود! به توفیق الهی، بنده از همکارانم درخواست کردم تا این پیام را از جانب من به تهران ارسال کنند که حاضر نیستم با شخصی مبادله شوم که در قتل دانشمندان ما دست داشته است و صراحتاً گفته بودم: هر که در داخل دولت ما چنین تصمیمی بگیرد خودش باید در جهنم جواب حساب متعال را بدهد! از جانب جلالی این بود که بعد از صدور حکم اعدام جلالی در ایران، رژیم سوئد به او تابعیت سوئدی داده بود! شما دقت کنید بیادگاه اروپایی، چگونه به این توطئه کمک می‌کند تا دیپلمات ایرانی به میزانی محکوم شود که بشود او را با جلالی مبادله کرد. ۲۰ سال حبس برای بنده تعیین کردند، در پرونده‌ای که شاهدان آن اعضای تشکیلات ورشکسته‌متنافعین بودند. تصاویر شاهدن پرونده نیز در چند ماه اول، از داخل تشکیلات نفاق بیرون آمد و عضویت آنها افشا شد. اگر قاضی سیستم‌بش بلژیک، حتی بر اساس جلیلات مندرج در پرونده می خواست حکم صادر کند، ۲۰سال محکومیت از آن استخراج نمی‌شد، اما اروپا به این میزان محکومیت نیاز داشت تا به هدف نامشروع خود برسد.

بعد از این حیمم از پامال کردن حق مصونیت و انکار قانون بین الملل، دادرسی را چگونه شکل دادند؟

شکل پیگیری، به طور آشکار از این واقعیت خبر می‌داد که اتهامات مبنایی ندارد و ساختگی است. وقتی پلیس شخصی را توقیف می‌کند، به شکل منطقی اتهام او را بیان می‌دارد اما بدون دلیل اینکه بازداشت گفته شده، اقدام به دستگیری کردند که البته در این مورد بنا به نظریات حقوقی معتبر، این نوع اقدام در حق دیپلمات مقیم، ایرانی به میزانی محکوم شود که بشود او را با جلالی مبادله کرد. ۲۰ سال حبس برای بنده تعیین کردند، در پرونده‌ای که شاهدان آن اعضای تشکیلات ورشکسته‌متنافعین بودند. تصاویر شاهدن پرونده نیز در چند ماه اول، از داخل تشکیلات نفاق بیرون آمد و عضویت آنها افشا شد. اگر قاضی سیستم‌بش بلژیک، حتی بر اساس جلیلات مندرج در پرونده می خواست حکم صادر کند، ۲۰سال محکومیت از آن استخراج نمی‌شد، اما اروپا به این میزان محکومیت نیاز داشت تا به هدف نامشروع خود برسد.

بعد از این حیمم از پامال کردن حق مصونیت و انکار قانون بین الملل، دادرسی را چگونه شکل دادند؟

شکل پیگیری، به طور آشکار از این واقعیت خبر می‌داد که اتهامات مبنایی ندارد و ساختگی است. وقتی پلیس شخصی را توقیف می‌کند، به شکل منطقی اتهام او را بیان می‌دارد اما بدون دلیل اینکه بازداشت گفته شده، اقدام به دستگیری کردند که البته در این مورد بنا به نظریات حقوقی معتبر، این نوع اقدام در حق دیپلمات مقیم،

بازداشت خودسرانه محسوب می‌شود. جالب است

بدانیده؛ به جز فردای آن روز تا چیزی حدود ۱۰ماه، از من بازجویی صورت نگرفت!..

یعنی حدود ۱۰ماه؟

بله. تاریخ اولین بازجویی، در پرونده قابل مشاهده است.

آیا خانواده شما هم بازداشت شدند؟

بله. آنها نه تنها بازداشت شدند، بلکه بازجویی هم شده بودند و این در حالی بود که هیچ دلیل قانونی برای بازداشت و بازجویی از آنها وجود نداشت.

چرا پرونده در بلژیک باز شده بود؟

اول به خاطر پیچیدگی‌هایی که در روال قضایی در بلژیک است و دستگاه قضایی در هر گونه تصمیم خلاف قانون، دست باز دارد. این را همه آگاهان مسائل حقوقی در اروپا می‌دانند. دوم اینکه سیستم بلژیک، در جریان خواست غیر قانونی آزاد کردن جلالی، مسئولیت پذیرفته بود و هنوز هم همین نقش را دارد. به هر حال بعد از گذشت ۱۰۱ (روزی و روز) به شرایط بازداشت غیرانسانی و غیرقانونی در شهر ورتزبورگ آلمان، دادگاه استرداد حکم داد و من به پلیس بلژیک تحویل داده شدم. بعد از حدود شش‌ماه که از استرداد غیر قانونی گذشت، بنده را در فهرست ترور یسنی اتحادیه اروپا قرار دادند و این در حالی بود که هنوز دادگاهی تشکیل نشده بود، تا تصمیم بگیرد که نسبت بنده با آن پرونده را مشخص کند!

وقتی در زندان بودید آیا هیچ‌وقت از شما سوآلی نپرسیدند؟

خیر. هیچ پرسشی از من صورت نگرفته بود. شما را ارجاع می‌دهم، به پرونده‌ساختگی دادگاه بلژیک. اگر به پرونده دسترسی پیدا کنید، مشاهده می‌کنید اولین بازجویی در اردیبهشت سال ۹۸ صورت پذیرفته، در واقع بنده در تیر ۱۳۹۷ دستگیر شدم و در اردیبهشت سال بعد، پلیس بلژیک برای بازجویی به زندان هاسلت آمد و اولین جلسه را بر گزار کرد! بازجویی‌ها، به نحو کاملاً تصنعی و کلیشه‌ای بر گزار شد و گمان می‌کنم در مجموع، پنج جلسه بازجویی تا اواخر همان سال، یعنی تا حوالی بهمن‌ماه بر گزار شد. شاید شما تصور کنید، بعد از تمام شدن جلسات بازجویی، منطقی است که دادگاه تشکیل شود! اتهامات مورد بررسی قرار بگیرد اما تا دوسال و نیم هیچ اقدامی انجام ندادند و بنده را در شرایط انفرادی و در بازداشت نگه‌داشتند!

در دادگاه چه گذشت؟

در دادگاه حضور نیافتم، به این سبب که از نظر من، دادگاه صلاحیت رسیدگی به چنین اتهامی را نداشت. اساساً دادگاه فرامشی و بوج بود و شائنتی نداشت که وارد حوزه محاکمه دیپلمات‌ها شود. اگر در این دادگاه حضور پیدا می‌کردم، به معنای تأیید چنین دادگاهی محسوب می‌شد. این موضوع را در نامه‌ای خطاب به قاضی هم نوشتم و بعد از آزادی، متوجه شدم متن این نامه در رسانه‌ها منتشر شده بود.

آیا ملاقات با شما، صرفاً از طرف اعضای

سفارت کشورمان صورت می‌گرفت؟

بله. البته بیشتر پس از استرداد به بلژیک. با این حال در طول پنج سال، ملاقات خانوادگی نداشتیم و این به دلیل ستمی بود که سیستم‌های آلمان و بلژیک می‌کردند. بر اساس قرائن و شواهد متوجه شده بودم، طرحی وجود دارد که به خانواده‌ام اجازه ورود به بلژیک را بدهند و آنکه آنان را دستگیر نمایند!

به چه دلیل؟

با هدف گروگانگیری. آنها قصد داشتند تا کفه‌سمت

خودشان را سنگین کنند، بلکه بتوانند جمهوری اسلامی را مجبور به لغو مجازات جاسوس احمدرضا جلالی کنند. از جمله نشانه‌های وجود چنین طرحی، این بود که همیشه حق من در گفت‌وگوی تلفنی با خانواده نقض می‌شد. در طول پنج‌سال، اگر بخوام معدل گیری کرده باشم، حدود یک سال بیشتر من نتوانستم صدای خانواده‌ام را بشنوم! یکی از اسباب و علل این شکتجه روحی و روانی، می‌توانست این باشد که خانواده‌ام بدین من به بلژیک بیایند. نزدیک یک سال از دستگیری من گذشته بود و من یک بار به بازجوی بلژیکی گفتم: چرا وسایل خانواده‌ام را به آنان تحویل نمی‌دهید؟ پرسید: اگر ما بخوایم وسایل را بدهیم، آیا آنها برای تحویل گرفتن به بلژیک خواهند آمد؟! از این دست شواهد وجود داشت که من متوجه می‌شدم آنها قصد گروگانگیری دارند.

در مورد تلفن به خانواده، هر دفعه به بهانه‌ای مانع ایجاد می‌کردند. مدت‌ها به این بهانه که شما در فهرست ترور یست‌ها هستی و حق نداری در حساب زندان پول داشته باشی، مرا از این حق محروم می‌کردند. طبیعی است وقتی اجازه نداشتیم برای تلفن زدن اعتبار بخرم، امکان تماس تلفنی با خانواده را نمی‌یافتم. این ظلم فقط به مانع‌تراشی برای صحبت تلفنی با خانواده محدود نمی‌شد، بلکه با توجه به بلو که شده پول، حتی نمی‌توانستم یک عدد مسواک بخرم! این روال به حدی مشکل‌ساز شده بود که خودشان مجبور شدند فکری به حال این وضعیت کنند. در نهایت سال بعد، موضوع



در طول پنج سال حبس، ملاقات خانوادگی نداشتیم و این به دلیل سستمی بود که سیستم‌های آلمان و بلژیک روا می‌داشتند. بر اساس قرائن متوجه شده بودم، طرحی وجود دارد که به خانواده‌ام اجازه ورود به بلژیک را بدهند و سپس آنگاه آنان را دستگیر نمایند! آنها قصد داشتند تا کفه‌سمت خودشان را سنگین کنند، بلکه بتوانند جمهوری اسلامی را مجبور به لغو مجازات جاسوس احمدرضا جلالی نمایند، امری که در آن شکست خوردند



«سال در سیاه‌چال داعیه‌داران حقوق بشر» در گفت‌وشنود با اسدالله اسدی

هدف گروگانگیری بود برای آزادی یک جاسوس هسته‌ای!

را با پوشش مجوز وزارت خزانه‌داری حل کردند و من

از آن پس می‌توانستم به صورت محدود و بسیار کمتر از چیزی که سایر زندانیان از تلفن برخوردار بودند، با خانواده‌ام صحبت کنم. این روند چهار ماه بیش تر طول کشید و سپس قطع شدن تلفن‌ها، دوباره شروع شد!

این بار به چه بهانه‌ای؟

بهانه قانونی نداشتند، در نتیجه به فریبکاری با بهانه‌ای سخیف ادامه دادند. این بار می‌گفتند: مشکلات فنی باعث شده تا تلفن‌ها قطع بشود! اما ماه‌از مرحله جدید قطع کردن تلفن‌ها گذشته بود. شکل آن به اینگونه بود که سیستم را طوری تنظیم کرده بودند، که یک دقیقه بیشتر در هر مرحله نتوانم صحبت کنم. این شویه، واقعاً آزار دهنده بود. بعد از مدتی، همین یک دقیقه‌ها را هم اجازه ندادند و به طور کلی از ارتباط قطع شد! گاهی بعد از شش ماه می‌آمدند و می‌گفتند: تست کن، شاید تلفن‌ها وصل شده باشد. تست می‌کردم و می‌دیدم وصل است. اما این بار فقط دو، سه روز بیش تر نمی‌گذشت که مجدداً قطع می‌کردند و دوباره بهانه مشکلات فنی را می‌آوردند. این روند به جایی رسید که دیگر هیچ‌گاه به من مراجعه نشد که امتحان کنم شاید وصل شده باشد. در یک سال آخر بازداشت، حتی یک بار هم نتوانستم تلفن زنم! یکی از کارهای ثابت همکارانم در سفارت، دنبال کردن رفع چنین مشکلاتی بود که هرگز با موفقیت همراه نبوده زیرا! طرف بلژیکی قصد آزار و اذیت داشت.

از سایر شکنجه‌ها بگویید؟

عرض کردم به دادگاه ترفتم، خدا شاهد است، نیم‌ساعت بیش تر از آن مخالفت نگذشته بود که «گرمایش» بسازند و از سیستم سلول تبدیل به یخچال شده بود!

آنها این شکنجه را در سه زمستان ادامه دادند. سیستم گرمایش به دلیل سرماي آن منطقه، معمولاً از اواخر مهر باز می‌شد و در اواسط اردیبهشت سال بعد بسته می‌شد. شما حساب کنید حداقل شش‌ماه بنده (از گرمایش مطلوب – که حق هر زندانی است– محروم می‌کردند. هیچ‌یک از تلاش‌های همکاران برای پایان یافتن این شکنجه، به نتیجه رسید. در آخرین زمستان همکاران تلاش کردند تا یک عدد پد گرماساز را که در کشورمان به تشک برقی مشهور است)، با پول خودم که در حساب زندان بود، برای بنده خریداری شود. اما بعد از مدت‌ها که ما را سر کار گذاشتند، آن‌ها هم نخريدند. خریدن چنین وسایلی به معنای برداشتن شکنجه بود و طبیعتاً آنها قصدی برای این کار نداشتند. در ماه‌های آخر بازداشت، شهید عزیز امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه فقیدمان، ملاقات با وزیر خارجه به بلژیک – که در سوئیس انجام شده، بود– مشکل گرمایش را مطرح کرده بودند. وزیر بلژیکی با وقاحت و گستاخی تمام گفته بود: اگر آقای اسدی مشکلی دارند، آن را با رئیس زندان در میان بگذارند! این در حالی بود که مکاتبات پیرامون این مشکل، سه سال بین سفارت ما و وزارت خارجه بلژیک در جریان بود.

با این همه لازم است عرض کنم به لطف تعلیم و تزکیه حضرت حق و به برکت خداندن وحی (صلوات الله علیهم اجمعین)، هرگز در زمین گروگانگیری ه‌ای‌ای نکردم. آنها مقاومت‌های مختلف را می‌دیدند و این یکی را بدتر از همه جواب دادند! بنده خاک پای حضرت ابراهیم(ع) هم محسوب نمی‌شوم، ولی به تأسی از داستان مجاهدت آن پیامبر خدا، تیر روی دوش بت بزگ – یعنی قاضی بلژیکی – گذاشته شده بود، بدان‌الله.

روزهای سخت زندان، بر شما چگونه گذشت؟

گفت: حکایت شب هجران نه آن حکایت حالی است که شمه‌ای ز بیانش به صد رساله بر آید و سینه‌ای را پروراند که مرتکب جرمی شده بودم، حرفی نبود

د

دو سال قبل از دستگیری بنده، یک ایرانی مرتب با سرویس های جاسوسی اروپایی و رژیم صهیونیستی، در کشورمان دستگیر شد. این شخص احمدرضا جلالی نام داشت و در جریان تحقیقات اعتراف کرده بود! اطلاعات دانشمندان هسته‌ای ما را به مוסاد تحویل داده است! دستگیری من یک گروگانگیری بود و آلمان به نیابت از سایر دولت‌های متخاصم، حاضر بود بنده را آزاد کند، به شرطی که جلالی هم آزاد شود!

که این همه حجم اذیت و آزار تحمل شود، ولی وقتی هیچ‌کدام از اتهامات به من درست نبود، نیاز به توان مضاعفی برای تحمل آزار و اذیت‌ها بود و چنین توانی به لطف خدای متعال، به وجود آمد. یاد حضرت حق و انس با قرآن، رمز مقاومت بود. همه ستم‌هایی که روا داشته می‌شد، با تمسک به کلام حق تحمل می‌شد. به محض انتقال به زندان، درخواست بخشش و قرآن در اختیار من قرار گیرد. با مخالف روبه‌رو شد. پیگیری و مقاومت نتیجه داد و بالاخره بعد از حدود یک‌ماه، بالاخره قرآن به دستم رسید. زمانی که زندان را ترک کردم، در میانه ختم چهل و پنجم قرآن بودم. انس با کلام حق، برایم الهام‌بخش و موجب آرامش بود. ببینید خدای متعال این مرگ وزندگی را آفریده، برای اینکه معلوم شود کدامیک از ما انسان‌ها نیکوکار ترین هستیم. منظورم این است که معلوم شدن نیکوکار ترین، جز به وسیله ابتلا و آزمایش ممکن نیست. لذا این حوادث ایجاد می‌شود، تا ما امتحان شویم. در این بوته هجران است که عبرت‌آموزها مشخص می‌شوند و من هم یکی از آنها هستم. بعد از آزادی، به مرحمت خدای متعال در حق این بنده اگر لطف و مهربانی خدای متعال در حق این بنده وجود نداشت، معلوم نبود چه سرنوشتی در این ابتلا پیدای می‌کردم. مطلقاً نخواهم توانست، شکر حتی یک لحظه از آن نعمت سبیر و مقاومت را به جای آورم. حافظ می‌گوید:

خوش برآ با غصه‌ای دل کاهل را ز

عیش خوش در بوته هجران کنند همان‌طور که در کلام وحی آمده است: ندگی خوش، در گرو ایمان و عمل صالح است. باید به آیات سوره مبارک که رعد و تفسیر العیزان در این زمینه، توجه کنید! شاید مهم‌ترین دستاوردی که در طول آن پنج سال به لطف حق به دست آوردم، این بود که به رضای خدا راضی بودم. دیگر داعایی برای آزادی نداشتیم. غای من این بود که هر چه پروردگارم به آن راضی است، در حق من تحقق پیدا کند. گفت: من از درمان و درد و وصل و جبران

پسندم آنچه را جنان پسندد

رفتار شما در زندان، با کادر آنجا چگونه بود؟
عیش خوش در بوته هجران کنند همان‌طور که در کلام وحی آمده است: ندگی خوش، در گرو ایمان و عمل صالح است. باید به آیات سوره مبارک که رعد و تفسیر العیزان در این زمینه، توجه کنید! شاید مهم‌ترین دستاوردی که در طول آن پنج سال به لطف حق به دست آوردم، این بود که به رضای خدا راضی بودم. دیگر داعایی برای آزادی نداشتیم. غای من این بود که هر چه پروردگارم به آن راضی است، در حق من تحقق پیدا کند. گفت: من از درمان و درد و وصل و جبران

کاش یک روزی اساد و گزارشات زندان که از سوی مدیریت‌ها و کادر زندان تهیه و به شکل مکتوب برای مقامات بالاتر ارسال شده از طبقه‌بندی خارج شود. در تمامی گزارشاتی که هر دو ماه یک‌بار تهیه می‌شد و به امضای خودم می‌رسید، این عبارات به چشم می‌خورد: زندانی سادب و احترام‌برخورد می‌کند، ضوابط زندان را نادیده نمی‌گیرد، درگیری ایجاد نمی‌کند و از این دست موضوعات.

کلمت مد در سلول انفرادی بودید؟

روزی‌ها آخر بازداشت غیر قانونی، شاید چیزی در حدود ۲۴روز شد که من را به زندان دیگری منتقل کردند و در یک سلول دو نفره محبوس شدم.

آیا از فرصت‌هایی مثل هواخوری و ورزش برخوردار بودید؟

آن‌ها تلاش می‌کردند چیزهایی مثل هواخوری یا ورزش را در کام من تلخ کنند. هشت‌ماه از سال اول را با نقض حق هواخوری جمعی مواجه می‌شدم و به شکل انفرادی، در محوطه‌ای کوچک قدم می‌زدم. زمان این هواخوری یک ساعت بود. در حالی که زمان هواخوری برای سایر زندانیان، سه‌بار در روز و هر یک یک ساعت و نیم بود. وقتی فشارها بیش تر شد، فکر می‌کردم چند ۱۹ ماه از بازداشت گذشته بود که با توکل بر خدای متعال دیگر به هواخوری ترفتم و در همان سلول ۱متری باقی‌ماندم. مجموعه‌سال‌ها و دو ماه شد که به هواخوری ترفتم! البته لازم است، توضیح دهم، محل ملاقات با همکاران در داخل ساختمان زندان بود که در هفته حدود یک ساعت در آن اتاق، از پشت شیشه با همکاران ملاقات می‌کردم.

چند مدت فرصت پیدا کردید در هواخوری با دیگر زندانیان بر خورده داشته باشید؟

فکر می‌کنم مجموعه در آلمان و بلژیک، ۱۰ ماه شد. در آنجا از ملیت‌های گوناگون بودند. ایران، پاکستان و افغانستان، کشورهای عربی، آفریقا، کشورهای مختلف اروپایی، امریکای لاتین. **آیا گفت‌وگویی هم، بین شما با آنان انجام می‌شد؟**
بسیار. طبعاً موضوع اتهامی و شرایط بنده، به لحاظ تجربیات و وظیفه دیپلماتیک، فرصت‌هایی که خدای متعال در همه عمر عطا فرموده بود تا دانش‌اندوزی نمایم، شرایطی را فراهم کرده بود که حداکثر استفاده را از این فرصت داشته باشم. ظلم و ستم سیستم‌های اروپایی‌ها را در پرونده خودم توضیح می‌دادم، ولی هرگز از آنان سؤال نمی‌کردم که: شما چرا اینجا هستید؟ اغلب خود آنان، پرونده‌های‌شان را توضیح می‌دادند. گفت‌وگ‌ها

جوان

شماره ۴۰۳

عموماً فضای آموزشی داشت، در مسائل متون دینی، سیاسی، اجتماعی، سبک زندگی صحیح و از این قبیل. تلاش می‌کردم تا جایی که توان دارم، وظیفه تبیین و روشنگری را در همه ابعادی که نیاز بود، به انجام برسانم.

من گمان می‌کنم دلیل اینکه روز سیزدهم دی ۱۳۹۸، بعد از حدود هشت‌ماه که در جمع زندانیان بودم، من را از زندان Hasselt به زندان Beveren منتقل کردند، همین انس و الفتی بود که با زندانیان به وجود آمده بود. بعد از انتقال متوجه شدم، ساساتی قبل از انتقال، سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی به شهادت رسیده‌اند. تردیدی نداشتم انتقال من به زندان جدید، به این سبب بود. در حقیقت اگر من گمان‌کار در جمع زندانیان زندان هاسلت به سر می‌ردم – که هشت ماه از رفاقت ما گذشته بود– این امکان به وجود می‌آمد تا حقائق امور را در خصوص جنایت امریکا و شرکای اروپایی آن، در ترور رهبران و فرماندهان مقاومت بیان نمایم و این به نفع سیستم‌های ستم‌پیشه غربی نبود!

در شرایط کرونا چه وضعیتی داشتید؟

منطقاً چون در هواخوری حضور پیدا نمی‌کردم و در شرایط ایزوله بودم، امکان آلودگی به ویروس کرونا برای من بسیار کم بود. هر روز یک عدد ماسک پارچه‌ای به زندانیان می‌دادند و همین‌طور به من، روز بعد ماسک‌ها را برای شست‌وشو می‌گرفتند و ماسک دیگری می‌دادند و همین‌طور این روند، تا پایان بحران کرونا ادامه داشت. ماسک‌ها در اثر استفاده و شست‌وشو می‌دمام پوسیده شده بود، به نحوی که می‌شد فهمید که فقط برای رفع تکلیف داده می‌شود! کادر زندان و نگهبان‌ها، ماسک‌های خودشان را داشتند و از بیرون تهیه می‌کردند.

آیا واکنس زدید؟

خیر. این هم یکی از شکل‌های مقاومت بود که در مقابل سیستم ظالم بلژیک انجام می‌شد. به کرات مراجعه می‌کردند و من پاسخ منصفی می‌دادم. دفعه آخر، کادر درمان را از بیرون زندان آوردند و خیلی هم اصرار کردند. حتی در آخرین تلاش‌ها گفتند: این واکنس حلال است. ولی من رد کردم و گفتم: سیستم شما مرا در این شرایط قرار داده است، لذا اگر مشکلی هم برای من ایجاد شود، شما مقصر هستید. من اگر در خسار ج از زندان بودم، بی‌تردید واکنس می‌زدم. اگر قرار بود دیپلمات دستگیر شود، در پایتخت کشورها ساختمان‌هایی ایجاد می‌شد و بر سر در آن می‌نوشتند: زندان دیپلمات‌کا

آیا تلاش نمی‌کردند که شما را به هواوری برسانند؟

بله. بسیار فشار روانی می‌آوردند، ولی پاسخ منفی بود. می‌گفتم: در نهایت با افضی از اینجا خارج می‌شوم، با عمودی و توضیح می‌دادم، یا به وسیله مرگ شرافتمندانه از این سلول رها می‌شوم یا آزاد خواهم شد، راهی جز این وجود ندارم.

در جریان گفت‌وگوشان راه داشتید به تعبیر دادگاه کانگورو، منظور شما چه بود؟

در هواخوری زندان هاسلت، یک رسم غیرقانونی وجود داشت و آن هم تشکیل دادگاهی بود، به نام دادگاه کانگورو! در شرایطی که مشکلی پیش می‌آمد و می‌خواستند بسرای آن تصمیم بگیرند، به زندانیان از بین جمع خودشان کسانی را به عنوان باز پرس، قاضی، وکیل و نظائر اینها انتخاب و به موضوع اتهامی رسمی می‌کردند و در نهایت اگر به حکمی می‌رسیدند، آن را اجرا می‌کردند. مجازات‌ها از مصادر اعمال بود، تا قتل مجرم البته گاهی هم مشکلات، به تشکیل دادگاه نمی‌رسید و دعوا می‌شد! تا سرحد مرگ، بیکدر می‌ای می‌زدند! در چنین شرایطی برای مصون ماندن از زد و خورد‌ها، فقط باید به دور تیر نقطه از محوطه می‌رفتم و از دور صحنه را تماشا می‌کردیم. برخی هم تلاش می‌کردند تا سربانی گری کنند که اغلب خودشان کتک می‌خوردند.

این دادگاهی را که تشکیل می‌دادند، بنا به یک رسم قدیم در زندان‌های اروپا، آن را «دادگاه کانگورو» می‌نامیدند، من به زندانیان می‌گفتم که این دادگاهی که در بلژیک برای من تشکیل شده، در حقیقت می‌شود از آن به «دادگاه کانگورو» تعبیر کرد، چون قانونی نبود و اساساً با اشخاص دیپلمات که به این نحو بر خورند نمی‌کنند. من این را به کارکن زندان هم می‌گفتم که ببینید سیستم کشور شما هرگز نامی از دولت من نمی‌برد، چون این کیس در واقع یک گروگانگیری است. اگر این پرونده پره‌رادی از حقیقت داشت، حداکثر اقدام این بود که دیپلمات را رسماً اخراج کنند، سپس با دولت فرستنده او وارد چالش شوند.

در نهایت چگونه آزاد شدید؟

همان‌طور که می‌دانید، من به ۲۰سال حبس محکوم شده بودم و عملاً در حال سبیری کردن مدت محکومیت بسودم اسا روی کار آمدن دولت شهید آیت‌الله رئیسی، به لطف الهی همه توهमत و محاسبات سیستم‌های غربی را به هم زد. سیستم‌های ضد جاسوسی کشورمان مأموریت یافتند که با کار شبانه‌روزی اقدام به شناسایی جاسوسان اروپایی در داخل کشور کنند. هنوز یک سال از آغاز کار دولت نگذشته بود که این هدف محقق شد و یکی از جواسیس اروپایی – که با پوشش قریب کار ارائه‌امدادگر به داخل کشور آمده بود– دستگیر شد. این اقدام درست، ورق را برگرداند و موجب شد دولت‌های ستم‌پیشه اروپایی، از گروگان‌گیری دست بردارند و به جای مطرح کردن خواسته غیر قانونی لغو حکم احمدرضا جلالی، به آزادی من تن دهند. در مقابل نیز ایران جاسوس بلژیکی – که به ۳۹سال حبس محکوم شده بود– را آزاد کرد.



جهان کودکان سرشار از فانتزی رؤیا، شعر و موسیقی است

مهر: رضایفا‌یی از بازیگران پیشکسوت سینما و تلویزیون با مرور خاطرات گذشته می‌گوید: یکی از زیباترین خاطراتم در زندگی از مواجهه با کودکان، زمانی بود که پس از پخش «زی‌زی گولو» در میناب بودم و در آنجا دختر بچه‌ای سیه‌چرده با چشمانی درخشان و موهای آشفته، با شگفتی دستم را گرفت و با هیجان می‌خندید و گریه می‌کرد. نمی‌توانست باور کند که شخصیت آقای جمالی از تلویزیون بیرون آمده و در مقابلش ایستاده است. آن لحظه چنان شگفت‌انگیز و تأثیرگذار بود که هرگز فراموش نکردم. جهان کودک سرشار از فانتزی، رؤیا، شعر و موسیقی است. بدون این عناصر، توصیف دیگری نمی‌توان برای آن متصور شد. برای ورود به این جهان، باید این اجزا را درک کرد تا بتوان در عرصه‌هایی مانند نمایش، نقاشی و سینما، حال و هوای فانتزی و رؤیایی مورد نیاز کودکان را خلق کرد. بچه‌ها با همه چیز ارتباط برقرار می‌کنند، ما نیز باید بتوانیم برای پیوند با آنها، با تمامی عناصر جهان، ابر و باد و مه و خورشید و فلک ارتباط بگیریم. خاطره‌ای از دوران کودکی خود دارم که با چوب کبریت برای خودم داستان‌سازی می‌کردم. برای هر چوب کبریت شخصیتی قائل می‌شدم و بین آنها روابط برننامه‌ای خلق و آن را اجرا می‌کردم. بسیاری از کودکان نیز در دنیای خودشان چنین داستان‌هایی خلق می‌کنند، هر چند نگاه‌شان ممکن است متفاوت باشد.



ترجمه مجدد بعضی کتاب‌ها عوام‌فریبی است

ایبنا: رضایایی از مترجمان ادبی کشور با انتقاد از وضعیت ترجمه داستان‌ها و رمان‌ها بیان می‌کند: متأسفانه امروز در جامعه ایران با پدیده‌ای مواجهیم که با نام «ترجمه مجدد» شناخته می‌شود ولی با آنچه من گفتم، کاملاً متفاوت دارد. در ترجمه‌های تازه‌ای منتشر می‌شوند که از ترجمه‌های قبلی ضعیف‌ترند. خب این چه ضرورتی دارد؟ از نظر ادبی هیچ، بعضی ناشران صرفاً به خاطر فروش دست به این کار می‌زنند. می‌دانند فلان اثر فروش است، پس دوباره ترجمه‌اش می‌کنند تا نسخهای دیگر به بازار بدهند. این کار چیزی جز عوام‌فریبی نیست. خواننده هم از این وضعیت دل‌دزد می‌شود، حتی ممکن است دیگر سراغ ترجمه‌های خوب هم نرود چون از یک نسخه بد زده شده است. این ترجمه‌ها معمولاً زبان‌تر هم تمام می‌شوند، چون با بی‌دقتی و کپی‌کاری و سرهم‌بندی تولید می‌شوند. کاری که یک مترجم جدی شاید یک سال برایش وقت بگذارد این افراد در یک ماه تحویل می‌دهند. برای ناشر هم هزینه کمتر دارد و سریع وارد بازار می‌شود. مثلاً تا آنجا که من می‌دانم همین حالا از رمان «گتسبی بزرگ» ۱۱ ترجمه در بازار هست! ترجمه من سال ۱۳۹۴ منتشر شد. طی ۱۰ سال گذشته چند ترجمه دیگر هم از آن وارد بازار شده است. این ترجمه‌ها به‌ر صورت بهتر است. اگر چنین باشد من خودم با مترجم تماس می‌گیرم، به او تبریک می‌گویم و در چاپ بعدی کتاب اشاره می‌کنم که این ترجمه تازه بر برخی اشکال‌های ترجمه من را برطرف کرده است. اما متأسفانه تا امروز با چنین نمونه‌ای برخورد نکردم.



فیلمنامه ضعیف به کل بخش‌های فیلم آسیب می‌زند

سینما پرس: حبیب دهقان نسب، از بازیگران باتجربه سینما و تلویزیون درباره افول کیفیت نقش آفرینی بازیگران می‌گوید: دلیل اصلی این مسئله فیلمنامه است. فیلمنامه حرف اول را می‌زند؛ یعنی فیلمنامه خوب به همه عوامل از جمله بازیگر، کارگردان، طراح صحنه، لباس، مدیر صحنه، موسیقی‌ها و سایر اعضای تیم می‌گوید که چه کاری باید انجام دهند و چگونه عمل کنند. وقتی فیلمنامه ضعیف باشد، قصه در ست نباشد، چارچوب و ساختار مناسبی نداشته باشد، شخصیت پردازی ضعیف باشد و روند داستانی درستی وجود نداشته باشد، طبیعتاً همه عوامل در کار کردن با آن فیلمنامه با مشکل مواجه می‌شوند. شخصیت پردازی یکی از کارگان اصلی یک فیلمنامه است. وقتی شخصیت‌ها یک‌بعدی و تک‌ساحتی باشند و به درستی شکل نگرفته باشند قطعاً بازیگران نمی‌توانند اثری قوی ارائه دهند. به نظر من، بسیاری از مشکلات به ضعف فیلمنامه و به خصوص شخصیت پردازی برمی‌گردد. این موضوع فقط مختص تلویزیون نیست، بلکه بودجه‌های محدود هم تأثیرگذار است. تهیه‌کنندگان تمایل دارند هزینه‌ها را کاهش دهند، بنابراین اغلب برآز بازیگران حرفه‌ای می‌روند و مابقی نقش‌ها را به بازیگران کم‌تجربه می‌سپارند.

مروری بر کارنامه بازیگری هادی حجازی‌فر به انگیزه اکران «ناتورِدشت»

سلوک سینمایی یک بازیگر در شمایل قهرمانی زخم‌خورده



حجازی‌فر، هم‌مسیر شدن با کارگردان‌های مختلف را به خود دیده، «دوزیست» یکی از همین آثار است؛ فیلمی به کارگردانی برزو نیک‌نژاد که حاصلش این شد که از او رهبری یک تیم پرازِیگر را فراگرفت. «بی همه چیز» و «همبازی شدن با پرویز پرستویی به عنوان یک فیلم اجتماعی اقتباسی و «صحنه‌ها با زرافه‌ها» به عنوان یک فیلم کم‌دلی از قدم‌های او در ژانرهای مختلف است.

close ups
نمای نزدیک

پرداخت. «به وقت شام» به کارگردانی حاتمی کیا یکی از همین آثار بود؛ فیلمی درباره حضور داعش در منطقه و نقش رزمندگان ایرانی در سوریه؛ تجربه‌ای دشوار که حتی یادآوری بر برخی فرازهایش در نشست خبری «به وقت شام» در آن دوره از جشنواره فیلم فجر، برخی را به اشتباه انداخته بود که حجازی‌فر و حاتمی کیا در طول فیلم‌ها با یکدیگر دچار مشکل شده‌اند، این بازیگر اما خودش درباره این فیلم می‌گوید: «یکی از مشکلات من با ابراهیم حاتمی کیا در این فیلم سرِ تست‌ها رخ نمی‌دهد. قطعاً کارگردان کلاً بر ابراهیم می‌گفتم نه اینکه نتواهم این‌طور صحبت کنم، اساساً نمی‌توانم. وقتی از درون بازیگر باورش وجود نداشته باشد، اتفاقی که باید رخ نمی‌دهد. قطعاً کارگردان در آرزوی حاتمی کیا یکی از آرزوهای بزرگ من بود و خاطرم هست بعد از قطع کردن تماسی که برای پیشنهاد این همکاری به‌من شد، واقعاً هیجان‌زده شدم، اما در کار پیرش کردم».

حجازی‌فر این روزها با «ناتورِدشت»، محصول سازمان سینمایی سوریه، و سینماهای بازگشته است؛ فیلمی به کارگردانی محمدرضا خردمندان که برگرفته از یک پرونده واقعی است؛ پرونده‌ای از ربایش یک دختر از سوی یکی از محلی‌ها و عزم و قصد حاکمان آنجا برای یافتن او، رونمایی از این فیلم در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر با استقبال منتقدان همراه شد و یکی از فصل‌های مشترک در واکنش‌های تحسین‌آمیز نسبت به فیلم انتخاب تریب بازیگران و عملکرد آنها در مقابل دوربین خردمندان بود.

هادی حجازی‌فر در این فیلم ایفاگر نقش اصلی است؛ یکی از همین آثار، فیلمی به کارنامه‌اش را رقم زده است؛ «حمد پیران» محبیطیایی است که خوداروفاً هم‌زندگی را فراگرفت. او در کنار اندوختن تجربه از کارگردان، سسری به زانده داشت. واقعیت زده است، «بی همه چیز» و «همبازی شدن با پرویز پرستویی به عنوان یک فیلم اجتماعی اقتباسی و «صحنه‌ها با زرافه‌ها» به کارگردانی مشترک با میرسعید مولویان را نیز تجربه کرده است تا هر دو به‌عنوان زوج اصلی روایت بار اصلی «ناتورِدشت» را به دوش بکشند. در کنار ماجرای گم شدن «سیسنا» در کانون روایت فیلم، سلوک شخصیت «احمد» اهمیت ویژه‌ای در نگاه خردمندان داشته که با هنر نمایی هادی حجازی‌فر، به زیبایی در فیلم به تصویر کشیده شده است.

«ماجرای نیمروز» برشی دیگر از این دوستی و همکاری بوده؛ جایی که حجازی‌فر با تخمه شکستن‌هایش، با تکرار این جمله معروفش که «ا‌قا یازید من برم و قله‌هام رف و فتح کنم»، با عصیانیت‌ها و قاطعی کردن‌هایش به یک شخصیت محبوب در فیلم تبدیل شده؛ همان جایی که قصه درباره اوایل انقلاب، روزهای آغازین جنگ و مشکلات داخلی بود که با او حرف نمی‌زد و تازه روز سازمان مجاهدین خلق خرابکاری در پس خرابکاری به بار می‌آوردند و ترور و کشتار مؤلفه اول سازمان‌شان بود؛ همان جایی که حجازی‌فر در توصیف سختی‌های کارش اعلام کرده بود محمود رضی، تهیه‌کننده تر ترجم می‌داد یک بازیگر چهره‌تر برای این فیلم بیارود. حضور او برآی رضی انقدر سنگین بود که با او حرف نمی‌زد و تازه روز آخر فیلمبرداری با هم رفیق شده‌بودند اما مهدویان پای حجازی‌فر ایستاد، این بازیگر انقدر خوش درخسید که هنوز هم که هنوز است از نقش‌های به یادماندنی او در کارنامه کاری‌اش به شمار می‌رود؛ جایی که ثابت کرد، می‌شود گاهی برای نقشی فقط یادآوری کرد حجازی‌فر این گوشه سینما رفته بود اما این «ایستاده در غبار» ساخته محمدحسین مهدویان بود که به سینما یادآوری کرد حجازی‌فر این گوشه سینما

ایستاده تا فرصت برای بروز استعدادهایش باشد. «ایستاده در غبار» به نوعی نمره سال‌ها شکیبایی و پرهیز آگاهانه او از حضور به هر قیمت در سینما بود. او در ۳۹سالگی و زمانی که خیلی‌ها فکر می‌کنند برای شروع هر کاری در است با نقش‌آفرینی در نقش شهیداحمد متوسلیان توانست جایی را در سینما برای خود باز کند. ایفای نقش متوسلیان اما از هر سو برای حجازی‌فر سخت بود، محبوبیت این شهید نزد مردم از یک سو و پیچیدگی‌های این نقش از سوی دیگر باعث شده بود اضطرابی به جانش بیفتد. دشواری کار در جایی دیگر هم بود، حجازی‌فر در «ایستاده در غبار» دیالوگی نداشت، بلکه صدای احمد متوسلیان روی تصویر قرار گرفته بود، به همین دلیل نوعی بازی صامت ارائه می‌داد فقط لب می‌زد و هرگز تصور نمی‌کرد چنین شیوه‌ای تا این اندازه دشوار باشد، ضمن اینکه باید فضاهای واقعی را بازسازی می‌کرد و همین تضاد، کار را بسیار سخت‌تر کرده بود.

«ایستاده در غبار» شروع همکاری‌های دومینووار حجازی‌فر با محمدحسین مهدویان بود، گویی دیگر اعتمادی شکل گرفته بود که به فیلم‌های دیگر منجر شد، دیگر هم‌ا‌می‌شناسند، حالا در آستانه ۵۰سالگی به پای ثابت فیلم‌ها و سریال‌های مهم و تأثیرگذار تبدیل شده‌است. هنرمندی که اتفاقاً بازیگری حرفه‌ای را دیر آغاز کرد اما حالا چند وقت یک‌بار تصویرش روی بیلورده‌های شهر نقش می‌بندد؛ اتفاقی که آرزو و مایه خوشحالی بسیاری از بازیگران است. صحبت از هادی حجازی‌فر است؛ بازیگری که هم با نقش‌هایش خندیده‌ایم، هم گریسته‌ایم، هم گاهی حرص مان را درآورده است و هم با او همراه شده‌ایم. در آغاز کرده بود. اما هادی حجازی‌فر چگونه پس‌ا به عرصه بازیگری با فیلم‌ها و سریال‌ها ورود کرده‌ایم؟ به یاد بیاورند اما او خیلی پیش‌تر ایفای نقش را آغاز کرده بود. در سال ۱۳۸۲ و هنوز دانشجوی بود که کار را با رسول ملاقلی‌پور آغاز کرد؛ حضور دوستانش در قطع کاری حجازی‌فر را تسیم کرد. همه چیز از یک تست بازیگری شروع شد اما نه برای خودش، بلکه برای دوستش، ماجرا چنین شکل گرفت که دوستش رفته بود برای فیلم سینمایی «مزرعه پدری» در دفتر رسول ملاقلی‌پور تست بدهد که هادی حجازی‌فر هم تصمیم گرفته بود به خانه عمویش برود و به دلیل هم‌مسیر بودن با دوستش همراه شد، هر دو به دفتر ملاقلی‌پور رسیدند اما ناگهان ملاقلی‌پور به او اصرار می‌کند که تست بدهد و در نهایت همان می‌شود که باید بشود، حجازی‌فر نقش کوتاهی درباره شهید زری‌اف در «مزرعه پدری» ایفا کرد که تجارب بسیاری را پیش روی او گذاشت. سختگیری‌ها و تندخویی‌های ملاقلی‌پور به تنهایی کافی بود تا بفهمد سینما عرصه دشواری‌ها و گاه نشدن‌هاست، سینما عرصه‌ای است که گاه کارگردان در مقام یک حاکم بالماناز بر همه چیز تسلط پیدا می‌کند. شاید همین برخورد‌های تند بود که حجازی‌فر را بر آن داشت بعدها کارگردانی را هم بیازماید.

برای ایستاده در غبار
بعد از «مزرعه پدری» ۱۲سال طول کشید تا دیگر بار را به دنیای بازیگری بگذارد. گرچه در این مدت پیشنهادهایی به او شده بود و تا پای امضای قرارداد «خداحافظ رفیق» ساخته بهزاد بهزادپور رفته بود اما این «ایستاده در غبار» ساخته محمدحسین مهدویان بود که به سینما یادآوری کرد حجازی‌فر این گوشه سینما

ایستاده تا فرصت برای بروز استعدادهایش باشد. «ایستاده در غبار» به نوعی نمره سال‌ها شکیبایی و پرهیز آگاهانه او از حضور به هر قیمت در سینما بود. او در ۳۹سالگی و زمانی که خیلی‌ها فکر می‌کنند برای شروع هر کاری در است با نقش‌آفرینی در نقش شهیداحمد متوسلیان توانست جایی را در سینما برای خود باز کند. ایفای نقش متوسلیان اما از هر سو برای حجازی‌فر سخت بود، محبوبیت این شهید نزد مردم از یک سو و پیچیدگی‌های این نقش از سوی دیگر باعث شده بود اضطرابی به جانش بیفتد. دشواری کار در جایی دیگر هم بود، حجازی‌فر در «ایستاده در غبار» دیالوگی نداشت، بلکه صدای احمد متوسلیان روی تصویر قرار گرفته بود، به همین دلیل نوعی بازی صامت ارائه می‌داد فقط لب می‌زد و هرگز تصور نمی‌کرد چنین شیوه‌ای تا این اندازه دشوار باشد، ضمن اینکه باید فضاهای واقعی را بازسازی می‌کرد و همین تضاد، کار را بسیار سخت‌تر کرده بود.

همکاری‌های دومینووار با مهدویان
«ایستاده در غبار» شروع همکاری‌های دومینووار حجازی‌فر با محمدحسین مهدویان بود، گویی دیگر اعتمادی شکل گرفته بود که به فیلم‌های دیگر منجر شد، دیگر هم‌ا‌می‌شناسند، حالا در آستانه ۵۰سالگی به پای ثابت فیلم‌ها و سریال‌های مهم و تأثیرگذار تبدیل شده‌است. هنرمندی که اتفاقاً بازیگری حرفه‌ای را دیر آغاز کرد اما حالا چند وقت یک‌بار تصویرش روی بیلورده‌های شهر نقش می‌بندد؛ اتفاقی که آرزو و مایه خوشحالی بسیاری از بازیگران است. صحبت از هادی حجازی‌فر است؛ بازیگری که هم با نقش‌هایش خندیده‌ایم، هم گریسته‌ایم، هم گاهی حرص مان را درآورده است و هم با او همراه شده‌ایم. در آغاز کرده بود. اما هادی حجازی‌فر چگونه پس‌ا به عرصه بازیگری با فیلم‌ها و سریال‌ها ورود کرده‌ایم؟ به یاد بیاورند اما او خیلی پیش‌تر ایفای نقش را آغاز کرده بود. در سال ۱۳۸۲ و هنوز دانشجوی بود که کار را با رسول ملاقلی‌پور آغاز کرد؛ حضور دوستانش در قطع کاری حجازی‌فر را تسیم کرد. همه چیز از یک تست بازیگری شروع شد اما نه برای خودش، بلکه برای دوستش، ماجرا چنین شکل گرفت که دوستش رفته بود برای فیلم سینمایی «مزرعه پدری» در دفتر رسول ملاقلی‌پور تست بدهد که هادی حجازی‌فر هم تصمیم گرفته بود به خانه عمویش برود و به دلیل هم‌مسیر بودن با دوستش همراه شد، هر دو به دفتر ملاقلی‌پور رسیدند اما ناگهان ملاقلی‌پور به او اصرار می‌کند که تست بدهد و در نهایت همان می‌شود که باید بشود، حجازی‌فر نقش کوتاهی درباره شهید زری‌اف در «مزرعه پدری» ایفا کرد که تجارب بسیاری را پیش روی او گذاشت. سختگیری‌ها و تندخویی‌های ملاقلی‌پور به تنهایی کافی بود تا بفهمد سینما عرصه دشواری‌ها و گاه نشدن‌هاست، سینما عرصه‌ای است که گاه کارگردان در مقام یک حاکم بالماناز بر همه چیز تسلط پیدا می‌کند. شاید همین برخورد‌های تند بود که حجازی‌فر را بر آن داشت بعدها کارگردانی را هم بیازماید.

تجربه همکاری با حاتمی کیا
حجازی‌فر اما در سال‌های بعد پس‌ا فرا‌تر گذاشت و به تنوع و گسترش تجربه‌هایش

گذشته نام. بد «پوست شیر» اما تنها سریال او در ویت‌رین شبکه نمایش خانگی نیست، و تجارب‌ی دیگر مثل «دیاروش»، «ممنوعه» و «سرگیجه» را هم رقم زده، در عین حال تلویزیون را هم یادآوری بر برخی فرازهایش در نشست خبری «به وقت شام» در آن دوره از جشنواره فیلم فجر، برخی را به اشتباه انداخته بود که حجازی‌فر و حاتمی کیا در طول فیلم‌ها با یکدیگر دچار مشکل شده‌اند، این بازیگر اما خودش درباره این فیلم می‌گوید: «یکی از مشکلات من با ابراهیم حاتمی کیا در این فیلم سرِ تست‌ها رخ نمی‌دهد. قطعاً کارگردان کلاً بر ابراهیم می‌گفتم نه اینکه نتواهم این‌طور صحبت کنم، اساساً نمی‌توانم. وقتی از درون بازیگر باورش وجود نداشته باشد، اتفاقی که باید رخ نمی‌دهد. قطعاً کارگردان در آرزوی حاتمی کیا یکی از آرزوهای بزرگ من بود و خاطرم هست بعد از قطع کردن تماسی که برای پیشنهاد این همکاری به‌من شد، واقعاً هیجان‌زده شدم، اما در کار پیرش کردم».

حجازی‌فر این روزها با «ناتورِدشت»، محصول سازمان سینمایی سوریه، و سینماهای بازگشته است؛ فیلمی به کارگردانی محمدرضا خردمندان که برگرفته از یک پرونده واقعی است؛ پرونده‌ای از ربایش یک دختر از سوی یکی از محلی‌ها و عزم و قصد حاکمان آنجا برای یافتن او، رونمایی از این فیلم در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر با استقبال منتقدان همراه شد و یکی از فصل‌های مشترک در واکنش‌های تحسین‌آمیز نسبت به فیلم انتخاب تریب بازیگران و عملکرد آنها در مقابل دوربین خردمندان بود.

هادی حجازی‌فر در این فیلم ایفاگر نقش اصلی است؛ یکی از همین آثار، فیلمی به کارنامه‌اش را رقم زده است؛ «حمد پیران» محبیطیایی است که خوداروفاً هم‌زندگی را فراگرفت. او در کنار اندوختن تجربه از کارگردان، سسری به زانده داشت. واقعیت زده است، «بی همه چیز» و «همبازی شدن با پرویز پرستویی به عنوان یک فیلم اجتماعی اقتباسی و «صحنه‌ها با زرافه‌ها» به کارگردانی مشترک با میرسعید مولویان را نیز تجربه کرده است تا هر دو به‌عنوان زوج اصلی روایت بار اصلی «ناتورِدشت» را به دوش بکشند. در کنار ماجرای گم شدن «سیسنا» در کانون روایت فیلم، سلوک شخصیت «احمد» اهمیت ویژه‌ای در نگاه خردمندان داشته که با هنر نمایی هادی حجازی‌فر، به زیبایی در فیلم به تصویر کشیده شده است.

فعال در شبکه نمایش خانگی
شبکه نمایش خانگی هم مدیومی بوده که او را بیشتر از دیگران به عنوان یک فیلم‌کمدی از قد‌های او در ژانرهای مختلف است. شبکه نمایش خانگی هم مدیومی بوده که او را بیشتر از دیگران به عنوان یک فیلم‌کمدی از قد‌های او در ژانرهای مختلف است.

گلدان‌های گل را عوض کنیم، به عبارت دیگر، همیشه در کتابخانه خصوصی خودت به سر می‌بری،

طبعاً من هیچ دوست و رفیقی ندارم. دیواری دورم کشیده‌ام و نمی‌گذارم کسی وارد آن شود و خودم هم سعی نمی‌کنم از آن بیرون بروم. کی همچو آدمی را دوست دارد؟ همه از دور مرا می‌پایند. شاید من بدشان بیاید یا حتی از من دورترند، اما خوشحالم که کسی چندی به چندی از همه هزار تا را دیگر برای خودم تراشیده‌ام از جمله اینکه

ابراهیم پشت‌کوهی، کارگردان نمایش «مکبّت‌زار»:

هنرمندان بزرگ تئاتر به شرق می‌آمدند تا آثارشان رنگ و بوی تازگی بگیرد

کارگردان نمایش «مکبّت‌زار» از ظرفیت‌های هنرهای نمایشی در ایران و کشورهای شرقی گفت و از نبود برنامه‌های حمایتی در این حوزه انتقاد کرد. به گزارش «جوان» ابراهیم پشت‌کوهی، کارگردان نمایش «مکبّت‌زار» که این روزها در تماشاخانه هماروی صحنه می‌رود به اینا گفت: در تمام این سال‌ها فقط شعار «تئاتر ملی» را شنیدیم و بیشتر یک کلمه بوده تا عمل. هیچ اتفاقی، اتفاقی نیست. دور شدن جوان‌ها هم از این حوزه اتفاقی نیست، این حاصل سیاست‌های غلط است. اقتباس برای تئاتر، دانش مضاعف می‌خواهد تسلط هم‌زمان بر درام، نوپسی و ادبیات لازم کار است. توجه سیاست‌گذاران حوزه تئاتر، منتقدان، خبرنگاران و کانون‌های مربوط بسیار حائز اهمیت است به این دلیل که شما با انتخاب‌های‌تان جهت می‌دهید.

پشت‌کوهی ادامه داد: رمنو کاستولوچی، هنرمند تئاتر ایتالیایی در جلسه‌ای نکت‌های را عنوان کرد که من سعی کردم در تمام این سال‌ها به آن وفادار باشم. او گفت که «من هرگز برای اینکه مخاطب چه می‌خواهد، کار نمی‌کنم، من آن چیزی را که فکر می‌کنم ضرورت است به صحنه می‌برم.» آن ضرورت فرهنگی مهم است. امروز به شکل افراطی مثلاً این کنسرت نمایش‌ها مد شده که هدف آن فروش است. بسیاری از تهیه‌کنندگان برای‌شان کار در حوزه فرهنگی یا اقتصادی تفاوت نمی‌کند، مسئله بازگشت سرمایه است.

وی بیان کرد: چیزی که ابتدا توجه من را بسیار به خودش جلب کرد، گرایش غول‌های بزرگ تئاتر دنیا همچون گروتسکی، پیتر بروک، یوجینو باربا، آریان موشکین به شرق و دانشه‌های فرهنگی آن بود. آنها به شرق می‌آمدند، چون معتقد بودند تئاتر غرب اشیاع شده و رجعت آنها به نمایش و آیین‌های شرقی به آثارشان رنگ و بوی تازه‌ای می‌داد. من این شانس را داشتم که در سرزمینی به دنیا آمدم که پر بود از مراسم، آیین، رازها و جادوها.

پشت‌کوهی تشریح کرد: من فکر می‌کردم چه کنم که مثل دیگران نباشم و هر وقت در این تئاتر چیزی مد شد با فاصله از آن ایستادم. پس از آنجا که دریافت‌ام آیین بستر بسیار مناسبی است برای بازتولید، با خودم گفتم تو چه چیزی برای گفتن داری که متفاوت باشد؟ ماچی داریم برای ارائه کردن که در عین حال که مال خودمان است، قابل عرضه در جهان باشد؟ جواب هویت و ریشه‌های ماست.

کارگردان نمایش «مکبّت‌زار» با ذکر خاطره‌ای گفت: «تاداشی سوزوکی» نویسنده، فیلسوف و کارگردان تئاتر ژاپن، نکته جالبی عنوان می‌کند و می‌گوید: «وقتی می‌بینم بازیگران ژاپنی تلاش می‌کنند همچون بازیگران آمریکایی بازی کنند، دلم برای‌شان می‌موزد. چرا می‌خواهی شبیه آن بازیگران آمریکایی یا آلمانی باشی؟ اون‌در حال زیست خود است، جهان خودش را دارد و تو باید جهان خودت را کشف کنی.»



وی خاطر نشان کرد: دادم سوزوکی قبل از من به این نکته مهم رسیده است که باید تئاتر را بر مبنای فرهنگ خودش پایه‌ریزی کند. سوزوکی چهار برداشت از مکبّت داشته که در یکی از آنها به جای «خواهران جادوگر» که من در این نمایش از «خواهران زار» استفاده کردم، او از سه راهبه که کنایی در دست دارند و روی آنها نوشته مکبّت استفاده کرده است. این کلید ورود به نمایش سوزوکی است.

این کارگردان تئاتر افزود: شما در همان ابتدا که با نمایش من روبه‌رو می‌شوی، می‌بینی دوزن بره‌پوش نشسته‌اند و دارند قلیان می‌کشند، «خواهران زار» کلید ورود به جهان اثر من است. در اثر به مرور زمان زیبایی‌شناسی خودت را پیدا می‌کنی، چیزی که من سعی کردم به آن برسم و چیزی است که جایگاه واقعی ایران است، پلی میان شرق و غرب، بنابراین برای من به لحاظ زیبایی‌شناسی شرق و به لحاظ تئوری غرب جذاب بوده است.

وی گفت: در همین نمایش «مکبّت‌زار» یک دیالوگ از زبان شخصیتی به نام «لکنک» داریم که من خودم به کار اضافه کردم، می‌گوید: زمان بزرگ‌ترین قاضی است؛ لیدی مکبّت! مخاطبی که آثار من را دنبال می‌کند، می‌داند من صرفاً از آیین استفاده نمی‌کنم، مثلاً من یک کمدی سیاه کار کردم که از یک رمان ایرانی اقتباس شده بود با نمایش «هملت پشت‌کوهی» یک اثر رئالیستی بود. حالا چرا دوباره به آیین بازمی‌گردم؟ چون آن چیزی که در تو پرتنگ‌تر است، در تو قدرتمندتر خودش را نشان می‌دهد. اگر هنرمند با خودش صادق باشد، به نظم هوایی را هم که در آن تنفس می‌کند روی اثرش تأثیر می‌گذارد. من نه تنها در مورد جنوب بلکه در مورد بسیاری از آیین‌های ایران تحقیق کردم. فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها، ریشه‌های زرتشتی و آیین‌های کردی را مورد مطالعه قرار دادم.

پشت‌کوهی بابارزائحتی از حضور نیافتن گروه‌های تئاتری در کشور گفت: طبق شواهد موجود در تمام این سال‌ها مخاطب ایرانی و حتی بیشتر مخاطبان آن طرف دنیا استقبال خوبی از این آثار داشته‌اند. همین نمایش در بغداد، مسکو، سن‌پترزبورگ و مجارستان در جشنواره و اجراهای عمومی جوایز و توجهات زیادی رو جلب کرده است. در آلمان که می‌شود گفت به لحاظ فرهنگی فاصله بیشتری با آنها داریم، نزدیک ۱۵ دقیقه تماشاگران نمایش را تشویق کردند. نورپرداز آلمانی می‌گفت که من بالای ۱۰۰ مکبّت دیدم ولی این بهترین بود. اینجا چیزی است که عیار جهانی این سرزمین را نشان می‌دهد.

وی ادامه داد: منتقدی در فرانسه گفت «باید مکبّت زار در دانشگاه تدریس شود، به خاطر اینکه ارتباط ما با دنیا ارتباط نیست. ما تقریباً مثل یک جزیریم، رفت‌وآمد هنری مخصوصاً در تئاتر بسیار کم‌رنگ است. در جشنواره تئاتر بغداد ناراحت شدم، چون از بیشتر کشورهای صاحب سبک تئاتری اروپا و آفریقا در آن حضور داشتند؛ جشنواره‌ای که فقط طی یک دوره توانسته بود چهره‌های بسیار تأثیرگذاری را جذب کند و حالا آن مقایسه کنید با جشنواره‌های خودمان! انگار عادت کرده‌ایم هر بار چرخ را دوباره اختراع کنیم. هر سال یک شورای سیاست‌گذاری جدید، معرفی می‌کنیم و این کار اشتباه است. باید یک اتاق فکر دائم داشته باشیم. باید ضرورت‌های فرهنگی را از هنرمندان مستقل نه از هنرمندان وابسته که مجبور هستند به خاطر خوشایند مدیران هر حرفی را بزنند، دریافت کنیم. ما یک چیزهایی را فراموش کرده‌ایم، آن طرف هم ما را فراموش کرده، ما باید خودمان برای عرضه محصولات فرهنگی لاشی مضاعف کنیم تا توجه آنها را جلب کنیم.

حجازی‌فر در این فیلم نخستین همکاری مشترک با میرسعید مولویان را نیز تجربه کرده است تا هر دو به‌عنوان زوج اصلی روایت بار اصلی «ناتورِدشت» را به دوش بکشند. در کنار ماجرای گم شدن «سیسنا» در کانون روایت فیلم، سلوک شخصیت «احمد» اهمیت ویژه‌ای در نگاه خردمندان داشته که با هنر نمایی هادی حجازی‌فر، به زیبایی در فیلم به تصویر کشیده شده است.



بریده‌هایی از کتاب «کافکا در کرانه» اثر هاروکی موراکامی

قسمتی از وقت فراغتم را صرف بلعیدن کتاب‌های کتابخانه مدرسه می‌کنم.

«کافکا، بیرون چه می‌بینی؟ از پنجره پشت سرش به بیرون نگاه می‌کنم. - درخت‌ها، آسمان و قدری ابر را می‌بینم و چند پرندۀ روی شاخه‌های درخت- هیچ چیز غیر عادی نیست، درست؟- درست است. ولی اگر می‌دانستی فردا صبح دیگر نمیتوانی اینجا را ببینی، همه چیز ناگهان در نظرت جلوه می‌کرد و از شمنند می‌شد، نه؟»

فاطمه‌الزهرا حرب، فعال اجتماعی از غزه:

مادران فلسطینی قهرمان و شهید تربیت می‌کنند

■ محبوبه قربانی

قلیم سرشار از اشتیاق بود. دعو تنامه دور همی و یه‌زای را پذیرفته بودم که قرار بود در یک گردهمایی صمیمی و مادرانه به همت خانه صادری و آکادمی مریم از طریق روایت‌های یر قدرت زنی فلسطینی از غزه مقاوم، تار و پود دل‌های‌مان را به هم گره بزنند. گرد هم آمده بودیم تا بنشینیم، گوش بسپاریم و از کلامش نیرو بگیریم و پیوندهای ناگسستنی‌مان را مهر تأیید بز نیم. فضا آکنده از اشتیاقی مشترک با دیگر میهمانانی بود که بیشترشان همراه فرزندان شان آمده بودند. برای درک روح مادرانی که در سرزمینی تشنه برای آب و گر سسته برای غذا، اما در میان طوفانی از آتش و دود، درختان زیتون حیاط خانه‌شان را نه تنها با اشک‌های شان، بلکه با خون فرزندان شان آبیاری می‌کنند.

■ ■ ■

مشقافانه حاضر شدم تا حکمت و راز تربیت مادرانه آنها را بفهمم که چطور ریشه‌های سرزمین‌شان را با عشق سیراب می‌کنند عشقی که حتی در سخت‌ترین خاک‌ها نیز شکوفا می‌شود و گواهی است بر رنج عمیق و اقتدار استوار و باشکوه‌شان.

بالاخره انتظار با پایان رسید و «فاطمه الزهرا حرب» به میسان جمع میهمانان مدعو قدم گذاشت. محکم و مصمم با چهره‌ای آرام که گویی هیچ اتفاق تلخی نتوانسته اثر خود را بر او بگذارد. این زن فلسطینی، در حالی که داستان تلخ از دست دادن ۲۲ عضو خانواده‌اش را پشت‌سر گذاشته امروز برای روایت تجربه و مقاومت مادران فلسطینی در برابر سال‌ها جنگ و سختی حضور یافته است.

حرب ۳۳ ساله، سال ۱۳۹۹ برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی به ایران آمده بود، اما تنها یک‌سال بعد، با آغاز طوفان الاقصی و شدت گرفتن حملات اسرائیل علیه غزه، زندگی او برای همیشه تغییر کرد. در یکی از حملات هوایی، ۱۴ عضو خانواده‌اش شهید شدند و پدرش نیز پس از آن حادثه، به بیماری سرطان مبتلا شد. مدتی بعد پدر نه به بهانه مرضی، بلکه با تقدیر شهادت به همراه دیگر اعضای خانواده نیز دعوت حق را لبیک گفته و شهید شد. اینگونه آمار شفیعان فاطمه الزهرا به ۲۲ نفر رسید.

مجری برنامه پس از خوش‌آمدگویی، از فاطمه خواست تا درباره‌ی مادرانی بگوید که سال‌ها فرهنگ ایثار و شهادت را سینه به سینه به بعدی بعدی منتقل کرده‌اند و اینکه فلسطینیان چگونه در این شرایط سخت بر عهد خود باقی مانده‌اند.

حرب با صلابت خاصی سخنانش را آغاز کرد، طوری که ما را یاد بزرگ مرد مقاومت سیدحسین نصرالله، می‌انداخت. «الحمدلله همه خانواده‌ام به شهادت رسیدند و امیدوارم روزی برسد که خودم باقیمانده نسل‌مان نیز به شهادت برسیم و در هجرتی دوباره انتقام مظلومان‌مان را از خونخواران جهان بگیریم. دنیا خیلی کوتاه است و ما می‌رویم برای دنیایی که باقی می‌ماند. خوشا به سعادت کسی که شهادت از این دنیا عبور می‌کند.»

وی ادامه داد: «۶۰ نفر از اقوام به شهادت رسیده‌اند که از این بین ۲۲ نفرشان از نزدیکانم هستند. برای این اتفاق خدا را شاکرم، چراکه در آن دنیا ۶۰ شفیع دارم که همه‌شان منتظر من هستند. نمی‌خواهم بگویم غمه نمی‌خورم، نبودن و ندیدن‌شان سخت است، اما فکر به شهادت مادران آرام می‌کند. فاطمه با آرامش، اما با ایمان پاسخ گفت: «خدا هر کسی را برای شهادت انتخاب نمی‌کند. هر بار جنگ آغاز می‌شود، مردم فلسطین خوشحال می‌شوند که خدا آنها را انتخاب کرده است. ما برای این دنیا نیستیم، میهمان هستیم. وقتی می‌آییم، به یادگار خاطراتی می‌گذاریم و می‌رویم. عمل خوب همراه خود می‌بریم و امیدواریم عمل‌مان مقبول باشد خدا.»

او افزود: «دلنگی داریم، ولی وقتی فکر می‌کنیم که خدا ما را می‌بیند و به دل‌مان نگاه می‌کند، صبر می‌کنیم و برنده‌ایم. داستان ما مانند اسماعیل و حضرت ابراهیم است. خدا خواست پسرش را بگیرد، گفت بفرما...خدا می‌خواهد ما را امتحان کند که آیا در راه او قداکاری می‌کنیم؟ ما ثابت کردیم، امیدوارم نسل امروز بفهمد و بداند سرباز امام زمان(عج) است و خودش را برای جهاد مقدس آماده کند. همه می‌دانید که مرزهای زمینی مصر و اردن برای خروج فلسطینیان باز است، اما نمی‌روند، چرا؟! چون ایمان دارند که سرزمین از آن خودشان است و تا شهادت یا پیروزی مقاومت می‌کنند، اما کنار ایمان به خدا این همه ایستادگی، مؤثر از تربیت مادران‌مان است؛ همان نکته‌ای که به آن اشاره شد.»

■ **تربیت مادران غزه با قدرت قرآن و یاد شهدا**
حرب گفت: «مادران فلسطینی در تربیت فرزندان شان، تنها دو چیز را مسلک قرار می‌دهند، قرآن و بازگویی خاطرات شهدا، به ویژه قهرمانی‌های‌شان. از بچگی برای ما تعریف می‌کردند وقتی شهید می‌شوی چه امتیازاتی داری. گاهی می‌پرسیدیم در بهشت غذا هست؟ آنها می‌گفتند بله، بهترین چیزها برای یک شهید است.» او ادامه داد: «در سالی که مردم فلسطین با سنگ به تانک‌های اسرائیلی حمله می‌کردند، عموم شهید شد. ما درم از قهرمانی او حرف می‌زد و می‌گفت: «او یک قهرمان بود و با نشینن نامردی اسرائیلی‌ها شهید شد. با نشینن این خاطرات، هم می‌خواستیم مانند او قهرمان باشیم و هم شهید شویم.

مادران فلسطینی اینگونه فرزندان‌شان را از همان کودکی برای شهادت تربیت می‌کنند، در مساجد هم از مقام شهید و تلاش برای آزادی فلسطین می‌گفتند و می‌گویند. همزمان با

درس خواندن، تعریف شهادت را نیز یاد می‌گرفتیم.» این فعال اجتماعی با تأکید افزود: «همه اینها به برکت نزدیکی با قرآن است. قرآن صبر و فداکاری را در ما تقویت می‌کند. قرآن با ما صحبت می‌کند. انگار می‌گوید: «فاطمه‌زهر!! الان همه را از دست داده‌ای، ولی باید صبور باشی.» ما با قرآن بزرگ شده‌ایم، پس صبر می‌کنیم. نه تنها در مقاومت، بلکه در همه کارها، چه درس دادن به بچه‌ها، چه درست‌کردن غذا و... ما معتقدیم به دنیا نیامده‌ایم برای راحتی. انسان هرچقدر مشکل داشته باشد به خدا نزدیک‌تر است و اگر زندگی راحت باشد، باید شک کند که شاید اشتباهی کرده است. فلسطین ۷۷ سال در جنگ است، ولی آماده‌ایم ۱۰۰ سال دیگر هم این جنگ ادامه داشته باشد. فداکاری می‌کنیم و خون عزیزان‌مان را می‌دهیم، اما کتاب و قدس به دست اسرائیل نمی‌افتد. اگر در این راه و با این آرمان شهید شویم، دیگر تکلیفی نداریم. همانطور که سیدمقاومت گفته بود: اگر ۱۰۰ یار ما را بکشید و زنده کنید، نمی‌گذاریم قدس به دست شما بیفتد.»

او ادامه گفت: «در فلسطین با چشم خودم دیدم او کودکی در آغوش مادرش شهید شد. خون گرمش بر دستان مادر جاری بود. آن مادر دست‌هایش را رو به آسمان گرفت و با صلابت گفت: خدا یا این قربانی را قبول کن. قسم به خون پاک این شهید، از این سرزمین تکان نمی‌خوریم. یا شهید می‌شویم یا مقدسات‌مان را آزاد می‌کنیم.»

افراد ما هنوز در مرزها هستند. غزه از یک سو با مصر، از سوی دیگر با دریای و کرانه باختری هم مرز است. ارتباط غزه با جهان تنها از طریق مرزهای زمینی کنترل شده از سوی اسرائیل ممکن است و آنها بر این مسیرها مسلط هستند. از همین مرزهاست که حمله‌های زمینی صورت می‌گیرد و حتی بیمارستان‌ها هم از حملات در امان نمی‌مانند

■ **زیتون خانه‌ها، نماد اصالت و استقامت فلسطینیان**
در ادامه صحبت‌های خانم رحب، مجری به کتاب خار و میخک اثر یحیی السنوار اشاره کرد. کتابی که درباره زندگی و نمادهای فلسطینی‌ها نوشته شده است. در آن کتاب آمده بود: در حیاط هر خانه فلسطینی، درخت زیتون کاشته می‌شود و پدران و مادران خانواده تأکید دارند فرزندان‌شان حتماً از عماره و میوه این درخت بخورند. آنها باور دارند اگر همه اعضای خانه شهید شوند، آن درخت همچنان جوانه خواهد زد و نسل بعدی از میوه آن بهره‌مند خواهد شد.

خانم حرب با تأیید این روایت گفت: «از زمان حضرت آدم این درخت زیتون در خانه‌های فلسطین بوده و به نوعی نماد وجود و اصالت ماست. شاید به همین خاطر است که اگر خانه‌ای تخریب شود، درخت آن خانه همچنان پابرجا می‌ماند.» او ادامه داد: «در فصل جمع‌آوری میوه زیتون که یکی از بهترین روزهای ماست، همراه خانواده زیر درخت می‌نشینیم و پارچهای زیر آن پهن می‌کنیم، با چوب‌بزرگ درخت را می‌زیم و زیتون‌ها روی پارچه جمع می‌شوند. زیتون‌های سیاه و سبز را جدا می‌کنیم و مادر با آنها یک سینی مانند سینی افطار درست می‌کند به همراه نان و پنیر و غذای مخصوص‌مان که با روغن خورده می‌شود. دور هم می‌نشینیم و از آن میوه می‌خوریم. این یعنی اینجا دور هم ماست و درختش باید پابرجا بماند، یعنی ما برای استقامت تو چراغ راه است، ما به راه تو افتخار می‌کنیم. ما فلسطینی‌ها آماده‌ایم شهید شویم، به‌او گفتم تکران نباش مادر، من درسم را می‌خوانم و برمی‌گردم.»

■ **درس صبر و استقامت از مادر**
فاطمه الزهرا با لحنی آرام اما استوار از آخرین گفت‌وگو با مادرش گفت وگویی که تنها یک هفته پیش از شهادت مادر رخ داده بود: «خبر رسید خالام شهید شده است. فکر کردم ما درم حتماً دل شکسته است و باید با او تماس بگیرم تا دل‌داری‌اش بدهم. زنگ زدم و گفتم مادر ناراحت نباش، گریه نکن، اما او با صدایی محکم پاسخ داد: دخترم، می‌گوئی ناراحت نباش و گریه نکن؟ گریه برای چه؟! من گریه نمی‌کنم، مگر گرا نبود شهید شویم، تو باید آماده باشی برای خبرهای سخت‌تر. تو برای جهاد تبیین رفتن‌ای، وظیفه‌ای بر دوش داری و باید آن را درست انجام بدهی، نخواه که گریه ما را ببینی. تو در مأموریت هستی و مرزهاست که حمله‌های زمینی صورت می‌گیرد و مرزهاست که خروج فلسطینیان باز است، اما نمی‌مانند

حرب از روزهای سخت پس از شهادت چندین عضو خانواده گفت: «پدرم بعد از آن همه داغ و دوری به سرطان مبتلا شد. زندگی سختی داشت، هم از درد بیماری و هم از نبود امکانات، وقتی با او تماس گرفتم گفت دعا کن یا بیماری از دنیا نروم. دعا کن من هم شهید شوم از شنیدن این جمله قلیم فشرده شد. به او گفتم پدر، غیر از شما کسی برایم نمانده! ولی او با آرامش پاسخ داد روی این دنیا حساب نکن. تو هم مدت کوتاهی اینجا هستی. آن دنیا همه دوباره کنار هم جمع می‌شویم. خودت را برای آن روز آماده کن. با دیدن این همه مصیبت به فکر شهادت باش و به‌خاطر شهادت مایگو «الحمدلله» فریادی همان روز خبر رسید پدر هم شهید شد. است. همانجا گفتم الحمدلله... ملک خودش را تصرف کرد. جانی که از آن خدا بود را به بهترین شکل برد.»

■ روز حادثه

فاطمه‌الزهر با صدایی غم‌اللود درباره روز حادثه گفت: «در رفح زندگی می‌کردیم. پدر سه خانه ویلایی داشت و عموم دو خانه. وقتی شمال غزه مورد حمله قرار گرفت، پدرم با اقوام و خواهر و برادرهایم تماس گرفت و از آنها خواست به آن منطقه بروند تا در کنار هم باشند. یک هفته بعد، خانه ما مورد موشکباران قرار گرفت. در این حادثه همه عزیزانم از جمله سه برادر هم‌راه با همسران و فرزندان‌شان، دو خواهرم و شوهران و فرزندان‌شان، دایی و عمو و خانواده‌های‌شان به شهادت رسیدند. تنها دو نفر برایم مانده‌اند؛ یکی از آنها خواهرم که جانباز است و یک برادر.»

شب قبل از شهادت خانواده‌ام سر کار بودم. حدود ساعت ۱۱، تماس گرفتم و با آنها صحبت کردم. ما درم خواست گوشش را به شوهرم بدهم. وقتی گوشش را به او دادم گفته بود: «می‌خواهم چیزی بگویم. می‌دانم فاطمه را دوست داری، ولی بیشتر مراقبش باش و حواس‌ت به او باشد. شاید فردا دیگر کسی برایش نمانده باشد!» همان شب خانه‌مان را زدند و فردای آن روز دیدم عموم، خبر شهادت چند نفر از خانواده‌ام را پیامک کرده است. بعد دیدم جایی نوشته‌اند: «خانواده دکتر حرب همگی از خوداדם بودند، پشت‌سر هم نوشته شده بود!

■ **وقتی عزت و اخلاق، گرسنگی را شکست می‌دهد**
مردم فلسطین هر روز در حال تلاش برای زنده ماندن هستند، مثل کسی که در یک فیلم اکشن بی‌وقفه، پشت سر هم دنبال راهی برای بقا می‌دود. اوضاع آنجا سخت و درنگ‌ان است. شاید فکر کنید مردم دنبال غذا هستند، اما واقعیت این است که آنها برای بقا می‌جنگند. این فعال اجتماعی با اشاره به این مطالب گفت: «در غزه، نان امروز حال و هوای دیگری دارد. چندین تریلی از اسرائیل آمدند. پول، غذا و مواد بهداشتی آوردند... اما برای چه؟ برای اینکه مردم از فرط گرسنگی و ناامیدی به جان همین کمک‌ها بیفتند. با این حال، افرادی هم بودند که دل به خوردن چنین نان‌هایی نمی‌دادند. یکی از آنها خواهر همسایه ما بود. بچه‌هایش تقریباً دو ماه بود چیزی نخورده بودند. سن بچه‌ها ۹ ماهه، دو ساله و پنج ساله بود.

شهید می‌شویم یا مقدسات‌مان را آزاد می‌کنیم.»





ماتادورها جام جهانی را تحریم می کنند

صهیونیست ها باشند اسپانیا نیست

موج انزجار جهانی از نسل کشی و نژاد پرستی رژیم صهیونیستی روز به روز در حال گسترش است تا جایی که امروز کمتر نقطه‌ای در جهان را می‌توان پیدا کرد که نسبت به این همه ددمتشی ساکت مانده باشد. ورزش جهان نیز از این قاعده مستثنا نیست.اگر تا چند وقت پیش موج اعتراض به صهیونیست‌های کودک‌کش تنها به اعتراض تماشاگران در ورزشگاه‌ها محدود می‌شد، حالا پای مسئولان ورزش و دولت‌مدان اروپایی هم به میان آمده تا یک‌اجماع جهانی برای بیرون راندن صهیونیست‌ها از مسابقات ورزشی در حال شکل‌گیری باشد. آخرین اعتراض ورزشی صورت گرفته مربوط به مسابقات دوچرخه‌سواری «وولنتا» در اسپانیاست. مسابقاتی که با اعتراض مردم اسپانیا متوقف شد. پس از وقوع این در گیری، مرحله نهایی مسابقات دوچرخه‌سواری وولنتا اسپانیا متوقف شد. معترضان از حضور تیم صهیونیست‌ها در کشورشان به دلیل ادامه جنایت‌های اشغالگران علیه مردم فلسطین خشمگین بودند و خواستار لغو این مسابقات شدند. تصاویر پخش شده در شبکه تلویزیونی محلی RTVE نشان می‌دهد معترضان موانع فلزی را کنار زدند و در چندین نقطه مسیره مسابقه حضور یافتند. آنها سپس علیه جنایت‌های اشغالگران صهیونیست شعارهایی سر دادند. با پیش‌بینی تظاهرات گسترده، بیش از یک‌هزار افسر پلیس هم‌زمان با رسیدن دوچرخه‌سواران به مرحله نهایی مسابقه ۲۱ روزه در مادرید، مستقر شده بودند. گفته شده بود که ۱۰۰ هزار شهروند اسپانیایی در این تظاهرات شرکت داشتند که پلیس اسپانیا تلاش کرد تا توسل به زور آنها را متفرق کند،اما موفق به کنترل خشم تظاهر کنندگان حلی می‌مرد مظلوم فلسطین نشد.

در همین راستا، «بولاندا دیاز»، معاون نخست‌وزیر اسپانیا حمایت صریح خود از تظاهرات شهروندان اسپانیایی در حمایت از مردم فلسطین را که منجر به لغو مرحله نهایی مسابقه دوچرخه‌سواری مادرید شد، ابراز کرد و گفت: «جامعه اسپانیا عادی‌سازی نسل‌کشی در غزه را در قالب دیودادهای ورزشی و فرهنگی رد می‌کند و اسرائیل نباید اجازه شرکت در هیچ رویدادی را داشته باشد.»

اما این پایان کار نبود و حالا خبر می‌رسد که اسپانیا اعلام کرده در صورت حضور تیم رژیم صهیونیستی در جام جهانی ۲۰۲۶ اسپانیا احتمالاً از این مسابقات کناره‌گیری کند. به گزارش شبکه المیادین، دولت اسپانیا اعلام کرد تیم ملی فوتبال این کشور در صورتی که تیم ملی اسرائیل موفق به کسب سهمیه حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ شود، ممکن است از حضور در مرحله نهایی این رقابت‌ها انصراف دهد.

فوتبال اروپا



جلسی هم از قرمزها امتیاز می‌خواهد

تلاش منچستر بحران زده برای حفظ آموریم

منچستر یونایتد برای فرار از تشدید بحران باید چلسی را شکست دهد، در غیر این صورت سرمربی پرتغالی بیش از پیش به درهای خروجی باشگاه نزدیک می‌شود. تقابل من یونایتد با ای‌بی‌ا الندن در هفته پنجم لیگ بر تر تا حدود زیادی می‌تواند سرنوشت بقا یا اخراج روبن آموریم از روی نیمکت را مشخص کند. باخت به آرسنال، توقف برابر فولام و حذف از جام اتحادیه، آن هم به دست تیم ناشناخته گر بمبسی شرایط سختی را برای قرمزها در هفته‌های نخست فصل رقم زد، تا جایی که برد سخت برابر برنلی نیز تأثیری در روحیه وانگیژه تیم ایجاد نکرد. شکست سنگین ۳ بر صفر در دربی منچستر اردوگاه یونایتد را با بحران جدی‌تر مواجه ساخت و درحالی‌که هسه منظر بر کناری سرمربی هستند، رتکلیف، مالک باشگاه همچنان از آموریم حمایت می‌کند. اما راقام‌نشان می‌دهد که آموریم از وقتی جایگزین تیر‌هاگ روی نیمکت شده(نوامبر ۲۰۲۴) از ۳۱ بازی لیگ جزیره فقط هشت پیروزی کسب کرده‌است!حالا هم از چهار بازی در این فصل دو باخت، یک تساوی و یک برد به دست آورده است. با این‌حال کار شناسان و پیش‌گسوتان باشگاه معتقدند مربی پرتغالی هرچه زودتر باید بر کنار شود. یکی از انتقادهای اصلی آنها هزینه ۲۰۰ میلیون پوندی منچستر در نقل و اتقالات تابستانی است که عملاً هیچ سودی نداشته است. سقوط به رده چهاردهم در پایان هفته چهارم، آن هم با پنج امتیاز نوبد روزهای سخت‌تری را به قرمزها می‌دهد. با اینکه نام گرت ساوت‌گیت، مارکو سیسلوا و پوچettino به‌عنوان گزینه‌های اصلی جانشینی آموریم مطرح شده، اما باشگاه دست از حمایت سرمربی فعلی برنمی‌دارد. در آن سوی میدان چلسی اوضاع بهتری دارد و به نظر می‌رسد شرایط آنزو مارسکا به راحتی می‌توانند دست بر اولدر ترفورد را ترک کنند. تیم لندننی شروع خوبی در جزیره داشته و با کسب سه برد و یک تساوی پنجم جدول رده‌بندی است. با این‌حال باخت به بایرن مونیخ هواداران را خیلی زود ناامید کرد. جلسی بعد از دو فصل غیبت به لیگ قهرمانان بازگشته و ۳ بر یک مغلوب تیم آلمانی شد. گرفتن هر سه امتیاز این بازی جان دوباره به چلسی می‌دهد. مارسکا، سرمربی ایتالیایی در خصوص رویارویی با منچستر یونایتد گفت: «فکر می‌کنم همیشه بازی در زمین منچستر یونایتد دشوار است. در هر شرایطی بازی مقابل آنها سخت است. برخی از بازی‌هایی که آنها این فصل انجام داده‌اند، بازتاب واقعی کیفیت‌شان نبوده‌است، حتی بازی مقابل سیتی. این دیدار قطعاً سخت است. منچستر میل زیادی به پیروزی در این بازی دارد. وقتی در شرایط سختی قرار دارید، انگیزه زیادی برای برد در بازی بعدی وجود دارد،ه مقابل چلسی، در خانه و جلوی هواداران شان، همه این موارد دلایلی است که این بازی برایشان مهم است.»

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷

روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۳

سرویس ورزشی ۶۰۰۸۸۵۲۳



آبروداری برنامه‌دارها هفت‌تایی میلیاردرها

ادامه از صفحه اول

این روزها حالمان

با کشتی والیبال

خوب است. این

روزها افتخار می‌کنیم به داشتن تیم ملی کشتی آزاد، به خودمسان می‌بالیم به خاطر تیم ملی کشتی فرنگی و سرمان را بالا می‌گیریم بابت افتخار آفرینی‌های تیم ملی والیبال، ولی خیلی خب چه باید کرد وقتی فوتبالی هم داریم که جز شکست و سرافکندگی چیزی عایدمان نمی‌کند.

امروز دیگر این نه حرف ما به عنوان رسانه که یک مطالبه عمومی است.امروز مردم و علاقه‌مندان به ورزش بادین این همه تفاوت یکصدمی خواهند پولی که صرف فوتبال برای باختن می‌شود را به ورزش‌های دیگر داد. کجای دنیا را اسراع دارد که برای باختن و تحقیر شدن میلیاردها میلیارد خرج کنند و از رو هم نروند. کجای دنیا را اسراع دارد که از بیت‌المال و جیب مردم بخورند و هیچ دستاوردی هم نداشته باشند و هر روز گستاخ‌تر و افسار گسیخته‌تر از قبل شوند.

کشتی ایران در حالی قهرمان جهان می‌شود که نسبت خرج و مخارج آن با فوتبال اصلاً قابل مقایسه نیست، اما این کشتی با داشتن مدیریت درست و برنامه‌ریزی درست‌تر ابتدا زیر ساخت‌های خود را تقویت کرد و اینقدر با همین روند جلو رفت که امروز می‌بینیم چگونه موفقیت را در آغوش می‌گیرد.

ماجرای فوتبال اما برعکس است، رشته‌ای که حق بقیه رشته‌های مدال آور و افتخار آفرین را

می‌بلعد و هیچ ثمری برای ورزش ایران ندارد.

نمونه‌اش را همین چهارشنبه شب دیدم،

چهارشنبه شی که خوشحال بودیم از قهرمانی

تیم کشتی آزاد، ششی که منظر درخشش والیبال و کشتی فرنگی نشسته بودیم، اما فوتبال با استقلالش تحقیرمان کرد، آن هم کجا. لیگ دسته دوم آسیا! آن هم توسط تیمی که میلیاردها تومان از پول بیت‌المال را خرج کرد. تیمی که مدیر عاملش عنوان کرد ما کار خودمان را کردیم و حالا نوبت مربی و بازیکنان است، ولی نمی‌دانست که کار کردن فقط پول خرج کردن نیست، آن هم پول بیت‌المال.

استقلال ثابت کرد که اگر پول داشته باشی، اما

مدیریت نداشته باشی به هیچ جا نمی‌رسی.

بنابر آنچه شنیده می‌شود هلدینگ خلیج فارس

میلیاردها میلیارد تومان از پول مردم ایران را

برای استقلال خرج کرده است تا مثلاً تیمی

کهکشانی بسازد، اما چهارشنبه شب گذشته

۷ بر یک به الوصل امارات باخت تحقیرمان کرد

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا

ندارد. کشتی مال مرد است، بروید و برای اردوی

ارزشمند است.

کشتی از حالا خود را برای آینده آماده می‌کند.

به حرف‌های علیرضا دبیر بعد از قهرمانی

آزادکاران و زمان بازگشت آنها به ایران دقت

کنید: «کارمان اینجا تمام شد. خستگی معنا



شهادت مأمور پلیس در زیرگیری راننده ۱۸ ساله

معاون فرهنگی و اجتماعی مازندران از شهادت مأمور وظیفه شناس پلیس راه استان مازندران در سانحه رانندگی در محور کیاسر خبر داد.

سرهنگ مسعود تقدیسی گفت: ساعت ۱۵ روز پنج‌شنبه، مأموران پلیس‌راه کیاسر - سمنان در محور کمربندی کیاسر در حال انجام وظیفه بودند که به یک دستگاه خودروی متخلف پژو ۴۰۵ به علت سرعت و سبقت غیرمجاز دستور ایست دادند. وی ادامه داد: راننده متخلف بدون توجه به دستور ایست پلیس به صورت جنون آمیزی به سمت مأموران وظیفه‌شناس پلیس‌راه حمله‌ور شد و با یکی از مأموران به شدت برخورد کرد که سروان «علی حسن‌نژاد»، مأمور پلیس‌راه به علت شدت جراحات وارده به شهادت رسید.

سرهنگ تقدیسی گفت: خودروی متخلف پس از این حادثه از صحنه متواری و به سمت جاده سمنان حرکت کرد که با هوشیاری مأموران پاسگاه انتظامی تلمادره، خودرو توقیف و راننده و سرنشین خودرو که دو نوجوان ۱۸ساله بودند، بازداشت شدند.

مأمور وظیفه‌شناس سروان حسن‌نژاد، یک دختر هشت ساله دارد.



قاتل پزشک یاسوجی

در ملأ عام

قصاص می‌شود

قاتل پزشک یاسوجی که از یک سال قبل در بازداشت به سر می‌برد، در ملأ عام قصاص می‌شود. سیدوحید موسویان، دادستان یاسوج گفت که حکم قصاص قاتل دادوی، پزشک و متخصص قلب ۵۱ ساله در دیوان عالی کشور تأیید و این حکم در ملأ عام اجرا خواهد شد. وی ادامه داد: به محض وصول پرونده به اجرای احکام کیفری و درخواست اولیای دم، حکم اجرا خواهد شد.

دکتر مسعود دادوی، پزشک و جراح قلب شامگاه ۲۱ آبان‌ماه ۱۴۰۳ در خیابان رجایی یاسوج و در مسیر بازگشت به منزل با شلیک گلوله به قتل رسید. بررسی اولیه محل نشان داد که وی بر اثر اصابت گلوله و ضربات چاقو جان خود را از دست داده‌است. تحقیقات مقدماتی نشان داد عامل جنایت، برادر یکی از بیماران دکتر دادوی‌است.

این فرد مدتی پیش به دلیل مشکلات قلبی تحت نظر پزشک بود، اما با وجود تلاش‌های درمانی، جان خود را از دست داد. قاتل پس از مرگ برادرش گمان می‌کرد دکتر دادوی در این حادثه مقصر است و به همین دلیل نقشه قتل او را کشیده بود. در ادامه، کار آگاهان پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری قاتل آغاز کردند.

ساعتی پس از جنایت، قاتل با انتشار عکسی از خود در اینستاگرام، ضمن افتخار به اقدامی که انجام داده، اعلام کرد پزشک یاسوجی را به قتل رسانده‌است. این اقدام عجیب در حالی انجام شد که متهم هنوز فراری بود و همین شرایط را برای دستگیری او حساس‌تر می‌کرد.

با ادامه تحقیقات و بررسی دقیق مخفیگاه‌های احتمالی، مأموران سرانجام محل افسدای قاتل را شناسایی و او را دستگیر کردند.

■ غلامرضا مسکنی

سه ماه سرقت سریالی لپ‌تاپ در پایتخت با شگردی عجیب از سوی سارق‌فی حرفه‌ای و سابقه‌دار ادامه داشت تا اینکه مأموران با طراحی نقشه‌ای مشابه، سارق را در دام انداختند. سارق مردی با ظاهری شیک و عنوان جعلی مدیر شرکت، ۵۰ فروشنده را فریب داده بود.

چندی قبل مردی سراسیمه وارد اداره پلیس تهران شد و از سرقت لپ‌تاپ گرانقیمتش خبر داد. او در اظهاراتش گفت: «برای رفع مشکل مالی تصمیم گرفتم لپ‌تاپم را که حدود ۱۰۰ میلیون تومان ارزش داشت، بفروشم. در فضای مجازی آگهی گذاشتم و چند نفر تماس گرفتند. یکی از مشتریان قیمت بالاتری داد و مرا وسوسه کرد، اما فکر نمی‌کردم دامی برایم پهن کرده‌است. خودش را مدیر یک شرکت بیمه معرفی کرد و آدرس محل کارش را داد.

ساختمان هم تابلو بیمه داشت. بعد از وارد شدن، مرا به اتاقی برد، رمز لپ‌تاپ را گرفت و گفت همکاری فنی‌اش آن را بررسی می‌کند، اما از اتاق خارج شد و دیگر برنگشت. دقایقی منتظرش ماندم، ولی فایده‌ای نداشت. وقتی نگران شدم و به دنبال او گشتم، فهمیدم مدیر شرکت فرد دیگری است و این شخص تنها یک روز به عنوان کارگر خدماتی آنجا مشغول بوده

گفت‌وگو با متهم

بهداد سابقه‌داری؟

بله، سال ۹۶ به جرم سرقت و کلاهبرداری بازداشت شدم، اما با وثیقه آزاد شدم و دیگر برنگشتم و فراری شدم. چند سال در شهرهای دیگر با هویت جعلی زندگی کردم. سعی کردم از این شهر به آن شهر بروم تا پلیس رد مرا به دست نیابد.

چرا این مسیر را انتخاب کردی؟

کارم خوب بود، نصب دوربین بی‌مدارسته انجام می‌دادم و درآمدم بد نبود، ولی قانع نبودم. همیشه می‌خواستم زود پولدار شوم و راه صد ساله را یک‌شبه بروم. فکر می‌کردم فردی مثل من که

دزد هزار چهره

به دام پلیس افتاد

که تازه فهمیدم چه دام ماهرانه‌ای برایم پهن شده‌است.»

پرونده‌ای پر از شاکی

با طرح این شکایت، تیمی از مأموران پلیس به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت وارد عمل شدند. همزمان شکایت‌های مشابهی به دست آنها رسید که نشان می‌داد سارق با همین شگرد از چند فروشنده لپ‌تاپ سرقت کرده‌است. بررسی‌ها نشان داد او تمام طعمه‌هایش را از میان آگهی‌های فروش لپ‌تاپ در فضای مجازی انتخاب و خود را مدیر شرکت معرفی می‌کرده و با سوءاستفاده از یک روز کار آزمایشی در شرکت‌ها، نقشه‌اش را عملی می‌کرد.

متهم سابقه‌دار

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان سارق لپ‌تاپ‌ها اضافه می‌شد، بررسی دوربین‌های مداربسته به شناسایی چهره متهم منجر شد. شاکیان نیز تصویر به دست آمده را شناسایی کردند. پلیس دریافت وی همان سارق سابقه‌داری است که در سال ۹۶ به جرم سرقت بازداشت و با وثیقه آزاد، اما فراری شده بود. مأموران در ادامه ردی از متهم به دست نیاوردند، اما با ترفندی خاص، آگهی‌های صوری فروش لپ‌تاپ منتشر کردند و در یک قرار ساختگی، متهم را هنگام خرید به دام انداختند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس به

پنج سرقت لپ‌تاپ اعتراف کرد.

سرهنگ کیانوش نظری، سرکلانتر سوم پلیس پیشگیری پایتخت در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: «این متهم از مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار است که از سال‌ها قبل تحت تعقیب است. او به صورت غیابی به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود و اکنون با تلاش مأموران به دام افتاد. تحقیقات از متهم برای شناسایی دیگر شاکیان و احتمال سرقت‌های مشابه ادامه دارد.»

من لباس شیک می‌پوشیدم، حتی صورتم را بوتاکس و لیفت می‌کردم تا ظاهرم شبیه مدیر شرکت‌ها باشد. طعمه‌هایم را از فضای مجازی انتخاب می‌کردم و قیمت بالا می‌دادم تا اعتمادشان جلب شود. قبل از قرار به شرکت‌های مختلف می‌رفتم و برای کار خدماتی ثبت‌نام می‌کردم. درست در همان روز اول که به صورت آزمایشی شروع به کار می‌کردم با طعمه در همان محل قرار می‌گذاشتم، فروشنده راه‌اتاق می‌پردم و به بهانه بررسی فنی با لپ‌تاپ فرار می‌کردم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه، به این زودی فکر می‌کردم پلیس نمی‌تواند به من برسد، چون خیلی حساب شده کار می‌کردم،



سارق شیک پوش

متهم ۵۴ساله که به‌دادنام دارد در بازجویی‌ها گفت که در سرقت‌های خود تلاش کرده باظاهری آراسته و رفتاری اعتمادبرانگیز، فروشندگان را فریب‌دهد. او توضیح داد که همیشه بالباس‌های مرتب در قرارها حاضر می‌شده و حتی برای حفظ ظاهر آراستاش از اقدامات زیبایی استفاده می‌کرده‌است. به گفته‌او، تمام این سرقت‌ها با نقشه‌ای حساب‌شده در کمتر از سه ماه انجام شده‌است، اما در نهایت با هوشیاری مأموران پلیس شناسایی و دستگیر شد.

اما پلیس با همان ترفند خودم مرا گرفتار کرد. لپ‌تاپ‌های سرقتی را چه می‌کردی؟ به یک مغازه‌دار در پاساژ می‌فروختم. او خبر نداشت لپ‌تاپ‌ها سرقتی است.

چه شد که چنین فکری به ذهنت رسید؟

از کودکی آدم باهوشی بودم و قبل از هر کاری حسلی فکر می‌کردم. تصور این بود که نقشه‌هایم آنقدر دقیق هستند که هیچ‌وقت گرفتار نشوم، اما تصور درست نبود و دستگیر شدم.

حرف آخر؟

پشیمانم. تازه فهمیدم با خلاف کردن به جایی نمی‌رسم.

پلیس و اورژانس خبر دادیم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری قاتل فراری آغاز کردند. مأموران در تلاشند قاتل را بازداشت و زوایای پنهان حادثه را بر ملا کنند.

کردند. او متلک گفت و همین باعث مشاجره آن دو شد. چند دقیقه بعد همه چیز با میانجیگری تمام شد، اما مقتول دقایقی بعد با دوستانش بر گشت تا با او حساب‌کشی کند. درگیری دوباره شکل گرفت و ناگهان قاتل چاقو را بیرون کشید و یک ضربه به سینه مقتول زد. همه شوکه شده‌بودیم، مقتول به زمین افتاد و قاتل فرار کرد. بلافاصله حادثه را به

رئیس کل دادگستری مازندران از پایان محاکمه قاتل

سریالی ۱۱مرد مازندرانی خبر داد و اعلام کرد حکم پرونده به‌زودی صادر و به اولیای دم ابلاغ خواهد شد.

عباس پوریانی با اشاره به برگزاری دادگاه «کلوم اکبری» گفت: پرونده با ۷۳ شاکی طی کمتر از یک ماه توسط قضات استان رسیدگی شد. متهم در جلسه نهایی، آخرین دفاعیات

خود را ارائه و به بزه‌های موصوف و قتل‌ها اقرار کرد. وی افزود: متهم ضمن اظهار ندامت و پشیمانی، در جلسه دادرسی اعلام توبه کرد.

پرونده قتل‌های زنجیره‌ای از شهریور ۱۴۰۲ آغاز شد و با تحقیقات قضایی، کلوم اکبری به مباشرت در ۱۱ قتل عمدی و یک اقدام نافرجام به قتل اعتراف کرد.

پایان محاکمه قاتل سریالی پیرمردان در مازندران

رئیس کل دادگستری مازندران از پایان محاکمه قاتل سریالی ۱۱مرد مازندرانی خبر داد و اعلام کرد حکم پرونده به‌زودی صادر و به اولیای دم ابلاغ خواهد شد.

عباس پوریانی با اشاره به برگزاری دادگاه «کلوم اکبری» گفت: پرونده با ۷۳ شاکی طی کمتر از یک ماه توسط قضات استان رسیدگی شد. متهم در جلسه نهایی، آخرین دفاعیات



نجات ۱۸ نفر

از آتش‌سوزی ساختمان

مسکونی

سختگوی سازمان آتش‌نشانی تهران اعلام کرد: ۱۸نفر از یک ساختمان پنج طبقه در خیابان موزداران به علت آتش‌سوزی در زیرزمین، نجات یافتند.

جلال ملکی به «جوان» گفت: ساعت ۱۰:۲۰ صبح روز پنج‌شنبه، خبر آتش‌سوزی در یک زیرزمین که به‌عنوان سالن ورزشی و انبار لوازم منزل استفاده می‌شد، اعلام شد و به دنبال آن چهار ایستگاه آتش‌نشانی به محل اعزام شدند و عملیات تخلیه، ایمن‌سازی و اطفای حریق آغاز شد.

وی ادامه داد: در جریان عملیات، ۱۸ نفر شامل ۱۰ مرد و هشت زن به سلامت نجات یافتند و یک مرد گرفتار در آسانسور نیز سریعاً آزاد شد. ملکی تأکید کرد که استفاده از آسانسور در زمان آتش‌سوزی بسیار خطرناک است و زیرزمین‌ها نباید به انبار لوازم قابل اشتعال تبدیل شوند. علت حادثه در دست بررسی است.

اعتراف به قتل پدر و مادر

میانسال

پسر ناخلف که متهم است والدینش را در شهرستان تنکابن با شلیک گلوله به قتل رسانده، بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ بهمدار دیلمی، فرمانده انتظامی شهرستان تنکابن گفت: شامگاه پنج‌شنبه مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش تیراندازی در یکی از محله‌های شهر در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد زوج ۵۵ساله با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و جانانش را از دست داده‌اند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی مشخص شد حادثه خونین از سوی پسر ۳۶ساله خانواده رقم خورده‌است که متهم تحت تعقیب قرار گرفت و ساعتی بعد بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت به‌خاطر اختلافی که با والدینش داشته، کنترل رفتارش را از دست داده و حادثه را رقم زده‌است.

بازداشت سارقان

موتورسوار با شلیک پلیس

سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری دو سارق سابقه‌دار با شلیک پلیس خبر داد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ داود زندی گفت: مأموران کلانتری ۱۲۲ دربنده هنگام گشت‌زنی به یک دستگاه موتورسیکات که راکب و ترک‌نشین آن در حال زاغ‌زنی بودند، مشکوک شدند.

وی افزود: دو موتورسوار با مشاهده پلیس قصد فرار داشتند، اما پس از تعقیب و گریز، مأموران موفق شدند با شلیک گلوله موتورسیکات را متوقف و دو متهم را بازداشت کنند. سرهنگ زندی ادامه داد: بررسی‌های اولیه نشان دشان متهمان از مجرمان سابقه‌دار هستند که در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند. تحقیقات از آنها جریان دارد.

مادر و دختر نیشابوری

غرق شدند

رئیس سازمان آتش‌نشانی نیشابور از غرق شدن مادر و دختر خردسالش در استخر آب کشاورزی خبر داد.

ابوالفضل اسدی گفت: غرق شدن مادر و دختر در استخر کشاورزی ساعت ۱۷ پنج‌شنبه حوالی روستای «مای» اتفاق افتاد. پس از تماس با سامانه ۱۲۵ مبنی بر غرق شدن زن ۳۵ساله و دختر هفت ساله، دو گروه از نجاتگران و غواصان ایستگاه شهید صدیقی و ایستگاه شماره ۶ به محل اعزام شدند. وی افزود: ظاهراً مادر و دختر هنگام تردد در نزدیکی استخر به دلایل نامعلوم به داخل آب افتاده و جان خود را از دست داده‌اند. غواصان پس از رسیدن به محل، جسد هر دو را از استخر خارج کردند.

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الدول ۱۴۴۷

گزارش یک حامد خیبری

توافق قاهره میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امیدها را برای کاهش تنش‌ها بالا برده بود، ولی تماس تلفنی روز پنج‌شنبه عباس عراقچی با وزیران خارجه سه دولت اروپایی نشان داد که ترونیکا، شمشیر را از رو برای تهران بسته است و حتی در مقابل طرح جدید پیشنهادهی ایران که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه آن را «معقول» خواند، حاضر نیست از چکاندن ماشه تحریم‌ها چشم‌پوشد.
عصر دیروز، قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برای ادامه لغو تحریم‌های ایران با مخالفت اروپا، امریکا و متحدان‌شان رأی نیاورد تا روند بازگشت تحریم‌های ایران به جریان بیفتد.

■ ■ ■

پیش‌نویس قطعنامه‌ای که ادامه رفع تحریم‌های ایران را تضمین می‌کند، عصر دیروز در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب نرسید و به این ترتیب، روند بازگشت تحریم‌های ایران کلید خورد. قطعنامه تداوم لغو تحریم‌های ایران را، ظاهراً کسره جنوبی به عنوان رئیس دوره‌ای شورای امنیت ارائه کرده بود ولی امریکا، فرانسه، انگلیس، سیرالئون، اسلونی، دانمارک، یونان، پاناما و سومالی (۹ عضو شورای امنیت) به آن رأی منفی دادند. خود کره جنوبی به عنوان رئیس دوره‌ای شورای امنیت به همراه گویان، به قطعنامه رأی منتقد دادند و در مقابل، چین، روسیه، پاکستان و الجزایر به این قطعنامه رأی منفی دادند. یکن و مسکوشب گذشته در نشست شورای امنیت در یک‌موضع گیری منحصر به فرد گفتند که «مکانیسم ماشه علیه ایران را به رسمیت نخواهند شناسخت»، موضعی که البته در نامه دو هفته قبل آنها به شورای امنیت سازمان ملل نیز بیان شده بود.
نماینده ایران در شورای امنیت سازمان ملل نیز در نشست دیروز با تأکید بر اینکه «تحریم‌های سازمان ملل غیرقانونی است»، گفت: «سه کشور اروپایی مسئول تشدید تنش هستند که خود آغاز آن بوده‌اند و بحران ناشی از آن را به دوش می‌کشند».

■ پشت کردن به طرح «معقول»؟

قطعنامه تداوم لغو تحریم‌های ایران، دیروز در شرایطی در شورای امنیت رأی نیاورد که ایران ۱۰ رز قبل، با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ازرسرگیری همکاری‌ها به توافق رسیده بود و اجرای این توافق را به تأیید بر اینکه «سه کشور اروپایی مسئول تشدید تنش هستند که خود آغاز آن بوده‌اند و بحران ناشی از آن را به دوش می‌کشند».

عراقچی، وزیر امور خارجه روز پنج‌شنبه در تماس تلفنی با وزیران خارجه سه دولت اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) با ارائه طرح جدید کوشید آنها را از دنبال کردن فرایند اجرای اسنپیک منصرف کند. عراقچی پنج‌شنبه شب ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «از جانب جمهوری اسلامی ایران، روز گذشته طرحی معقول و قابل‌اجرا به همتایان اروپایی ارائه دادم تا از وقوع بحرانی غیرضروری و قابل‌اجتناب در روزهای آینده جلوگیری شود.» او نوشت که به‌جای آنکه به محتوای این طرح پرداخته شود، ایران اکنون با مجموعه‌ای از بهانه‌ها و طفره‌روی‌های آشکار مواجه است، از جمله ادعای مضحکی مبنی بر اینکه وزارت امور خارجه نماینده تمام ساختار سیاسی کشور نیست.

در روزهای آینده جلوگیری شود.» او نوشت که به‌جای آنکه به محتوای این طرح پرداخته شود، ایران اکنون با مجموعه‌ای از بهانه‌ها و طفره‌روی‌های آشکار مواجه است، از جمله ادعای مضحکی مبنی بر اینکه وزارت امور خارجه نماینده تمام ساختار سیاسی کشور نیست. رسانه‌ها از قول امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، نقل کرده‌اند که «عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران تلاش کرد پیشنهادی معقول برای رسیدن به توافق با قدرت‌های اروپایی ارائه دهد، اما از سوی دیگر بخش‌های حکومت ایران حمایتی دریافت نکرد.» عراقچی در پست خود نوشته است: «خوشحالم رئیس‌جمهور ماکرون

پرواالملل

سروربین‌الملل ۸۵۳۳۰۶۰۹

قطعنامه تداوم لغو تحریم‌ها در شورای امنیت رد شد

کاسبان اروپایی تحریم ایران

اروپا که زمانی با شرکت‌های توتال، ایرباس، رنو و زیمنس برنامه‌های جدی برای ورود به بازار ایران داشت، حالا از اعمال مجدد تحریم‌های ایران سود می‌برد



ادعان کرده است که طرح پیشنهادی که ارائه داده‌ام معقول است. اما او و جامعه جهانی باید بدانند که من از حمایت کامل تمامی ارکان جمهوری اسلامی ایران، از جمله شورای عالی امنیت ملی کشور، برخوردارم.» وزیر خارجه ایران نوشته که «شاید هم واقعیت آن باشد که در حقیقت این دستگاه دیپلماسی اروپا است که بیرون گود قرار دارد.»

عراقچی نکته‌ته طرحی که به طرف‌های اروپایی ارائه کرده چیست ولی لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت ژورنال بیرونی‌فاش کرد که طرحی که ماکرون معقول خواند، شامل این موارد بوده است: ایران اقدام به رفیق‌سازی یا نابودی ذخایر ۶۰ درصدی اورانیوم می‌کند. امریکا باید تضمین می‌داد که هیچ حمله‌ای صورت نگیرد، شورای امنیت هم قطعنامه ۲۲۳۱ را لغو کند؛ (یعنی حذف اسنپیک)، بعد از این، مذاکرات هسته‌ای انجام خواهد شد. در حالی که ایران پیش از این در قاهره با آژانس به توافق رسیده، قرائن نشان می‌دهد که اروپاییان اصرار دارند تهران تحریم‌های توتال، ایرباس، رنو و زیمنس برنامه‌های جدی برای ورود

۱۵ جون

شماره ۳-۷۴ | روزنامه جوان

به بازار ایران داشتند و اروپا دنبال یک شریک تازه انرژی بود تا از وابستگی به روسیه کم کنند، چیزی که به نظر می‌رسد طی یک دهه گذشته تغییر کرده است.
تریتا پاریس، رئیس شورای ایرانیان امریکا در رسیپاسبیل استیتزکرفت‌نوشته است: «سه کشور اروپایی امروز شباهت کمی به دو دهه پیش دارند. وقتی این سازمان در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد، هدفش جلوگیری از آغاز جنگ دیگری توسط دولت بود – که تازه از حمله فاجعه‌بار و غیرقانونی خود به عراق برگشته بود – این بار علیه ایران بود.» او می‌گوید: «امروز، زمینه‌زنوپلیتیکی تغییر کرده است. اتحاد ایران با روسیه در اوکراین، آن را به عنوان یک تهدید مستقیم در نظر اروپا مطرح کرده است. اتحادیه اروپا همچنین نسبت به ۲۰ سال پیش، بسیار بیشتر به روابط فراآتلانتیک وابسته است، در حالی که دوره‌های متوالی تحریم‌ها، ایران را به یک شریک اقتصادی ناچیز برای اروپا تبدیل کرده است.» به گفته پاریس، تشدید تنش با ایران از طریق مکانیسم ماشه اکنون دو هدف اتحادیه اروپا را برآورده می‌کند: مجازات تهران به دلیل حمایت از روسیه در اوکراین، و همسو کردن اروپا با عناصر جنگ‌طلب در دولت ترامپ؛ اتحادیه که برای کاهش تنش‌ها در سایر حوزه‌های روابط فراآتلانتیک تحت فشاری سابقه‌ای طراحی شده است. او می‌گوید: «از این نظر، سه کشور اروپایی که در سال ۲۰۰۲ برای جلوگیری از جنگ طراحی شد، ممکن است در سال ۲۰۲۵ ما به یک جنگ نزدیک‌تر کنند.» این همان نکته‌ای است که سفیر فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل متحد دیروز بدون اشاره به این استدلال که اروپا از بازگشت تحریم‌ها سود می‌برد، بیان کرد. او گفت: «برای فرانسه شرایط امروز دیگر همان شرایطی نیست که در سال ۲۰۱۵ هنگام تصویب تدابیر شورای امنیت درباره ایران وجود داشت.»

ایران فرانسواداده: «از سال ۲۰۱۹، ایران تصمیم گرفت است‌فعالیت‌هایش را در ارتباط بابرجام گسترش دهد و در برنامه هسته‌ای خود گام‌های تازه‌ای بردارد. این وضعیت، که بارها در گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اعلام شده، تهدید دیگری برافزگفته، بحرانی را در ارتباط با تدابیر مصوب شورای امنیت در سال ۲۰۱۵ ایجاد کرده است.» تیری کویل، پژوهشگر اندیشکده فرانسوی IRIS، به مدیالین در استدلالی در همین راستا، معتقد است که اروپا در رویکرد خود نسبت به ایران «یک چرخش خودش را در دیپلماسی نشان بدهد. از طرف دیگر، نوعی چرخش در رویکرد اروپا در قبال ایران به چشم می‌خورد. اروپاییان در دوره ۲۰۱۵ از لغو تحریم‌های ایران سود می‌بردند و شرکتهای بزرگ اروپایی مثل توتال، ایرباس، رنو و زیمنس برنامه‌های جدی برای ورود

وعده اتمی پاکستان به عربستان



کلیدی جهان اسلام تثبیت می‌کند. با این حال تردیدها درباره موفقیت عملی این گونه توافقات زیاد است. تجربه تاریخی نشان داده که بسیاری از توافقات دفاعی در منطقه صرفاً فرای کاغذ باقی مانده و تحقق عملی آنها با پیش‌بینی مورد تأیید ایران و تضمین‌های آنها به توافق دفاعی ما با عربستان ملحق شوند، زود است اما می‌توانم بگویم که درها برای توافق دفاعی پاکستان با سایر کشورها باز است.»

■ هشدار برای اسرائیل

این اتفاق در زمانی صورت می‌گیرد که کشورهای عربی خلیج فارس به‌طور فرآیندهای نگران‌تضمین‌های امنیتی امریکا هستند. با این توافق، عربستان زیر چتر اتمی پاکستان قرار می‌گیرد که تنها دارنده سلاح هسته‌ای در جهان اسلام به‌شمار می‌رود. روابط عربستان و پاکستان در دو دهه گذشته همواره شامل گفت‌وگوهای مستمر در زمینه توافقات دفاعی و حتی همکاری‌های هسته‌ای بوده است اما این مذاکرات به دلیل شرایط امنیتی منطقه عمدتاً در حد طرح و برنامه باقی مانده بودند. اکنون با تشدید تهدیدات رژیم صهیونیستی و تحولات ناگوار منطقه‌ای این گفت‌وگوها وارد مرحله اجرا شده و به توافقی رسمی تبدیل شده‌اند که می‌تواند نقطه عطفی در همکاری‌های راهبردی دو کشور محسوب شود. بنابراین، این توافق می‌تواند زمینه‌ای برای تقویت همکاری‌های نظامی و دفاعی فراهم کند و سطح اعتماد و هماهنگی میان دو کشور را در حوزه امنیتی ارتقا دهد.

عربستان، با قرار گرفتن زیر چتر حفاظتی اسلام‌آباد از حمایت استراتژیک کشوری برخوردار می‌شود که تجربه طولانی در توسعه ظرفیت‌های دفاعی و هسته‌ای دارد، و پاکستان نیز با گسترش نفوذ و مشارکت خود در امنیت منطقه، نقش خود را به عنوان یکی از بازیگران

نگاره هادی محمدی

تنها غیرت عربی

به جای گنفر انس نمایشی سران

با اینکه بوی الرحمان مؤلفه‌های قدرت رژیم صهیونی بلند شده و نتایج‌هاو در انزوای جهانی و واکنش خجولانه اروپا در تحریم کوچک اقتصادی و ناتوانی‌های نظامی در غزه و ایستادگی مقاومت در ویرانه‌های غزه و بسیاری از چالش‌های راهبردی گرفتار است و برای نجات اقتصاد بحرانی رژیم فقط وعده‌های سر خرمن خود کفایی می‌دهد، به قطر حمله کرده و محل استقرار تیم مذاکراتی حماس را هدف قرار می‌دهد. نتایج‌هاو چند روز قبل و بعد از وزیر محکوم به جنایتکاری‌اش اسمو تریج نه تنها اعلام کرد چیزی به نام دولت فلسطین وجود نخواهد داشت، بلکه در جایگاه یک مأموریت الهی، تحقق اسرائیل بزرگ را با اشغال شش کشور عربی و بخش‌هایی از ترکیه نیز اعلام کرده بود ولی حالا نشان داد که قوانین و عرف بین‌المللی و حاکمیت کشورها و مصونیت‌های دیپلماتیک و همه قواعد انسانی و بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی را زیر پا گذاشته، میبانی و مذاکره کننده را هم یکجا هدف قرار می‌دهد. البته با اینکه رژیم صهیونی مثل همیشه سعی کرده روایت و داستان‌های هالیوودی از این عملیات را ارائه کند ولی حمله به قطر و هدف تروریستی برای به قتل رساندن مقامات حماس، شکست خورد. اگرچه بسیاری از سؤالات در پی نبوده‌اند اعتماد به امریکا و خریدهای میلیاردری سلاح از آنها یا پیمان‌های امنیتی و دفاعی و پایگاه‌های امریکایی و انگلیسی در قطر یا اینکه سیستم‌های دفاعی و قطر و عربستان در مقابل نقض حاکمیت‌هایشان در پرواز یا عبور موشک‌های اسرائیلی مطرح است و حتی شواهد همکاری و اطلاع‌رسانی امریکا از این حمله نیز مطرح است، ولی باید دید خروجی کنفرانس سران عرب و اسلامی در قطر در مقابل این تجاوزگری وحشی‌گری زنتیک صهیونی چیست. اسرائیل و نتایج‌هاو که در تمامی پرونده‌های منطقه‌ای جنگ ناتمام و ناموفق را در دو سال گذشته به اجرا گذاشتند، به شدت نیازمند یک پیروزی قطعی در غزه هستند و فریبکاری و ناچیزانمردی امریکا در چهره میبانی هم نتوانسته طرح تحمیلی مذاکرات و توافق توقف جنگ را به نتیجه برساند. نتایج‌هاو انتظار دارد قطر و بقیه کشورهای عربی و اسلامی در عین حال که در دهه‌های گذشته همه خوش خدمتی‌ها را به امریکا و رژیم صهیونی انجام داده‌اند، در مذاکرات آتش بس، همه وجدان و غیرت خود را زیر پا گذاشته تا طرح امریکایی ویتکاف را به نتیجه برسانند و نتایج‌هاو در یک پرونده پیروزی کامل باشد. حمله به قطر فقط یک پیام در بر نداشته که منحصر به غزه باشد، بلکه در کنار آن، زنگ خطر نابودی حاکمیت‌های عربی و اسلامی و پذیرش سلطه مطلق صهیونی را نیز منعکس می‌کرد. عربی در دوحه جمع شدند ولی فقط یک کشور عربی به نام یمن دعوت نکردند که در حال دفاع از غزه و مردم مظلوم و گرسنه‌شان که روزانه باید انواع جنایت‌های ضد بشری و جنایات جنگی کینه‌توزان صهیونیست را تحمل کنند. خروجی نشست سران عرب و اسلامی، خط و نشان‌های همیشگی و فاقد یک اقدام مؤثر و بازدارنده بود. نه تنها ترین تأمین‌کنندگان تجاری اسرائیل است و دارند به عنوان کرم‌بند امنیتی شرق سرزمین‌های اشغالی و دروازه شرقی ترانزیتی و وطن جایگزین برای فلسطینی‌هایی که قرار است از همه سرزمین فلسطین اخراج شوند، مشغول انجام وظیفه است.

امارات که عقبه اصلی رونق فعلی خود را به انگلیسی‌ها و صهیونیست‌های بین‌المللی مدیون است، در کنار همه انواع خدمات اطلاعاتی، شریان اصلی تأمین مالی و ترانزیتی و پوشش رسانه‌ای برای رژیم را بر عهده‌دار است و فقط به توصیف تجاوز صهیونیست‌ها پرداخت، مصر را در عین حال که پیشنهاده و بیمان دفاع دسته‌جمعی دادند، ولی در کنار بقیه کشورهای عربی منطقه، به همکاری امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی با رژیم ادامه می‌دهند.

این در حالی است که می‌دانند همگی در صف ذبح و قربانی شدن و دوشیده شدن و تجاوز و کرشن قرار دارند ولی به بیانه‌خوانی اکتفا کرده و یمن محاصره شده که مرانده در مقابل امریکادر دریای سرخ و در مقابل رژیم سفاک صهیونی، امنیت و اقتصاد این رژیم را فرسایش داده است، در این میدان غیرت و انسانیت ایستاده است.

اخبار کوتاه

■ ایران ۵۰۰ میلیون دلار موشک امریکا را دود کرد

اسناد بودجه پنتاگون نشان می‌دهد امریکا در جریان جنگ ۱۲ روزه ۵۰۰ میلیون دلار شلیک کرده است. به گزارش فارس، این اسناد شامل درخواست ۴۹۸ میلیون دلار بودجه اضطراری برای جایگزینی موشک‌های سامانه «تاد» است که در حمایت از اسرائیل مصرف شده‌اند. این بودجه نیازمند تأیید گنگره است. رسانه‌های امریکایی نوشتند واشینگتن به جای صرف هزینه برای نیازهای داخلی، میلیاردها دلار صرف جنگ‌های نیابتی کرده است.

■ امریکا معافیت تحریمی جایهار را لغو می‌کند

پایگاه «بندین کسپرس» نوشت اقدامی که از ۲۹ سپتامبر اجرائی می‌شود، این معافیت از سال ۲۰۱۸ برای تسهیل توسعه بندر توسط هند برقرار بود و امکان دسترسی دهلنو به افغانستان و آسیای مرکزی را فراهم می‌کرد. به گزارش رویترز، این تصمیم شربه بزرگ‌تری به برنامه‌های هند می‌زند، به‌ویژه که چهاربار رقیب بندر گوادر پاکستان است که با کمک چین توسعه یافته است. همزمان، امریکا مانع توافقی گازی بغداد با ترکمنستان شد؛ توافقی که قرار بود از مسیر ایران انجام شود. فشارهای واشینگتن عراق را وادار به جست‌وجوی گزینه‌های جایگزین کرده و عملاً پروژه‌های اقتصادی منطقه‌ای ایران را هدف قرار داده است.

■ یونیفیل: اسرائیل حملات به لبنان را متوقف کند

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در جنوب لبنان (یونیفیل) با انتشار بیانه‌ای از رژیم صهیونیستی خواستند حملات خود را فوراً متوقف و به تعهدات قطعنامه ۱۷۰۱ ملل کند. به گزارش المیادین، یونیفیل تأکید کرد حملات اخیر ثابت شکننده منطقه را تهدید کرده و نقض آشکار قوانین بین‌المللی است. در تازه‌ترین اقدام، یک پهپاد اسرائیلی خودرویی را نزدیک بیمارستانی در روستای تبنین هدف قرار داد. کارشناسان می‌گویند ادامه این حملات می‌تواند لبنان را وارد مرحله جدیدی درگیری درگیر کند. سازمان ملل هشدار داد که تداوم عملیات اسرائیل نه تنها جان غیرنظامیان را تهدید می‌کند بلکه احتمال گسترش جنگ در مرزهای شمالی سرزمین‌های اشغالی را افزایش می‌دهد.



تمدید مهلت نام‌نویسی بیمه تکمیلی صندوق اعتباری هنر

نام‌نویسی بیمه درمان تکمیلی ویژه اصحاب فرهنگ، هنر، رسانه و فعالان قرآن و عترت که از ۲۸ شهریور آغاز شده‌بود، تا روز چهارشنبه دوم مهرماه ۱۴۰۴ تمدید شد.

این فرصت به منظور فراهم کردن امکان نام‌نویسی برای آن دسته از اعضای که تاکنون موفق به ثبت‌نام نشده‌اند، ایجاد شده‌است. پیش‌تر زمان نام‌نویسی تا ۲۸ شهریور تعیین شده‌بود، اما با توجه به استقبال اهالی فرهنگ و هنر و رسانه و درخواست‌های مکرر اعضا، این مهلت تا دوم مهرماه تمدید شد. اعضای توانمند برای تکمیل فرآیند ثبت‌نام و بهر‌مندی از خدمات بیمه تکمیلی، از طریق پیام‌سان اختصاصی صندوق به نشانی honarcredit.ir/app یا سایت صندوق به نشانی honarcredit.ir/profile اقدام کنند. بر این اساس، متقاضیان قادر خواهند بود با انتخاب یکی از طرح‌های «امید»، «آرامش» یا «رفاه»، افران تحت تکفل خود را نیز در همان طرح ثبت‌نام کنند.



کورش سلیمانی هدایت تئاتر شهر را بر عهده گرفت

کورش سلیمانی، هنرمند شناخته‌شده عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون با حکم مدیر کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سرپرست مجموعه تئاتر شهر شد.

کورش سلیمانی طی حکمی هدایت مجموعه تئاتر شهر را بر عهده گرفت. در بخشی از حکم صادره تأکید شده‌است که این مجموعه به عنوان مهم‌ترین مکان اجرای نمایش در کشور نیازمند مدیریتی هنرمندانه و برنامه‌ریزی دقیق برای تقویت جایگاه آن در عرصه تئاتر است. در مراسم معارفه که با حضور جمعی از مدیران و مسئولان فرهنگی برگزار شد، ضمن قدردانی از تلاش‌های حسن جودکی، سرپرست پیشین مجموعه، حکم کورش سلیمانی اعطا شد. همچنین اعلام شد پس از طی فرآیندهای لازم، حکم ریاست این مجموعه نیز به او ابلاغ خواهد شد. کورش سلیمانی متولد ۱۳۵۲ در کرمانشاه است. او از سال ۱۳۷۰ فعالیت‌های هنری خود را در عرصه بازیگری و کارگردانی آغاز کرد و در سال ۱۳۷۶ وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. سلیمانی مدرک کارشناسی خود را در رشته کارگردانی تئاتر و کارشناسی ارشد را در رشته ادبیات نمایشی دریافت کرده‌است.



جلد سوم مجموعه «بلدچی» اثر اسماعیل سپهوند از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد.

«بلدچی» مجموعه پنج جلدی خاطرات اسماعیل سپهوند، رزمنده و نویسنده لرستانی دفاع مقدس از دوران هشت سال دفاع مقدس است که تاکنون سه جلد از آن منتشر شده‌است. این مجموعه را به جرئت می‌توان نخستین روایت ادبی بلند از حماسه‌های دفاع مقدس در استان لرستان به شمار آورد؛ روایت حماسه از زبان کسانی که حرف‌هایی برای گفتن دارند. جلد سوم «بلدچی» دربردارنده دوره زمانی شش‌ماهه از تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ تا ۱۳۶۶/۴/۱۴ است. حوادث و وقایع این مقطع عبارت‌اند از: بخشی از عملیات تکمیلی کربلای ۵، عملیات کربلای ۱۰، شناسایی ارتفاعات گمو، شناسایی تپه دولقو، عملیات نصر ۴ و عملیات یال گمو. در این جلد سعی شده‌است تاریخ واقعی جنگ در لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) به تصویر کشیده‌شود.

روزبه فکور

کارگردان مستند «عقرب زرد» معتقد است برای نخستین بار شخصیت علی چیت‌سازان را به شکل جامع و مستند به تصویر کشیده‌ام و مخاطب را با وجوه کمتر شناخته شده زندگی او در این مستند آشنا می‌کند.

علی الفت، کارگردان و مستندساز، درباره موضوع مستند «عقرب زرد» به «جوان» گفت: در بررسی‌هایی که انجام دادم، دریافتم تاکنون مستند جامع و کاملی که به شخصیت علی چیت‌سازیان بپردازد، ساخته نشده است. در حالی که این پتانسیل وجود داشت که با توجه به وجوه شخصیتی نامتوین ایشان، یک فیلم مستند کامل تولید شود. به همین دلیل تحقیقات را آغاز کردم و با دوستان، هم‌زمان و خانواده ایشان صحبت کردم تا به خط روایی مشخصی برسیم. همان خطی که اکنون در فیلم می‌بینید. در به واقع احساس کردم این خط روایی و قصه‌ای که روایت می‌کنیم، هم جذاب است و هم شخصیت ایشان را همانگونه

روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۰۰۸۸۵۲۳۰۶۰
فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۲۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۳ | شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۸ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۴ | اذان مغرب: ۱۸:۳۱ | شب ششم شرقی: ۲۲:۱۵ | اذان صبح در د: ۴:۲۷ | طلوع آفتاب در د: ۵:۵۱

حکمت

امام حسین علیه‌السلام:

عاجز تر ین مردم کسی است که نتواند دعا کند.

بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴

روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۳ | شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۸ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۴ | اذان مغرب: ۱۸:۳۱ | شب ششم شرقی: ۲۲:۱۵ | اذان صبح در د: ۴:۲۷ | طلوع آفتاب در د: ۵:۵۱



گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان «خارپشت» درباره سینمای کودک و جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان

می‌خواهم قبل از پخش جهانی فیلم بازخورد مخاطبان کودک را ببینم

■ احمد جوان

کارگردان «خارپشت» گفت: فیلم ما در مورد نجات یک خانه است. در واقع بچه‌های فیلم تلاش می‌کنند، خانه‌ای را که در مسیر بازسازی فروده‌گاه قرار گرفته و ساخت فروده‌گاه باعث تهدید آن شده است، نجات دهند و به پدر و مادرشان کمک کنند. این ایده اصلی فیلم بود. محمدعلی حسینی، کارگردان «خارپشت» از آثار راه یافته به بخش داستانی کوتاه سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان و محصل انجمن سینمای جوانان ایران درباره این فیلم به «جوان» بیان کرد: فیلم در کرج فیلمبرداری شد. چهار روز فیلمبرداری داشتیم، البته فیلمبرداری پروژه دو سال پیش انجام شد، اما به خاطر هزینه‌های سنگین جلوه‌های ویژه، مراحل پس تولید زمانبر شد تا فیلم آماده شود و به جشنواره‌های داخلی و خارجی برسد.

■ فیلمی شاعرانه و فانتزی

حسینی درباره پیام این اثر اظهار کرد: این فیلم بخشی از یک سه‌گانه است که من در حوزه کودک و نوجوان نوشته‌ام. درباره این است که چگونه دنیای خیالی بچه‌ها با دنیای واقعی متفاوت است. یک‌جورهایی اولین مواجهه آنها با واقعیت زندگی است. فیلم شاعرانه است و به‌خاطر جلوه‌های ویژه زیاد، رنگ و بوی فانتزی و جادویی دارد. فیلم برای مخاطب کودک ساخته شده است. خیلی از فیلم‌ها هستند که صرفاً بازیگر کودک را دارند، اما این فیلم مخصوص کودک است. دریافتی که می‌خواستم در طول فیلم به‌مخاطب منتقل شود، این بود که چگونه ما انسان‌ها می‌توانیم خیلی راحت دنیای کودکانه و تصاویر ذهنی آنها را تخریب کنیم. این همان چیزی بود که در فیلم دنبال می‌کردم. حسینی درباره بازیگران کودک توضیح داد: ما در فیلم یک پسر و یک دختر داریم که هنگام فیلمبرداری حدود ۹ و ۱۰ ساله بودند که از انتخاب آنها راضی هستم.

این کارگردان درباره ویژگی‌های کارگردانی این اثر توضیح داد: سعی کردم فضای فیلم چیزی بین فانتزی و اجتماعی باشد، یعنی وقتی مخاطب فیلم را می‌بیند، خیلی قیاس مستقیم با دنیای واقعی نکند. این را هم باید اضافه کنم که فیلم اقتباسی از انیمیشن «آپ» دارد. بچه‌های فیلم انیمیشن می‌بینند و تصمیم می‌گیرند کاری انجام دهند. البته تلاش کردم فیلم فضایی جهان شمول، همچنین شاعرانه‌تر و فانتزی‌تر باشد. هدف این بود که مخاطب در وهله اول یک کار سرگرم‌کننده ببیند و از دیدن فیلم حس رضایت داشته باشد، به همین خاطر جلوه‌های ویژه فیلم سنگین و زمان‌بر شد. وی در ادامه درساره هزینه‌های ساخت فیلم گفت: صددرصد مشکل داشتیم. یکی از دلایلی که فیلم حدود یک سال و نیم متوقف شد، همین

هزینه‌ها بود. فیلم از تولیدات انجمن سینمای جوانان ایران است، اما هزینه‌ای که انجمن داد پایین بود. بقیه را سعی کردم از منابع شخصی و اطرافیان تأمین کنم. به‌طور کلی فیلمسازی امروز کار سختی شده است، حتی جاهایی که حمایت کامل می‌کنند، انتظاراتی دارند. بنابراین اگر بخواهی استقلال را به‌عنوان فیلمساز حفظ کنی، مجبور می‌شوی سراغ منابع دیگر بروی، چون برخی از گان‌ها و نهادهای ممیزی‌هایی دارند که ممکن است کارگردان نخواهد انجام دهد.

■ **اولین حضور در جشنواره فیلم کودک**
حسینی در پاسخ به اینکه «خارپشت» چندمین فیلم اوست، گفت: این چهارمین فیلم من است و اولین فیلمی است که در حوزه کودک ساختم. وی درباره جشنواره گفت: من تاکنون در جشنواره فیلم کودک شرکت نکرده‌بدم و این اولین حضورم است. چیزی که درباره جشنواره فیلم کودک برای من خیلی مهم است و البته امتیاز آن هم محسوب می‌شود، این است که بخشی از نماشاگران، آداوران و حتی خبرنگاران از بین خود کودکان انتخاب می‌شوند. این برای من اهمیت دارد، چون می‌خواهم قبل از پخش جهانی فیلم، بازخورد مخاطبان کودک را ببینم. اینکه چه برداشتی از فیلم دارد یا چه استقبالی می‌کند، حتی می‌تواند روی تصمیم من برای تدوین نهایی و پخش جهانی تأثیر بگذارد. شنیدام جشنواره کودک اصفهان از نظر نگار، پرگزاری، حتی بهتر از جشنواره فیلم کوتاه تهران است. به هر حال یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌است و خیلی خوشحالم که اولین فیلم کودک من اینجا حضور دارد.

سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در سه بخش (فیلم‌های بلند، کوتاه و پویانمایی)، بخش بین‌الملل و بخش ویژه از ۱۲ تا ۱۶ مهرماه سال جاری با دبیری حامد جعفری در شهر اصفهان برگزار می‌شود.

روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۳ | شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۸ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۴ | اذان مغرب: ۱۸:۳۱ | شب ششم شرقی: ۲۲:۱۵ | اذان صبح در د: ۴:۲۷ | طلوع آفتاب در د: ۵:۵۱

روزنامه جوان | شماره ۷۴۰۳ | شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۸ | غروب آفتاب: ۱۸:۰۴ | اذان مغرب: ۱۸:۳۱ | شب ششم شرقی: ۲۲:۱۵ | اذان صبح در د: ۴:۲۷ | طلوع آفتاب در د: ۵:۵۱

ریاکاری دانست و افزود: از نگاه سازنده، مهم‌ترین مضمون اثر مقابله با ریاکاری‌های مردمی است که امروز در سطح جامعه دیده می‌شود. در کنار آن، فیلم بر اهمیت درک، مدارا و تحمل اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت – حتی در یک مجموعه یا از گان واحد – تأکید دارد. به بیان دیگر، محور اصلی فیلم، هم نقد ریاکاری اجتماعی است و هم دعوت به پذیرش تنوع فکری.

وی در پایان در خصوص بازخورد تماشاگران نسبت به این اثر گفت: تاکنون بازخورد‌ها نسبت به فیلم مثبت بوده؛ هم مخاطبان جوان استقبال خوبی داشته‌اند و هم مخاطبان قدیمی که آن فضا را درک می‌کنند از فیلم رضایت نشان داده‌اند. در واقع در این اثر، صداقت با مخاطب صحبت می‌شود و تلاش شده استناد و مدارک از هر دو طرف، هم طرف موافق و هم طرف مخالف، به‌طور یکسان ارائه شود تا تصمیم‌گیری نهایی بر عهده خود مخاطب باشد. نقدها و بازخوردهایی هم که دریافت کرده‌ام، هم از سوی مخاطبان و هم از سوی منتقدان، بسیار مثبت بوده است.



درخواست ۳ نویسنده برنده نوبل درباره نسل‌کشی در غزه

خود پایبند باشند، آن هم در حالی که فلسطینی‌ها با آنچه سازمان ملل و تقریباً هر گروه بزرگ حقوق بشری در جهان به عنوان نسل‌کشی توصیف کرده‌اند، روبه‌رو هستند. در این نامه استدلال شده برنامه «پاوز» اگرچه محدود است، اما همچنان یکی از معدود شریان‌های حیاتی موجود است و نه تنها از افراد، بلکه از زندگی فرهنگی و فکری فلسطینی‌ها که با تخریب عمده دانشگاه‌ها، مدرسه‌ها و مراکز فرهنگی تهدید می‌شود، محافظت می‌کند. در درخواست از رئیس‌جمهور آمده‌است: «این تعلیق برنامه‌های تخلیه بر اساس یک مورد پیست نژادپرستانه در رسانه‌های اجتماعی، نوعی مجازات جمعی در زمانی است که همه امضاکنندگان کنوانسیون‌های نسل‌کشی باید تمام تلاش خود را برای نجات فلسطینی‌ها از نابودی انجام دهند و از همدستی در جنایات علیه بشریت خودداری کنند.» در این نامه که روز جمعه به دفتر مکرون ارسال شد، آمده‌است: «ما به عنوان نویسنده، از شما می‌خواهیم که هر چه سریع‌تر این خط تخطات را احیا کنید و از دیگر سران کشورها بخواهید برنامه‌های مشابهی ایجاد کنند.» دیگر امضاکنندگان این نامه عبارت‌اند از آلن داسامو، متیاس اینتار، آن انزلیت، دیدیه اربین، ایزابلا حامد، کایکا کاسیلوا، کریم کتان، رشید خالدی، ناومی کلاین، دیورا لوی، اودارد لونیس، ویت تان نگوین، مکس پورت، سالی رونی، ایلا سلیمانی و مادالین تین. برنامه مکث سال ۲۰۱۷ توسط دولت فرانسه و کالج دو فرانس برای که محققان، نویسندگان، روشنفکران و هنرمندان خارجی که در شرایط اضطراری قرار می‌گیرند، راما دانزی شدند. از آن زمان تاکنون از این برنامه برای ارائه ویزای استعاده‌های فرانسه و حمایت مالی از مردم از کرآین، سوریه، افغانستان و سایر کشورها استفاده شده‌است. از زمان آغاز جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳، در مجموع ۳۱ هزارمند، نویسنده و دانشگاهی فلسطینی و خانواده‌هایشان از طریق این برنامه در فرانسه پناه گرفته‌اند.

ثمینه باغچه‌بان به خانه ابدی بدرقه شد

فرد بلکه به مثابه نهاد عمل می‌کنند و می‌مانند، راه و مسیر آنها روشنایی بخش یک سرزمین می‌شود. معنقدم ایران یعنی جبار باغچه‌بان و ایران یعنی ثمینه باغچه‌بان و ایران یعنی هر کسی که به فرهنگ، توانمند کردن دیگران و ساختن جامعه ایران خدمت کرده‌است. ما همه ایرانی‌ها مدیون خانواده باغچه‌بان هستیم. هدف باغچه‌بان صرفاً توانایی بخشی به یک میلیون ناشنوا نبود، بلکه حرکت‌شان به اندازه کل انسان‌های ایران و حتی انسانیت تأثیر داشته است.

او با ابلاغ پیام تسلیت مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، اظهار امیدواری کرد: ششما راه او را زنده نگه خواهید داشت و راهش ادامه پیدا خواهد کرد. ثمینه باغچه‌بان در کنار بزرگان و افرادی که به بشریت خدمت کردند، روحش جاودانه خواهد بود. مجید قدمی، رئیس اسبق سازمان آموزش و پرورش استثنایی هم با زبان اشاره با حاضران سخن گفت و یادآور شد: فقط یک نکته بگویم، حضرت علی (ع) می‌فرماید، هر کسی که می‌میرد، پرونده‌اش بسته می‌شود، به جز آدم‌هایی که در دنیا کارهای خوب کرده‌اند. اگر از خانم باغچه‌بان بپرسند در دنیا چه کردی، سری بلند خواهد گفت به ناشنوایان کمک کردم، کتاب نوشتم و مدرسه ساختم. حتماً جای مرحوم باغچه‌بان در بهشت است. پروانه باغچه‌بان، خواهر ثمینه باغچه‌بان و فرزند جبار باغچه‌بان نیز با زبان اشاره و با بیان اینکه اینجا برای وداع و خداحافظی آمده‌ایم، گفت: پدرم وصیت کرده‌بود بعد از مرگ در آموزشگاه باشد، اما نمی‌شد. اینجا مدرسه ناشنوایان است، اما پدرم می‌گفت مدرسه من صرفاً برای ناشنوایان نیست، برای همه است. شما یاد دارید، آن زمان تعداد ناشنوایان زیاد بودند و الان اوضاع عوض شده و امیدوارم مدرسه را رنگه دار د.



دانش آموزان مدرسه ناشنوایان باغچه‌بان بعد از سال‌ها در حیاط این مدرسه گرد هم آمدند تا ثمینه باغچه‌بان را به خانه ابدی‌اش بدرقه کنند. به گزارش «جوان»، مراسم تشییع پیکر ثمینه باغچه‌بان، نویسنده کودک و نوجوانان و پیشکسوت آموزش کودکان ناشنوا، دیروز (جمعه، ۲۸ شهریور) با حضور جمعی از دانش‌آموزان سابق مدرسه ناشنوایان باغچه‌بان که ثمینه باغچه‌بان بعد از گذشت پدرش در سال ۱۳۴۵ مدیریت آن را بر عهده داشت، با شعار «رود بر باغچه‌بان» برگزار شد. پروانه باغچه‌بان، خواهر ثمینه و دیگر فرزند جبار باغچه‌بان، علی ربیعی (مشاور اجتماعی رئیس‌جمهور)، محمدرضا شفیعی کدکنی، داوود کیانیان، علی کاشفی خونساری، زهرآفرینی و تعداد زیادی از دانش‌آموزان نسل‌های مختلف مدرسه باغچه‌بان از حاضران در این مراسم بودند که پیکر ثمینه باغچه‌بان را به سمت خانه ابدی‌اش در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا ی تهران بدرقه کردند. علی ربیعی، دستیار مراسم رئیس‌جمهور و استاد دانشگاه در سخنانی در این مراسم اظهار کرد: وقتی افرادی در تاریخ یک ملت نه به عنوان یک